

کتاب نسیخ نامه

دودمان‌های پس از اسلام

[ورود اسلام به ایران](#)

[خلفای راشدین \(خلفاء اربعه\)](#)

[خلفای اموی](#)

[خلفای عباسی](#)

- [طاهریان](#) (۸۲۰ - ۸۷۳ م. / ۲۰۵ - ۲۵۹ خ. ق. / ۱۹۹ - ۲۵۲ خ.) بنیان‌گذار **ظاهر ذوالیمینین**
- [صفاریان](#) (۸۷۵ - ۹۰۰ م. / ۲۶۱ - ۲۸۲ خ. ق. / ۲۵۴ - ۲۷۹ خ.) بنیان‌گذار **یعقوب لیث**
- [سامانیان](#) (۸۷۵ - ۹۹۹ م. / ۲۶۱ - ۳۸۹ خ. ق. / ۲۵۴ - ۳۷۸ خ.) بنیان‌گذار **نصر یکم**
- [زیاریان](#) (۹۲۸ - ۱۰۷۰ م. / ۳۱۵ - ۴۶۲ خ. ق. / ۳۰۶ - ۴۴۹ خ.) بنیان‌گذار **قابوس بن وشمگیر**
- [بوییان](#) (آل بویه ۹۳۲ - ۱۰۴۹ م. / ۳۲۰ - ۴۴۰ خ. ق. / ۳۱۱ - ۴۲۸ خ.) بنیان‌گذار **شهریار عضدالدوله**
- [غزنویان](#) (۹۹۸ - ۱۱۶۰ م. / ۳۷۷ - ۵۳۹ خ. ق. / ۳۸۸ - ۵۵۵ خ.) بنیان‌گذار **سلطان محمود غزنوی**
- [سلجوقیان](#) (۱۰۳۸ - ۱۱۹۴ م. / ۴۲۹ - ۵۷۳ خ. ق. / ۴۱۷ - ۵۹۰ خ.) بنیان‌گذار **ملکشاه و سلطان سنجر**
- [خوارزمشاهیان](#) (۱۰۷۸ - ۱۲۲۰ م. / ۴۷۰ - ۶۱۷ خ. ق. / ۴۵۶ - ۵۹۹ خ.) بنیان‌گذار **محمد خوارزمشاه**
- [ایلخانیان](#) (۱۲۵۶ - ۱۳۳۶ م. / ۶۳۵ - ۷۳۶ خ. ق. / ۶۵۴ - ۷۱۴ خ.) بنیان‌گذار **هولاکوهان**
- [تیموریان](#) (۱۳۷۰ - ۱۴۹۸ م. / ۷۷۱ - ۸۷۷ خ. ق. / ۷۴۸ - ۹۰۳ خ.) بنیان‌گذار **تیمور گور کانی**
- [آق قویون و قره قویونلو ها](#) (۱۳۷۸ - ۱۵۰۸ میلادی) بنیان‌گذار اوژون حسن
- [صفویان](#) (۱۵۰۱ - ۱۷۲۳ م. / ۹۰۶ - ۱۱۳۵ خ. ق. / ۸۷۹ - ۱۱۰۲ خ.) بنیان‌گذار **شاه اسماعیل یکم**
- [افشاریان](#) (۱۷۳۵ - ۱۷۴۸ م. / ۱۱۴۱ - ۱۱۴۸ خ. ق. / ۱۱۱۴ - ۱۱۲۷ خ.) بنیان‌گذار **نادر شاه**
- [زندیان](#) (۱۷۵۰ - ۱۷۹۵ م. / ۱۱۲۹ - ۱۱۶۳ خ. ق. / ۱۱۰۹ - ۱۱۷۳ خ.) بنیان‌گذار **کریم خان زند**
- [قاجار و پهلوی و جمهوری اسلامی ایران](#)

کتاب نسیخ کن نامه

پس از استقرار دین اسلام در سرزمین ایران که در نتیجه پیروزی اعراب مسلمان بر ساسانیان و فتح ایران توسط آنها روی داد، تحولات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی ایران به وجود آمد. ایرانیان که از تبعیض طبقاتی موجود در کشورشان ناراضی بودند اسلام

را پذیرفتند و در اشاعه آن کوشیدند.

با این حال هرگز مخالفت خویش را با سلطه امویان و عباسیان بر خاک ایران پنهان نکردند و جنبش‌های استقلال طلبانه‌ای را به پا ساختند که تشکیل حکومت‌هایی چون طاهریان (۸۸۱-۸۲۶ م) و صفاریان (۹۰۳-۸۶۶ م) را میتوان از نتایج آنها برشمود.

طاهریان برای اولین بار پس از ظهرور اسلام نواحی شرقی ایران همچون خراسان را به استقلال رسانیدند و صفاریان نیز برای اولین بار از زبان خارجی به جای زبان عربی استفاده کردند. از دوره سامانیان (۹۹۹-۸۱۹ م) نیز خط فارسی نوین پدید آمد و الفبای عربی با زبان فارسی رواج یافت.

حکام آل بویه (۹۴۵-۱۰۵۵ م) پس از فتح شیراز و تأسیس حکومت خویش راهی بغداد شده آن را تصرف نمودند و مقام خلافت را به آلت دست خویش تبدیل نمودند و قدرت واقعی را در دستان خویش گرفتند.

غزنویان (۹۷۷-۱۱۸۶ م) خود را به عنوان غازیان یا جنگجویان مسلمان مطرح ساختند و سرزمین‌هایی همچون هندوستان را مورد تهاجم خویش قرار دادند.

سلجوقیان (۱۰۳۸-۱۱۹۴ م) با پیروزی بر غزنویان حکومت خویش را تأسیس نمودند و سراسر ایران تحت سیطره خویش درآوردند و به یاری وزرای بزرگ و دانشمند ایرانی قدرت خود را تثیت نمودند ولی در نهایت توسط خوارزمشاهیان از میان رفتند.

کتاب نسیخ کن نامه

در دوره حکومت خوارزمشاهیان (۱۲۳۱-۱۰۷۷ م) تهاجم مغول‌ها به خاک ایران آغاز گردید. نتیجه این تهاجم انقراض حکومت خوارزمشاهیان و غارت شهرها و قتل عام مردم ایران بود که با نابودی اقتصاد و کشاورزی ایران همراه گردید. مغول‌ها بسرعت خاک ایران را تصرف نمودند و ضمن لشکرکشی به بغداد و به قتل رساندن خلیفه عباسی خلافت اسلامی را از میان برداشتند (۱۲۲۸ م).

پس از مغول‌ها، تیموریان (۱۵۰۶-۱۳۷۰ م) به خاک ایران هجوم آوردند و بار دیگر سرزمین ایران را عرصه تاخت و تاز و غارت قرار دادند.

از دوره صفوی (۱۵۰۱-۱۷۳۲ م) مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران معرفی گردید. مذهب تشیع با ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی خویش باعث اتحاد و استقلال ایران گردید و هویت ملی آن را در برابر تهاجمات و ضربات مهلك امپراتوری عثمانی حفظ نمود و ایران توانست بار دیگر به عنوان یک قدرت بزرگ سیاسی و مذهبی قد علم کند.

در دوره شاه عباس کبیر شهر اصفهان به عنوان پایتخت ایران انتخاب گردید و به اوج عظمت شکوه دست یافت به طوری که یادگارهای بسیاری از آن دوران تا عصر حاضر نیز بر جای مانده‌اند. صفویان در نتیجه تهاجم افغان‌ها و تصرف اصفهان توسط آنها از میان رفتند.

نادرشاه افشار افغان‌ها را شکست داد و ضمن تسلط بر تمامی خاک ایران، سلسله افشاریان را تأسیس نمود (۱۷۳۴ م). پس از افشاریان، زندیان (۱۷۹۶-۱۷۵۰ م) بر اریکه قدرت تکیه زدند در دوره حکومت آنها شهر شیراز به پایتختی انتخاب گردید و به شهری باشکوه و بزرگ تبدیل شد.

كتاب نسخ کنج نامه

حکومت امویان در ایران:



خلافت اموی پس از شهادت حضرت علی(ع) چهارمین خلیفه مسلمانان توسط معاویه بن ابوسفیان تشکیل شد. نسبت خاندان بنی امية به امیه بن عبد شمس می‌رسید و آنان از سال ۴۱ هـ تا ۱۳۲ هـ ق امپراطوری بزرگی را در سرتاسر متصروفات اسلامی از اندلس تا ماوراءالنهر تشکیل دادند که در نوع خود بی‌نظیر بود. ویژگی خاص خلافت امویان تشریفات و تجملات درباری خلفاً بود، به گونه‌ای که آنها بر خلاف زندگی ساده و بی‌تكلف خلفای راشدین و بویژه امام علی(ع) دمشق را به شهری شاهانه تبدیل کردند و با موروثی کردن مقام خلیفه، خلافت اموی را به نوعی سلطنت و پادشاهی مبدل ساختند. خلفای اموی در طول ۹۰ سال حکومت خود به هیچ عنوان وقوعی به تعالیم و دستورات اسلامی ننهادند و از هر گونه ظلم و ستمی به مردم کشورهای

کتاب نسیخ کنخ نامه

تحت حاکمیت خود فروگذار نکردند. آنان از ابتدا رویه خصم‌نامه‌ای را نسبت به ایرانیان نیز در پیش گرفتند و از آنجا که گروه زیادی از مردم ایران به تشیع گرویده بودند به آنان به چشم دشمنان جدی خود می‌نگریستند. یزید دومین خلیفه اموی با به شهادت رساندن امام حسین(ع) ننگ جاودانی برای خود و کارگزارانش بر جای نهاد و کینه و نفرت و صفت ناپذیری بین او و مردم ایران که امام سوم شیعیان را سخت گرامی می‌داشتند بوجود آمد. این دشمنی و خصوصیت در دوره خلفای بعدی اموی ادامه پیدا کرد و آنان با موالی و بنده خواندن غیر اعراب و بویژه ایرانیان همواره مردم ایران را مورد اهانت و تحقیر خود قرار می‌دادند. اوج فشار و ظلم خلفای اموی بر مردم ایران در دوره حکومت عبدالملک بن مروان بود و با وجود تلاش فراوان وی برای بیرون راندن ایرانیان از امور دیوانی دستگاه خلافت، در این امر توفیقی نیافت. در دوره خلافت امویان بر ایران، مردم سختی‌های فراوانی را متحمل شدند و عمال بنی‌امیه علاوه بر اخذ مالیات‌های گوناگون به چپاول و غارت اموال و مردم نیز می‌پرداختند. آنان در دوره حاکمیت خود قبایلی از اعراب مناطق شمالی و جنوبی عربستان را به ایالات مختلف ایران کوچ دادند تا از این طریق کنترل بیشتری مردم ایران داشته باشند ولی پس از چندی همین امر موجب تشدید درگیری مناطق مختلف ایران شد چرا که این قبایل که ریشه در عصیت جاهلی خود داشتند در گیر اختلافات طایفه‌ای و قبیلگی شده به تشنجه در این مناطق دامن

کتاب نسیخ کن نامه

زدند. دوره امویان سب و لعن حضرت علی(ع) و خاندان او در سرتاسر خلافت اجباری شمرده می شد و ایرانیان که به خاندان اهل بیت عشق می ورزیدند با چشمی پرخون شاهد این توهین ها بودند هر از چند گاهی با قیام هایی خونین خشم خود را به خلفای اموی نشان می دادند. بهترین و عادل ترین خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز بود که سب و لعن علی و آل علی(ع) را متوقف کرد و از بار فشارهای تحمیلی بر مسلمانان غیر عرب بنحو محسوسی کاست ولی مخالفان خلیفه طی توطه ای پس از دو سال او را بقتل رساندند. ایرانیان در دوران خلافت اموی جدای از جنگ ها و شورش های گوناگون سیاسی، در گیر جنگ فرهنگی با امویان بودند و با براه انداختن نهضت ادبی شعوبیه در تلاش برآمدند تا گذشته پرافتخار خود را به رخ اعراب کشیده و برتری خود را بر آنان ثابت کنند. آنان همچنین در امور دیوانی نیز نقش مهمی به خود اختصاص دادند و علیرغم نفرت خلفا و کارگزاران آنان، ایرانیان در ساختار و شالوده اصلی حکومت بنی امية به سختی نفوذ کردند. امویان در دوران خلافت خود به قدری به ایرانیان محتاج بودند که سلیمان خلیفه اموی در این باره گفته بود: (عجب ایرانیان هزار سال حکم فرمایی کردند و ساعتی بما احتیاج پیدا ننمودند و ما صد سال خلافت کردیم و یک ساعت بی مساعدت آنها نتوانستیم زندگانی کنیم). ایرانیان در نهایت کینه خود را بر امویان کارگر ساختند و ابو مسلم خراسانی سردار بزرگ ایرانی سرانجام به حکومت آنها پایان داد.

كتاب نسیم کنچ نامه

نحوه دفینه گذاری در دوره امویان:

شیوه اول دفینه گذاری: این نوع دفینه که در دوره سلطنت زید بن محب می باشد بین گونه است که اغلب در بالای کوه ها قلعه می ساختند و کوشش قبله قلعه چاهی تعبیه می کردند که دوقاتر ته چاه سمت قبله **و عده سنگ** کبوتو

مثلث سنگ آسیاب ساخته و بعد از کاوهیدن مقداری به نشانه کله حیوانی رسیده می شود که بعد از آن یک دیگر بوده و دوقاتر یزدیک راه مخفی نمودار می شد که به دو سمت راه واشت یکی به سمت قبله که خالی بوده و دیگری سر مرشتن که به یک آتاق ختم می شود که دفینه داخل آن می باشد. شامل ادوات و سلاح جنگی می باشد

شیوه ۲: این نوع دفینه اغلب در شاه پشتہ یا شاه پهادیده می شود. در روی پشتگنی را قرارداده و روی آن را می نوشند " عمر رضوان الله " و دفینه را که شامل یک خمره سکه عمر خطاب است زیر سنگ دفن می کردند.

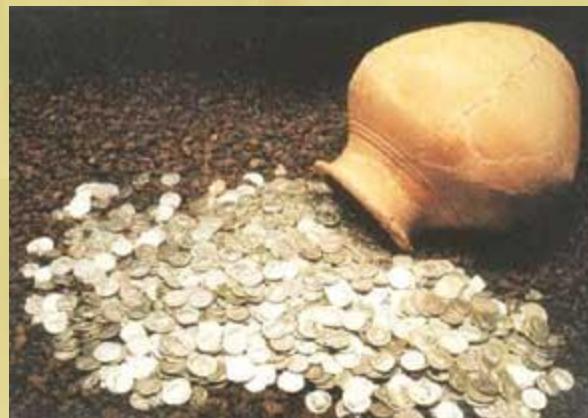
شیوه ۳: کافر قلعه یا قلعه کبری در نظر می کردند و میان قلعه سنگ سیاهی را که روی آن **ثلث شمشیر** بصورت حکاکی می کشیدند در نظر گرفته دفینه که شامل ۲ خمره سکه بود زیر سنگ پهنان می کردند که هم بوط به عمر خطاب می باشد.

شیوه ۴: نشانه مارمولک و بن مجده دایران نشانه بار نیست و فقط توسط اعراب ایجاد شده است. چون اعراب

وحشی علاقه زیادی به بن مجده بزرگ داشتند.

کتاب نسیم کن نامه

دفینه های امام حسنی(ع):



شیوه دفینه کناری اول: این نوع دفینه ها اغلب در کنار **رہدارخانه های قدیم** که کنار رودخانه قرار داشت گنج سرخ و سفید را نشان می کذاشتند و بعونان شاخص روی گنج سفید نشانه شان و روی گنج سرخ علامت آنکه شتر رامی گذاشتند. دفینه زیر گنج سفید رنگ بوده و یک دیک یا یک خمره سکه امام حسن (ع) بود.

شیوه ۲: قلعه های **کافر** دارای اهمیت بودند، در وسط قلعه گنج بزرگی را بعونان شاخص در نظر گرفته و نشان می گذاشتند نشان علامت آن گل شمشیر بود دفینه دقیقاً زیر گنج پنهان می شد و شامل سکه امام حسن (ع) بود.

شیوه ۳: در زیر دست قلعه های **کافر** دخت مازه بعونان شاخص در نظر می کردند، سمت قبله پشت دخت با فاصله ۵ ارش از دخت سمت قبله در نظر گرفته و دفینه را در آنجا قرار می دادند. اغلب خمره سکه امام حسن بود و روی آن را با گنج محکم پلپ می کردند.

کتاب نسیم کنچ نامه

شیوه ۴: در مکانهایی که به پریاپر مشور است اغلب تلی دست می کردند و بالای تل نزیر قلعه می ساختند

زیر دست قلعه گنگی را بعنوان شخص دنظر کرفته و دفینه را زیر آن پنهان می کردند. دفینه شامل یک بود.

شیوه ۵: اغلب در راه های مارویا شاهراه های اصلی چشم ای را دنظر می کردند. سر چشم یک چاه و بالای

چاه طرف مشرق چشم بود. دفینه پشت چشم یک پشه ای بصورت رینجه شده ساخته و دفینه را دفینه او سط پشه قرار

می دادند. دفینه شامل خمره سکه امام حسن (ع) بود.

شیوه ۶: همانطور که در شیوه های قبلی اشاره شد درخت مازو بعنوان شخص دنظر کرفته می شد که اغلب با فاصله های

مختلف به سمت های مختلف پنهان می شد. اغلب در زیر خود درخت نزیر که رو به قبله بود یک خمره دفن می کردند

البته این بر تامی درختان مازو شامل نمی شود. بهتر است قبل از تخریب درخت با دستگاه فلزیاب مطمئن شوید.

شیوه ۷: اغلب در بالای تپه ها دو گنگ سیاه و سفید دنظر می کردند و علامت حلقه را روی آن صورت حکمی

یابردند و دفینه زیر گنگ دفن می کردند. عمق بار اغلب یک زرع بود و دفینه هم شامل یک خمره بود.

كتاب نسخه نامه

حکومت بنی عباس (عباسیان):

خلافت عباسی توسط نوادگان عباس بن عبدالملک، عموی پیامبر، که از بنی هاشم بود در سال ۷۵۰ میلادی در حران تأسیس شد. مرکز این خلافت بعداً از حران به بغداد منتقل شد، حکومت عباسی در بغداد سال ۱۲۵۸ میلادی پس از یورش مغولان به پایان رسید. سپس توسط بازماندگان این دودمان حکومت مذکور قاهره منتقل شد؛ در سال ۱۵۱۹ میلادی پس از فتح شام و مصر توسط ارتش عثمانی سلسله عباسیان منقرض شد.

بنی عباس سیاست داخلی اداره کشور مانند امویان همان سیستم اداری روش ایرانیان پسندیدند و پیش گرفتند خلافت بنی عباس در سال ۱۳۲ هجری قمری توسط شخصی به نام سفاح تشکیل شد. مردی که در به قدرت رساندن خلافت بنی عباس نقش مهمی داشت ابو مسلم خراسانی بود که بعد از توسط منصور جانشین برادرزاده سفاح به قتل رسید. منصور حکومتی را که عمومیش پایه گذاری کرده بود قدرتمند کرد و پایتحت حکومت بنی عباس را به شهر بغداد منتقل کرد و تمامی دشمنان خود را به شدت سرکوب کرد. قدرتمندیت فرمانروای خاندان بنی عباس هارون الرشید است که در زمان او قلمرو خلافت بنی عباس در اوج وسعت قرار داشت. با این همه بسیاری که از قدرتی که به هارون الرشید نسبت می دهند به خاطر وزیر بزرگ او یحیی برمکی بود.

یحیی برمکی با هارون الرشید بزرگ شده بود با این حال بعد از دلیل قدرت بسیاری

كتاب نسخه نامه

كه به دست اورده بود کشته شد . بعد از مرگ هارون الرشید میان دو پسر او امین و مامون بر سر قدرت در گری اتفاق افتاد. امین بعد پنج سال حکومت توسط برادر خود کشته شد . چون مامون به یاری ایرانیان به قدرت رسید پایتخت بنی عباس از بغداد به شهر مرو در خراسان انتقال داد. این کار مامون مخالفت بزرگان خاندان بنی عباس قرار گرفت. مامون برای اینکه بزرگ شیعیان علی بن موسی الرضا را زیر نظر مستقیم خود بگیرد، او را به مرو آورد مقام ولیه‌دی ایشان پیشنهاد کرد . علی بن موسی الرضا به شرط آنکه در کارهای سیاسی دخالتی نکند هیچ کسی را عزل یا نصب نکند قبول کرد با این وجود یک سال بعد ایشان توسط خلیفه‌ی بنی عباس مسموم و کشته شد و مامون دوباره پایتخت بنی عباس را به بغداد انتقال داد. بعد مرگ مامون قدرت خاندان بنی عباس رو به انحطاط نهاد و قسمت‌های قلمرو این حکومت سر یه طغیان برداشتند حکومت‌هایی برای خود تشکیل دادند . شاید بعد از مامون بتوان به دو نفر از خلفای بنی عباس اشاره‌ی کوتاه کرد . یکی معتمد که در زمان او یکی از شاهان ایران به نام یعقوب لیث برای سرنگونی حکومت بنی عباس به بغداد حمله کرد ولی شکست خورد کمی بعد بر اثر بیماری مرد. دیگری منصور که تلاش بسیاری کرد تا حکومت ایرانی خوارزمشاهیان را در خراسان سرنگون کند به همین جهت مغولان را تحریک کرد که به ایران حمله کنند. آخرین خلیفه‌ی بنی عباس معتصم مغولان شکست خورد و تسليم شد و حکومت بنی عباس سرنگون گردید

كتاب نسخه کنج نامه

شیوه و طریقه دفینه گذاری در دوره بنی عباس (عباسیان):



شیوه اول: این نوع دفینه اغلب در قراول خانه کنار راه های قدیم دست می کردند بود. در کنار قراول

خانه های برجهای برای دیده بانی شهر و کاروان ایان و مسافران می ساختند، اغلب دفینه ها در وسط برج پنهان می کردند و

با ساروج پلک پ می کردند. این نوع دفینه های برای خرج پاہیان یا تعمیر موردا استفاده قرار می گرفت.

قراول خانه: مکانی بلند قریب یک فرسنگ بیرون شهر که شب و روز سربازان در آن مراقب بودند و چون سپاه

دشمن را از دور می دیدند برای اطلاع مردم شهر آتش روشن می کردند یا به وسیله ای آنان را آگاه می ساختند.

- اطاعتی که قراولان یک واحد نظامی در آن مستقرند، پاسدار خانه

كتاب نسخ كنز نامه



شیوه ۲: در پل‌های بسیار بزرگ تاریخی بعضی شهرها که بر مسیر رودخانه قرار می‌گرفت بالای پل سمت شمال

قبر و ارونه قرار داده و داخل قبر و سطحی یک دفینه قرار می‌دادند که شامل طاس بود.

شیوه ۳: این نوع دفینه‌ها اغلب دکنار **دختان** کرد و دفینه‌گذاری می‌شد. بین صورت که با فاصله یک گام

بلند از دخت یک سک جکری رنگ می‌گذاشتند و دقیقاً زیر آن سک دفینه را پنهان می‌کردند و اغلب

دفینه شامل مشربه نارون الرشیدی بود.

طریقه ۴: این نوع شیوه که مربوط به یک منطقه خاص دشمال کشور است و فقط محض یادگیری و غنیمه آموزشی یا

كتاب نسخ کنج نامه

می دیم. در سررو دخانه پشت برج زار زیر گنگ یک دیک سکه از زیده خاتون زوج هارون الرشید دفن
می کردند.

شیوه ۵: زدن حاذ های قدیمی گنگ شتر در مناطقی به اسم شترکر خواهد بود، جلوی شتره قبر که از پچ و گنگ

ساخته شده است می باشد، در قبر میانی یک خمره سکه دوره اسلامی هارون الرشید می باشد.

شیوه ۶: برج های قدیمی که برای دیده بانی کاربرد داشتند اغلب آنها خرج سپاهیان در وسط برج یک خمره سکه
معقصم بود و دفن می کردند.

شیوه ۷: اغلب در کنار دخت چار و مقابل شاخه او یک قبر وارونه وجود داشت که داخل قبر یک خمره سکه
هارون الرشیدی بود.

شیوه ۸: در اطراف امازاده چشم‌ای وجود داشت و بعضی از این چشم‌ها گوگرد نیز داشتند، بالای آن چند دخت

كتاب نسخ کنج نامه

قدیمی بود و مقابل دخت سک مردی عشل جاری شده بود دفینه زیر سک مربع دفن می کردند.

شیوه ۹: حوالی بعضی قبرها مست جنوب ده زاغه های می ساختند و در ب زاغه را با سکه‌های پلپ می کردند و دفینه دقیقاً

وسط زاغه پنهان می کردند که به لایه های چیز و ذغال رسیده بعد به یک خمره هارون الرشیدی رسیده می شد.

شیوه ۱۰: اغلب عمارت های باستانی که خراب شده و به تپه مبدل کشته اند از طرف شرق یا یبه سمت مرکز تپه رفتند

خمره دوره عباسی رسیده می شود.

شیوه ۱۱: دخت های قدیم (مکانهای تخت نشین و جای صاف) که در زمانهای قدیم تقاره خانه بود طرف

شمال سکنی که نشانه داشت می ساختند زیر آن سکه عباسی پنهان و دفن می کردند.



ابو مسلم خراسانی

گنج نسخ کنح نامه

گنج تدمیر:

اسعیل بن محمد بن خالد القسری نقل کند که با مردان حار بودم وقتی که شهر تدمیر را خراب میکرد، سوراخی ظاهر شد

خانه ای پیدا کرد دید در زیر زمین، و تختی کذا شده بود وزنی بالای آن تخت بود با گیوان داز و قدم آن زن،

سوای امکشان بقدرتیک ذراع بود، و حلی وزیور بسیار بر او پوشانیده بودند و لوحی از طلا در گیوان او بود، در او

نوشته شده بود که نام من تدمیر، دختر حسان هستم، خدا ذلیل کند آن را که داخل در این خانه شود. پس، مردان امر

کرد که در آن سرداره را بستند و چیزی از زیور آن زن برداشت. اساعیل کوید که چندی نکشید که عبد الله علی با

لشکر بسیار آمده با مردان حرب نمود ملک از او بستد.

تدمیر، صورت‌های بسیار از سُک تراشیده اند و صورت دو جاریه در پلوی هم تراشیده شده در غایت حسن و جمال

چهاری را در غایت غرابت در آن دو صورت معمول داشتند؛ چنانکه اوس بن ثعلبہ در وصف آن دو صورت

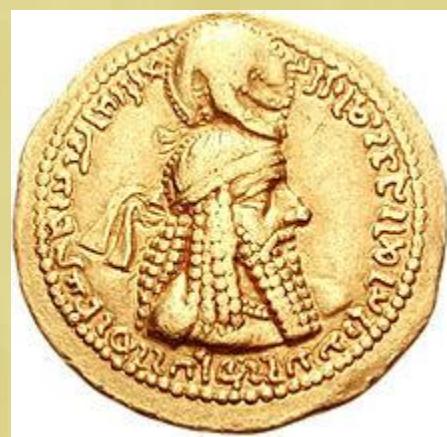
کفته است:

و تأثی اهل تدمیر خبر نیامات سلطان طول المقام قیام کمال غیر احتمالی حمل اصم من الرخام

گنج نشیں کنچ نامه

فلم قد من عدالیا لصرکاو عام بعد عام

گنج اردشیر :



بعد از آن اردشیر چون فارس را مسخر کر دانید لشکر مواحب طلبیدند میخواست که قسمتی کند نمیتوانست که به لشکری نماید، غصیم متفکر و غمگین شد و لشکر را وعده داد.
روزی در صفا ای تکیه زده بود، ماری سیاه دید که بر بالای سقف صفو در سوراخی رفت قوم را گفت که این مار را بیرون آورند و بکشدند و دیوار بشکافند، دفنه ای عالی یا فتد و به لشکر قسمت کرد. و هم در آن روز خاطی که خیاط بزرگان آن ولایت بود گفت که چندین صندوق جواهر و جامه های قیمتی پیش من نهاده [است].

كتاب نسخ گنج نامه

بنی عباس و گنج اسکندر:



در میان شام و حجاز شهری است که آن را تماین خوانند و حصنی بناست حکم دارد از سکهای ملون و عربان آن را حصن ابلق میخوانند و آن را سلیمان ساخته است و اشعار بسیار به وصف آن گفته اند و مثل شده.

بعد از آن مناره اسکندریه، چیزی بناست عجیب ساخته اند. و یکی از عجایب دنیا مناره اسکندریه است و اصل آن از آگلینه بود و شکلی چون خرچک از م ساخته اند بغايت بزرگ و در میان دریا و آب نهاده اند و بر پشت آن بنیاد مناره از آگلینه کرده اند و از جانب مناره تا کناره زمین قطره ها از آگلینه ساخته اند و چهار صد و پنجاه کنبلندی

کتاب نسیم کنج نامه

آن منار است غلیظ و قوی کرده بودند، چنانچه سیصد و شصت و پنج قطره از جوانب مناره از زیر تابلا لساخته اند و بر بالای مناره آینهای بزرگ روشن بود که هر کس در آنجا بودی تا لون جامد و عدد اشان همه را می‌نمود و در آن آینه می‌دیدند. قریب سیصد و بیست فرنگ است تابه قطبیه و چون از روم و فرنگ لشکری عزیمت محاربه می‌کردند، تا با سلامان جنگ کنند، چون در حرکت می‌آمدند، ابل اسکندریه را معلوم بوده، به کارسازی وفع و جواب لشکر مشغول می‌شدند. فرنگیان می‌خواستند که حیله کنند و آن آینه را خراب سازند. یکی از خلافکارهای اسکندریه رفته بود می‌گویند که خلیفه‌ای از آآل عباس بود.

جاسوسی، فرنگیان فرستادند بر سهیل دویشی تا در آن خانه‌ای منار اسکندریه مجاور شد و به خلیفه گفت دزیر این مناره کنج اسکندر است، بفرمود تا آن را خراب کردن یافتد تا قدر دیاوآب، شکل سلطانی یافتد مس و پیچ کنج بود و چون آن شخص را طلب کردند که نیخته بود، دانستند که آن جاسوس از فرنگ بوده و حیله کرده. پس خلیفه بفرمود تا استاد این بنار ایاوردند، تا باز مناره برآورده و آخراز کچ و آجر ساختند و دانگ از پچه اول بود.

کتاب نسیخ کن نامه

آیین تدفین و ساختار قبرها در دوره اسلامی:



پس از ورود دین اسلام به ایران دیگر آیین هایی که مربوط به زندگی پس از مرگ می شد از بین رفت و دیگر همراه مرده نه خمره ای دفن میشد و نه اشیاء فلزی مگر جنگ های بین عرب ها و ایرانیان بعد از مرگ به دلایل شرایط بد جنگی جنازه را در همان قسمت با تجهیزات خود دفن میکردند و بعد پیروزی اسلام رواج پیدا کردند دین اسلام میان ایرانیان بعد از مرگ همراه مرده فقط تسبیح و مهر یک یا چند انگشت نگین دار دفن میشد و مرده را به سمت قبله دفن میکردند البته یک سری از این قبرها جهتش با قبله امروزی متفاوت است و همه آنها را با قبر زرده شتی همان گبری اشتباه میگیرند و بعد از کاوش داخل آن چیزی پیدا نمیکنند. قبرها همان قبرهای مسلمانی است ولی به دلیل نبود مکه آن زمان جسد به سمت قبله قدیم بیت المقدس دفن میکردند.

کتاب نسیم کن نامه

قبرهای پادشاهان:



ساختار قبر پادشاهی به دو شیوه بود: قبل از اسلام و بعد از اسلام

در قبل از اسلام بصورت دخمه بوده مانند آرامگاههای صخرهای پادشاهان هخامنشی

نمونه های دیگر قبرهای پادشاهی به صورت تل های خاکی است که هم قبل از اسلام

کاربرد داشت هم بعد از اسلام در قبل از اسلام این تل ها برای قبر ملکه ها و خاندان

سلطنتی استفاده میشد ولی بعد از اسلام برای پادشاهان و سرداران بزرگ استفاده

می شد و ساختارشان به این صورت بود در قسمت طلوع یا غروب درب را تعییه

میکردند که به دخمه درون تپه راه داشت . در زمان اسلامی نوع قبرهای پادشاهان

کم کم از حالت دخمه ای درآمد و به بنا تبدیل شد نمونه آنها همان بقعه ها هستند .

کتاب نسیم کن نامه

دفینه بقعه ها (قبرهای سلطانی):



این قبرها متعلق به قبر پادشاهان در زمان اسلامی بوده مثال:

۱- شاه عباس اول : بقعه او در سمت جنوب غربی حرم مطهر ووصل به ان بود.

۲- شاه صفی : قبر او در رواق جنوبی حرم واقع بود و صندوقی روی قبرش بود

که امروزه در موزه قرار دارد.

۳- شاه سلیمان شاه سلطان حسین: بقعه این دو در وسط بنای جدید مسجد بالا سر

کتاب نسیم کنجه نامه



۴- فتحعلی شاه : در شمال غربی صحن کنه (طلا) پشت مدرسه فیضیه می باشد

که ستگ روی قبر این پادشاه تصویرش می باشد که بسیار زیباست.

۵- محمد شاه قاجار : بقعه او در همین صحن در سمت جنوب غربی و در حد

فاصل میان صحن مسجد اعظم واقع است که سنگ قبر نیز بسیار دیدنی است.

در کنارش بقعه همسرش مهد علیا قرار دارد دیده می شد.

دفینه یا خمس آنها را در کنار جنازه و ۷۰ سانت زیر سر جنازه و سربار آن را در

زیر محراب در زیر کفش کن جلوی درب ورود بین تک درخت و درب قرار

میدادند سری دیگر را لای درختان زیر درختان و وسط دو درخت قرار میدادند .

کتاب نسخه کن نامه

قلعه های دوره اسلامی در ایران:



معماری و شهرسازی اوایل اسلام که متأثر از معماری قبل اسلام بوده دوره ساسانیان است تفکرات دفاعی مورد توجه بوده است به طوری که معمولاً هر شهر اسلامی از سه بخش تحت عنوان کهندز، شارستان و ربض تشکیل می‌گردید، مهم‌ترین بخش‌ها کهندز یا ارگ بود که عبارت بود از قلعه‌های که در وسط یا گوش شهر قرار داشته و معمولاً از یک سو به باروی شهر پیوسته بود تا همواره برای دفاع و مقابله با تهاجمات دشمن آماده باشد، از جمله کهندزهای معروف می‌توان کهندزهای شهرهای ایران سمرقند، بخارا، بلخ و نیشابور را نام برد. رباط‌ها از بناهای دفاعی و نظامی صدر اسلام است و قلعه‌های نظامی مرزی را در دوران معینی رباط می‌گفتند، مانند رباط نصیبین که در سرحد میان ایران و روم شرقی بنا شده بود و نگهبانان آن از دیلمان می‌آمدند، رباط‌ها می‌توان از نخستین استحکامات سازه‌ای محسوب نمود که در نقاط بی

کتاب نسیخ کن نامه

حافظ مرزی پناهگاه گروهی جهادگر بودند. پس از تثبیت اسلام در مناطق اسلامی برطرف شدن تهدید سوی غیر مسلمانان در مراتب، معنی واژه رباط با مسجد یکی شد. قلعه های ایران، به دو نوع جلگه ای و کوهستانی، صالح ساختمانی آنها نیز متفاوت است، طرح اصلی قلعه های جلگه ای مربع و یا مربع مستطیل است که چهار گوشه آن برج های مدور برای دفاع ساخته شده اند، صالح این قلعه ها خشت و گل است و به ندرت از آجر و گچ استفاده شده استبارو (دیوار ضخیم) این قلعه ها چینه (دیوارهای گلی که آن را بند بند می سازند) است یا با خشت های قطره ساخته شده است، برای استحکام آن قطر و ضخامت بعضی از بارو ها به چهار متر هم می رسید. اطراف بعضی از این قلعه ها خندق حفر می کردند و برای رسیدن به قلعه از پل های متحرک بهره می گرفتند. بعضی از این قلعه ها به دلیل امنیت آن ها محل سکونت کشاورزان و روستاییان شد که با گذراندن خیابانی معمولاً شمالی و جنوبی تامین آب آشامیدنی خانه های روستایی در دو طرف خیابان ساخته می شد. از این قلعه ها می توان به قلعه بیاضه بیانک و هنجن در سر راه نظر نظر به این اشاره کرد که تا این اواخر محل سکونت بوده است، این قلعه دارای برج و باروی ضخیم بسیار بزرگ بوده است. داخل قلعه کوچه های پر پیچ و خمی داشته است که همه آن ها به گذر اصلی قلعه که به در قلعه منتهی می شود راه دارند، خانه ها دو طبقه هستند و از طبقه زیرین برای نگهداری دام و یا انبار مواد غذایی و آشپزخانه استفاده می کردند و اتاق های نشیمن در طبقه دوم قرار داشته اند.

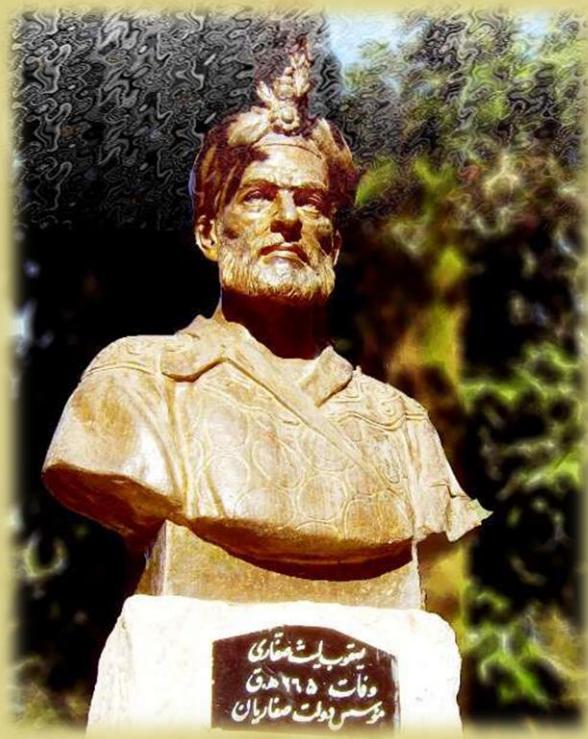
تمام دوران اسلامی، در ایران قلعه های بسیاری داخل شهرها به وجود آمدند، برای

کتاب نسیخ کن نامه

مثال می توانیم از ارگ کرمان و قلعه فلک الافلاک در خرم آباد و ارگ نام برد.
 قلعه های اوایل و اواسط دوره اسلامی سرتاسر ایران پراکنده هستند و به طور کلی در
 کنار شاهراه های ارتباطی ساخته شده اند، نمونه این قلعه ها شبکه وسیع قلعه های
 اسماعیلیه است که در نقاط مختلف بنا شده اند یا قلاعی که فقط برای محافظت از
 راهها و ایجاد امنیت در مسیر های کاروان رو ساخته شده اند یا قلاعی که در نزدیک
 پلها و رودخانه ها ایجاد شده اند، مانند قلعه ای که در شمال رودبار در بستر سفید رود
 احداث شده است. یکی از بزرگترین و قدیمی ترین قلاع ایران، قلعه گلی است در
 جاده کاروان رو ورامین به قم نزدیک محلی به نام کاج ساخته شده و شامل تعداد
 بسیاری برج مستحکم مستطیل شکل است که به خوبی قادرند از قسمت حیاتی جان
 و مال ساکنان قلعه محافظت کنند. بنای قلعه را می توان به دوره شاهنشاهی ساسانیان
 نسبت داد و اگر هم در آن زمان ساخته نشده باشد قطعاً در قرون اولیه اسلامی در زمان
 سلجوقیان ساخته شده است، زیرا دیوار های آن شباهت بسیاری به دیوار های رباط
 سنگی دارد که متعلق به دوران سلجوقی است. هر قلعه سازی در ایران از آغاز ظهور
 اسلام در قرن هفتم میلادی تا زمان حاضر به تدریج تکامل یافته، پیشرفت هایی که
 لحاظ جنگی برای مهاجمان و نیز مدافعان به وجود آمده و استفاده از فنون جدید در
 جنگها موجب شده که برجهای مدور بزرگتر و نزدیک به هم و دیوارهای مستحکم
 تر بنا شوند.

کتاب نسیخ کن نامه

حکومت صفاریان در ایران:



صفاریان یا ماهکیان از دودمان‌های ایرانی فرمانروای بخش‌هایی از ایران بودند. پایتخت ایشان شهر زرینگ بود و آنان را نوادگان ساسانیان می‌دانستند که پس از حمله اعراب به سیستان مهاجرت کرده بودند.

یعقوب لیث صفاری مردی عیار جوانمرد اهل سیستان بود و به دلیل محبوبیتی که میان مردم آنجا به خاطر جنگ خوارج به دست آورده بود، توانست قدرت را به دست گیرد و به حکومت برسد. یعقوب لیث بعد از تشکیل حکومت خود، ابتدا به کرمان و شیراز حمله کرد و آن صفحات را تسخیر نمود، سپس به خراسان رفت و آنجا را فتح کرد و

كتاب نسخ کنج نامه

حکومت طاهریان را نابود ساخت. وی سپس به طبرستان رفت، ولی در جنگ با علویان طبرستان شکست خورد و عقب نشینی کرد. یعقوب لیث صفاری همیشه آرزو داشت روزی حکومت بنی عباس را سرنگون کند، به همین جهت با لشکری فراوان خوزستان را تسخیر کرد و به سوی بغداد حرکت نمود، اما در جنگ با خلیفه شکست خورد و به شدت زخمی شد. در اواخر عمر، دوباره با لشکر خود خوزستان را تسخیر کرد و قصد داشت دوباره با خلیفه جنگ کند، اما در همین زمان به طور ناگهانی بیمار شد و کمی بعد از دنیا رفت.

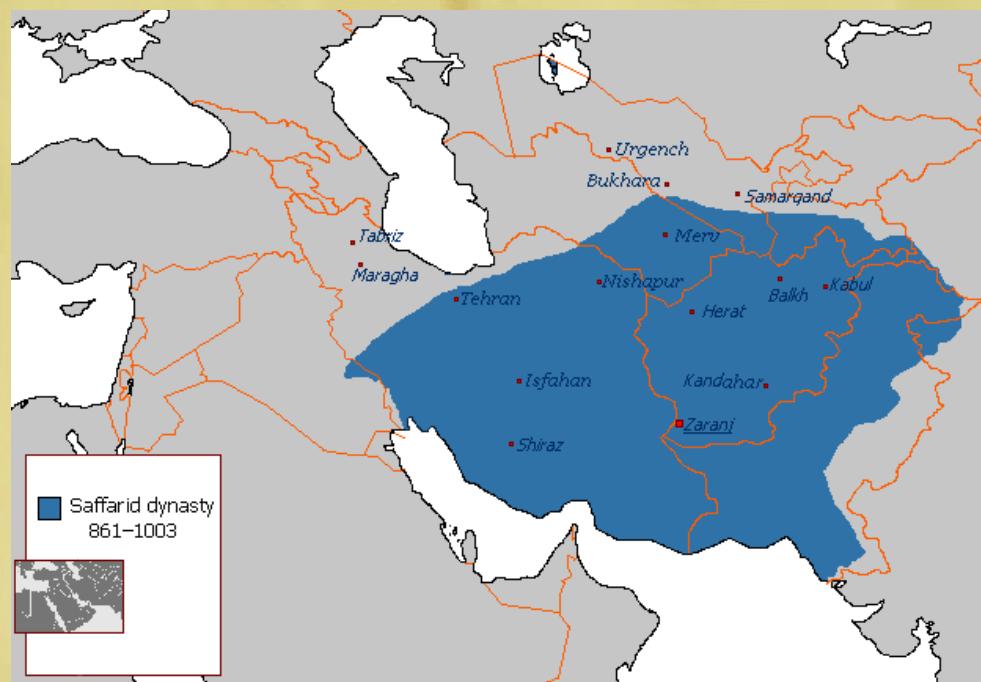


سکه های نقره یعقوب و عمر و لیث صفاری ضرب شده در ۲۶۰ و ۲۶۹ هجری

تمامی مورخان در این که یعقوب لیث مردی بسیار شجاع و دلاور باهوش و سیاستمدار است، اتفاق نظر دارند. بعد از مرگ او برادرش عمرو لیث فرمانروای سیستان و کرمان شد. عمرو لیث هم چون برادر مردی بسیار شجاع بود، با این حال در ابتدای حکومت با خلیفه بیعت کرد. پس از چند سال عمرو لیث حکومت خراسان را از خلیفه بنی عباس

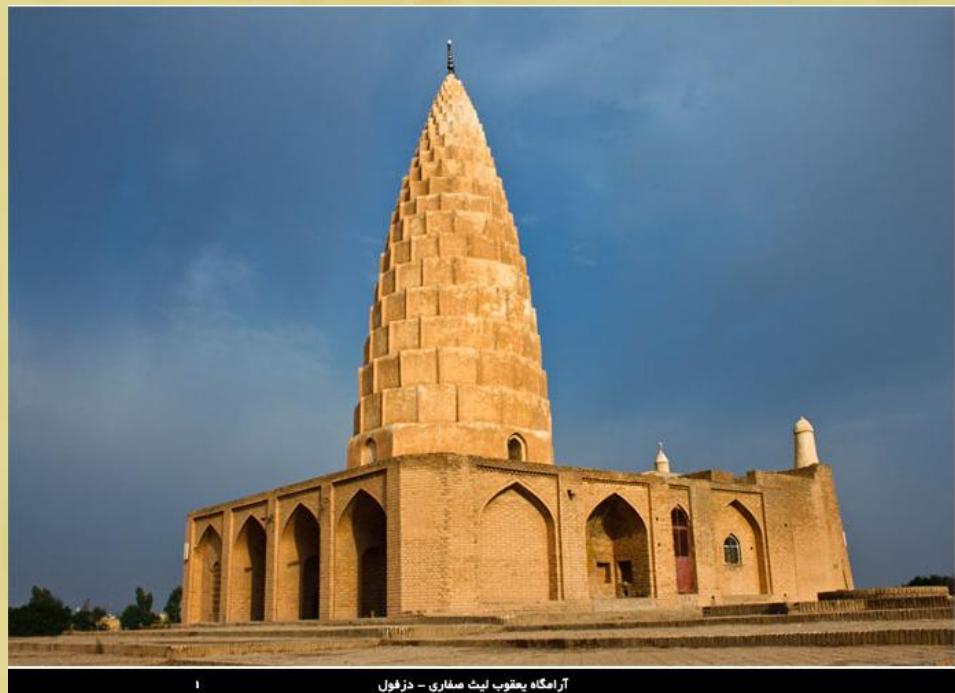
کتاب نسیخ کن نامه

طلب کرد. خلیفه گفت که اگر عمرو در جنگ با امیر اسماعیل سامانی حاکم خراسان پیروز شود، حکومت خراسان دست او خواهد بود. عمرو لیث در جنگ امیر اسماعیل سامانی شکست خورد اسیر شد نزد آن خلیفه بغداد به قتل رسید.



کتاب نسیخ کن نامه

آیین قدفین در دوره صفاریان:

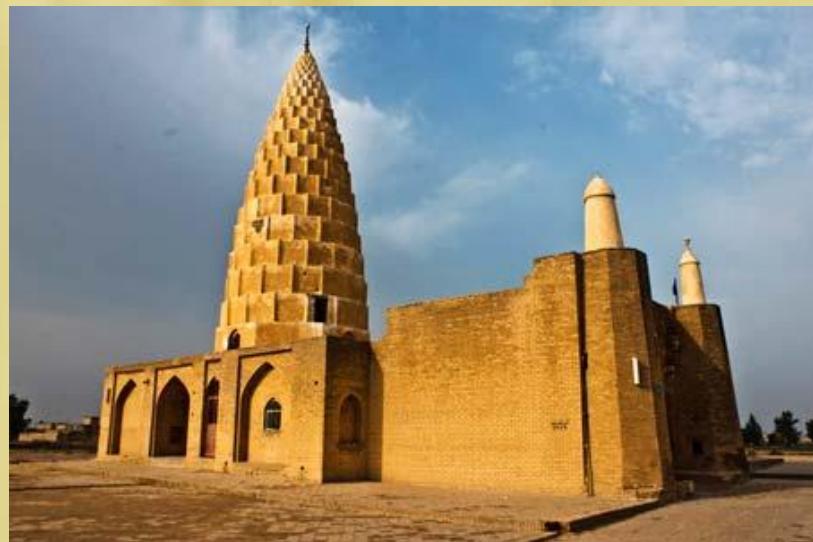


در این قسمت قصد داریم معماری مقبره یعقوب لیث که موسس حکومت صفاریان بوده را مورد جستجو و تحقیق علمی قرار بدهیم.

آرامگاه یعقوب گبدی دندانه دار که به شکل مخروطی است که معماری تلفیقی از معماری ایرانی و رومی است. سازه اصلی بنا خشت خام است و نقوش بر جسته و ملات گچ و خاک دارد و خاکی رنگ که با دو قلعه کوچک و سبک آجر کاری سنتی ایرانی این بنا را دیدنی تر کرده است. بنای آرامگاه از یک ورودی برخوردار و سطح داخلی آرامگاه را از سطح بیرونی آن جدا می کند. در اطراف بقعه، قبرستان وسیعی است در آن وجود سنگ قبرهای قدیمی، نشانگر تاریخ کهن این بنا می باشد.

كتاب نسخه کنجه نامه

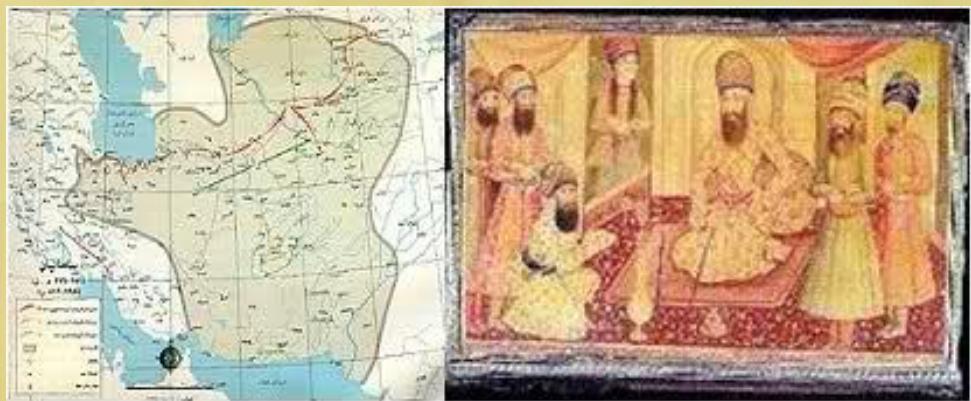
بنا به اظهار مردم محلی حدود ۲۰ الی ۲۵ سال قبل کتیبه‌ای بر روی دیوار گنبد به خط عربی قدیم وجود داشته و در آن اسم یعقوب لیث سردار بزرگ نخستین شهریار ایرانی (پس از اسلام) به روشنی نوشته شده بود. آرامگاه لیث صفاری وضعیت مناسبی ندارد و در ضریح آهنی مقبره آن از چوب صندوق میوه برای اتصال بخش‌های مختلف استفاده شده و روی آجرها و دیوار قدیمی آرامگاه میخهایی زنگ زده و تار عنکبوت جلب توجه می‌کند.



بنای آرامگاه یک ورودی برخوردار است سطح داخلی آرامگاه را از سطح بیرونی آن جدا می‌کند. سازه اصلی بنا خشت خام است نقوش بر جسته و ملات گچ و خاک دارد. اما امروز بنا به دلایلی و نبودن آن کتیبه این بقیه شابو القاسم یا پیر شابو القاسم می‌نامند. این در حالی است که محققان و شرق‌شناسان جهان، همگی بر این عقیده‌اند آرامگاه از آن یعقوب لیث صفاری است.

کتاب نسخه کن نامه

حکومت سامانیان در ایران :



سامانیان (۲۶۱ - ۳۹۵ ق / ۸۷۴ - ۱۰۰۴ م) یکی از دودمان‌های ایران کهن بودند که کم

بیش بر همگی سرزمین‌های خراسان، هیرکان، مکران، سیستان، خوارزم و کرمان فرمان

روایی کردند و باعث رشد و شکوفایی زبان فارسی دری شدند. سامانیان به زبان فارسی

علاقة زیادی نشان می‌دادند

خاندان سامانی مردم بلخ و از نوادگان بهرام چوبین ساسانی بوده آیین زردشتی داشتند،

سامان خدا بنیان گذار اعلیٰ خانواده از روشناسان محل و فرمانروای بلخ بود. اسد والی

عربی خراسان در نیمه قرن هشتم با سامان دوست شد. سامان دین اسلام برگزید و نام

پسر خود را اسد گذاشت. پسران اسد اشخاص با کفایتی بودند و قرن نهم عهد مامون

عباسی به حکمرانی محلی فرارود هرات برگزیده شدند. مانند: علی در سمرقند، احمد

در فرغانه و الیاس در هرات. ابراهیم پسر الیاس بود که بعدها سپهسالاری دولت طاهری

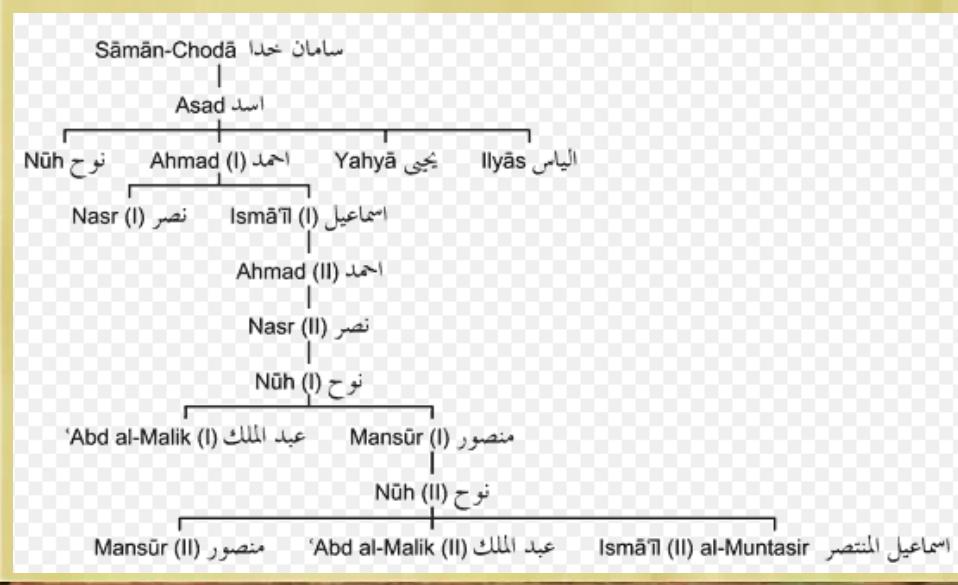
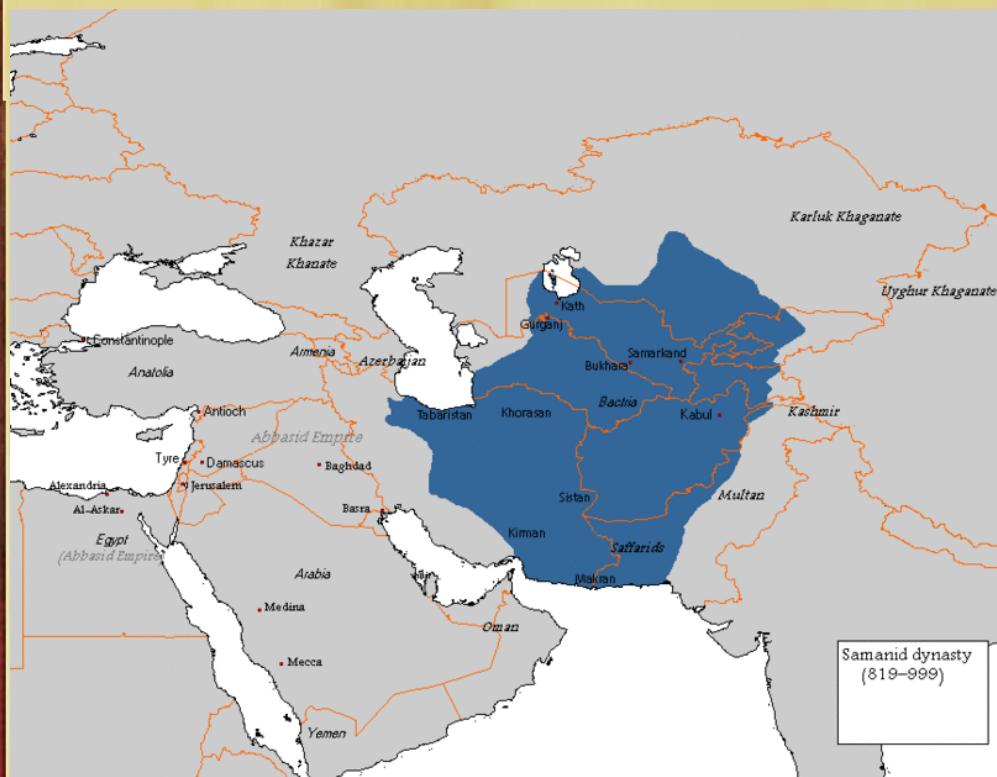
ایران رسید. احمد حاکم فرغانه در ۸۷۴ فوت و نصر پسرش در سمرقند جانشین گردید.

اسمعیل برادر نصر حاکم بخارا شد همین شخص است که بعدها دولت حسابی سامانی

کتاب نسیخ کنح نامه

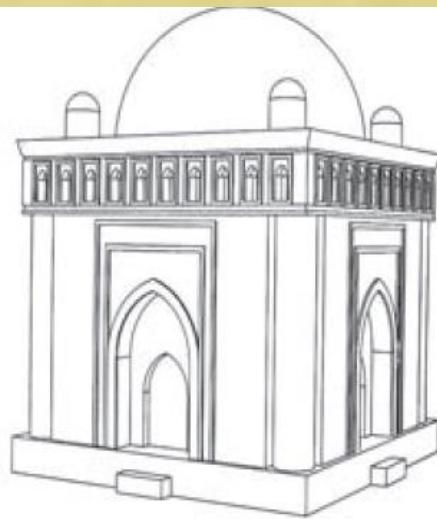
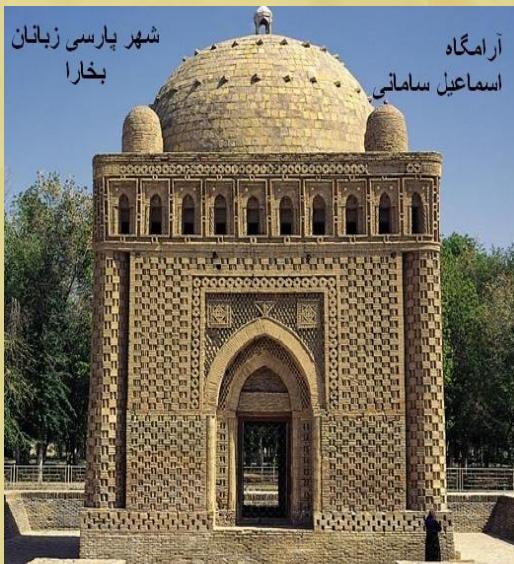
را در سال ۸۹۲ بعد از مرگ نصر گرفت و در سمرقند پایه گذاشت.

مشهورترین حکیم و عالم و فیلسوف دوره سامانیان ابوعلی سینا (رحمه الله) بود.



کتاب نسیخ کنچ نامه

آین قدفین در دوره سامانیان:



چند دهه اخیر بیشتر آرامگاه امیر سامانی در زیر خاک قرار داشت، ازین گذشت زمان آسیب چندانی بخود ندیده است. امروزه تمام آن از زیر خاک در آورده شده است. این آرامگاه کهن‌ترین آرامگاه ایرانی تاریخ‌دار است. ساخت این آرامگاه از معماری شیوه رازی (که در قسمت بعدی توضیح خواهیم داد) الگوبرداری شده است. آجرکاری آن پیچیدگی یسیار زیبایی دارد. بنا یک چهار گوش ۱۰ در ۱۰ متر است و دارای گنبد نیم کره‌ای که در چهار بخش آن چهار بنای کوچک ساخته شده است. گنبد بر فراز اتاق چهار گوشی کمک کنچ استوار شده که قابل مقایسه با شیوه گنبدسازی در دوره پارتی و ساسانی است و سبک آن شباهت به آتشکده‌های ساسانی دارد.

کتاب نسیم کن نامه

شیوه معماری رازی در دوره قدیم و هنر اسلامی:



شیوه رازی، شیوه‌ای در معماری ایرانی است که مربوط به سده پنجم تا آغاز سده هفتم (سامانیان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان) می‌باشد.

معماری این دوره را می‌توان مجموعه‌ای از تمام معماری‌های گذشته ایران دانست در این زمان بود که ادبیات ایران نیز زنده گشت و فردوسی شاهنامه را برای ایرانیان به جا گذاشت که یکی از پر افتخارترین آثار ادبی ایران است. معماری نیز در این دوره با نغز کاری پارسی، شکوه و عظمت پارتی و ریزه کاری خراسانی همراه بود.

کتاب نسیخ کن نامه

اغاز کار این شیوه هر چند از شمال ایران بوده،اما در شهر ری پا گرفته است و بهترین ساختمانهادر ان شهر ساخته شده اند گرچه در پی غارت شهر بدست محمود غزنوی از میان رفته اند. این شیوه از زمان ال زیار شروع و در زمانهای (ال بویه، سلجوقیان، اتابکان، خوارزمشاهیان) ادامه پیدا میکند. توضیح این نکته لازم است که در اوخرشیوه خراسانی بناهایی داریم که بیشتر به شیوه رازی میخورد. (بنای مقبره امیر اسماعیل سامانی، مزار ارسلان جاذب، مناره ایاز) با وجود اشتراک زمانی با شیوه خراسانیان بناهای اولیه شیوه رازی میباشند.

میتوان دستاورهای معماری این دوره را به صورت زیر دانست:

- پدید آمدن ساختمان با کارکردهای متفاوت همچون مدارس، آرمگاهها و...
- استفاده از طرح چها ایوانی در بنها
- استفاده از تاقهای چهار بخش، کاربندی، تاق کلنبو و تاق چهار ترک
- ساخت گنبد روشن مختلف همچون گنبد رک گستته ناری ابداع گنبد ۲ پوسته
- استفاده دوباره از مصالح مرغوب در بنها
- به کاربردن آجر پیشبر به دو صورت لعب دار و بی لعب
- ابداع شیوه معقلی که گره سازی با آجر و کاشی است
- به کاربردن نگاره‌های آجری با خطوط شکسته و مستقیم
- به کاربردن انواع گچ بری‌ها در بنها

کتاب نسیم کن نامه

۱. گچ بری شیر شکری با بر جستگی کم
۲. گچ بری بر جسته با بر جستگی بیشتر
۳. گچ بری زبره با بر جستگی بیشتر بدون ساییدگی گوشها
۴. گچ بری بر هشته با بر جستگی زیاد

آنچه مسلم است دوره رازی را می‌توان رنسانسی برای ایران قدیم دانست که متاسفانه با حمله مغول به این کشور اکثر آثار این دوره نابود شد



كتاب نسخه کنز نامه

نحوه دفینه گذاری در دوره سامانیان و صفاریان:



شیوه اول: این نوع دفینه اغلب در چشمۀ مای بنام **لیث** دفینه گذاری می شد. بدین طریق که در کنار چشمۀ گند صندوقی تعبیه می کردند و زیر گند یک خمره دفن می کردند. اغلب عمق دفینه بیش از ۲۰ زمینه نبود.

کتاب نسیم کنجه نامه



نکته: وقت شود که سک اغلب سک های صندوق مربوط به دوره اسلامی بوده و باید کامل و چهار تراش باشد و روی آن یخط نوشته تا تضمین شده باشد در این صورت است که میتوان به آن سک صندوق گفت نوشته های به خط کوفی یا عربی در سرتاسر دور سک وجود دارد. این نام مفهوم قبری محمد را میدهد از ای اموال همان شخص نوت شده است و دزیر خود صندوق قرار دارد اول به قبر برخورید و باید دید به چه دوره ای بر میکرد چون قبر را باهم از نظر تاریخ و جای گذاری اموال مقاومت هستند

شیوه ۲: اغلب در چشمکه هایی که به نام لیس هستند سک قمز زنگ که نشانه هم داشت دفنه را در زیر سک یک

كتاب نسخ کنج نامه

خمره سکه بود دفن می کردند.

نکته: توجه داشته باشید که مفهوم ران از کنار چشمها این است که سکه های نشان دکنار چشمها غلب در سر چشمها یاد قسمت وسط چشمها بر انتهاي چشمها با رعایت فواصل مختلف که غلب با شیوه اعداد فرد بود کنار ده دفن می شدست پاين برای دک بهتر تو نیحات اضافی را در مورد دفنه موجود در چشمها در قسمت ذيل آورده ايم.

شیوه ۳: غلب سلطان زادگان سامانی بین گونه دفن گشته اند که سک بالای هم کار کذا شده اند سک وسط کوچکتر بوده و دونشان دارد زیر آن از سمت شرق به سمت پاين ۵ ارش کار یده شده و به دخمه ای رسیده است و در آن دخمه سلطان زاده های سامانی بود که دفنه آنها غلب بازو بند، شمیر و جواهرات بوده است.

نکته: پس نوع آمین تدفین مربوط به اين دوره می توان نتيجه گرفت که غلب قبر زرگان در دخمه های زاغه ها بوده و متاثر از فرسنگ قبل از اسلام ايرانيان می باشد. البته تقعه ها در دوره اسلامي جانشين دخمه ها شده است. البته برای کشف چنین قبرهایی باید به اسامی مکان ها و تاریخ شهرها مراجعه کنید. قسمت ذيل نوع دفن دفنه در چشمهاي دوره اسلامي را ياد آوري می گذرم.

كتاب نسخه کنونی نامه

دفینه یابی در رودخانه ها و چشمه های آب :



در این قسمت دفینه هایی که در چشمه ها (برای درک بیشتر و بهتر مخاطبین) دفن شده است توسط اساتید علوم باستان و دفینه یابی ارائه می شود.

از چشمه ها جزء قدیمی ترین آثارها و پر کاربرد ترین محل برای مخفی کردن دفینه ها در باستان یاد شده . مردم از آب به عنوان آشامیدن ، حمام کردن خاصیت های درمانی که اکثر چشمه ها داشتند استفاده می کردند و همین باعث میشد که اهمیت زیادی در گذشته داشته باشد و باعث معروفیت آن چشمه میشد هر چقدر چشمه معروف تر مورد استفاده بیشتری میان قبایل قرار می گرفت پس جای خوبی برای مخفی کردن دفینه ها

کتاب نسیم کن نامه

در کنار آن بود چون کاملاً شناخته شده بود و شخصی که اموال خود را در اطراف آن مخفی میکرد خیالش راحت بود که مکان را از یاد نمیرد و در قدیم هم مکانی را نداشتند که اموال خود را از گزند دشمنان و راهزنان و... در امان نگه دارند پس شروع به دفن ثروت خود در این مکانهای معروف میشدند. همه چشمها طبیعی نیستند و تعدادی از آنها به صورت دست ساز طراحی میشدند. ما چشمها را به دو دسته تقسیم میکنیم طبیعی و غیر طبیعی و یا همان دست ساز.

چشمها طبیعی که خود جوش و به صورت طبیعی از دل زمین بیرون می آمدند و هیچگونه دستکاری در آن نشده بوده پس قضیه آن در علم فنون دفن دفینه کاملاً متفاوت با دست ساز بوده است و برای مخفی کردن دفینه از اطراف آن استفاده میشد.

- ۱- به صورت سنگی بالا و پایین سر چشم که رنگ آن کاملاً متفاوت با رنگ سنگ های دیگر بود. معمولاً به رنگ اوخرابی و یا کبود بود که دفینه زیر آن قرار میگرفت.
- ۲- به صورت تپه ای کوچک یا بزرگ که دفینه داخل این تپه جاساز میشد.
- ۳- به صورت تک درختی در کنار چشم که باز دفینه زیر درخت قرار میگرفت.
- ۴- به صورت چند درخت که دفینه بین نزدیکترین درخت به چشم قرار میگرفت.
- ۵- به صورت تنور به شکل سه ضلع و یا ستاره داود که دفینه در نوک مثلث و یا تنور سوم قرار میگرفت.

کتاب نسیم کن نامه

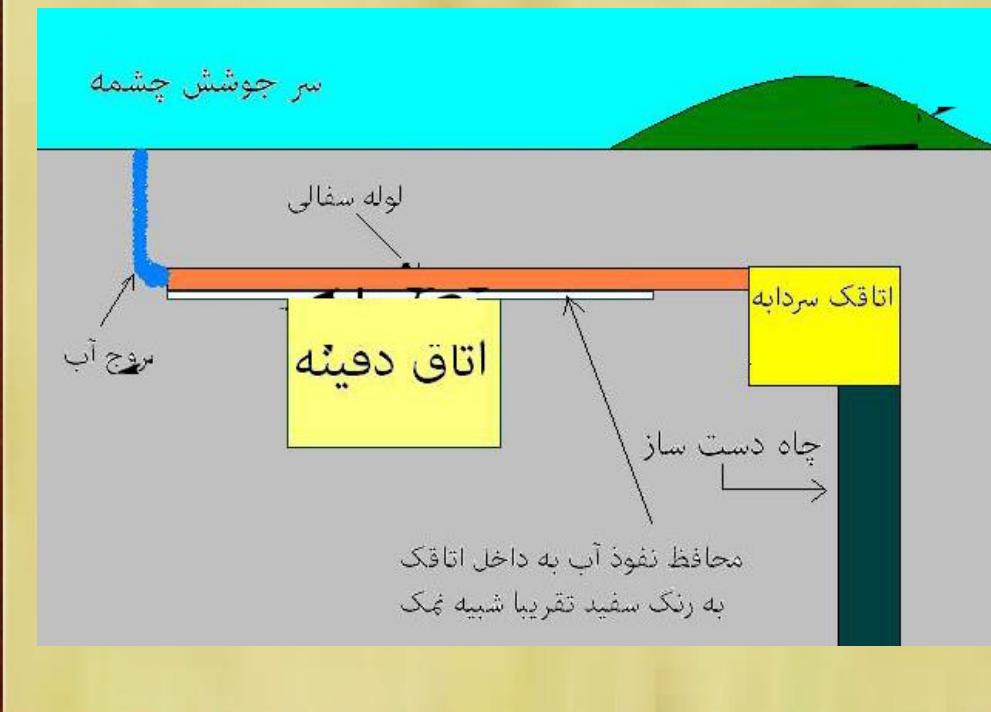
اینها در کنار چشمه های طبیعی بود حال میپردازیم به چشمه های دست ساز



چشمه های دست ساز به چشمه هایی گفته میشود که تفاوت بسیاری با چشمه های طبیعی دارند و با حفاری کردن در چشمه آب آن خشک میشود و یا به صورت قل قلی و یا تایمی آب آن کم و زیاد میشود . این نوع چشمه ها دست ساز هستند که طراحی خاصی در آن بکار رفته از بعضی از این چشمه های دست ساز به عنوان محل نگهداری غذا استفاده میشده و از بعضی هم محل نگذاری دفینه ساختار آنها به این صورت بود که چاهی عمیق را حفر میکردند و قبل از اینکه به آب برسند در وسط آن اتاقکی را طراحی میکردند و اتاق را به صورت پلمپ درست میکردند و فقط یک سوراخ در اتاقک ایجاد میکردند و از سوراخ لوله های سفالی به هم متصل میکردند آب را جهت میدادند حال در پایین بندۀ عکسی را که بهتر بتوانید متوجه شوید . حال که آب را مسیر میدادند کف چاه را باز میکردند و آب که از زمین جوش میزد به داخل چاه دست ساخت با فشار به بالا می آمد و چون در مسیر چاه اتاقک دست ساز

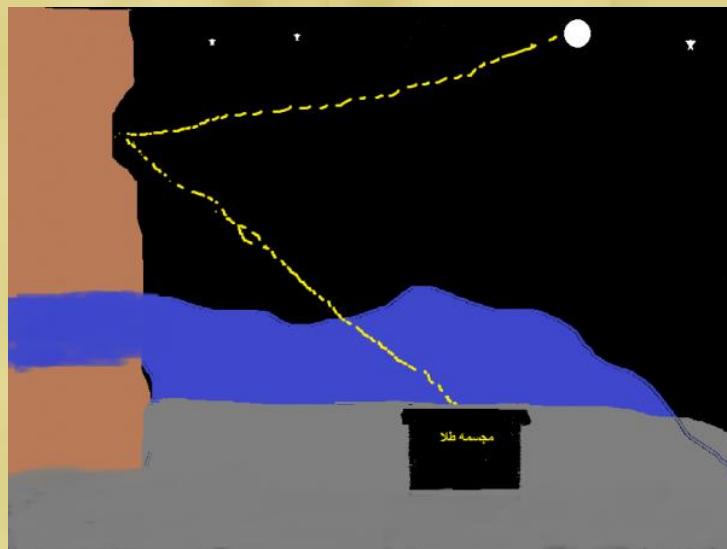
کتاب نسیم کن نامه

وجود داشت به صورت سردابه عمل میکرد و در آن جمع میشد و با فشار از داخل لوله های سفالی به هر مسیری که خواستند آن را انتقال میدادند و برای همین است که وقتی این چشمه ها را دست میزند خشک میشوند چون یک بار این اتاق که چشمہ برای اولین بار جوش زده هواگیری شده وقتی سر چشمہ دست میخورد داخل دلان هوا نفوذ میکند و چشمہ کاملا غیر فعال میشود تقریبا شبیه کار روپین و یا موتور آب کشاورزی میباشد که وقتی هوا میگرد آب را بالا نمیکشد . حالا محل دفن دفینه را در عکس به شما نشان میدهیم . در ضمن شما در اکثر چشمہ ها میبینید که از داخل چشمہ سفال شکسته و یا حتی هسته های میوه ها بالا میزنند این برای همان چیزی که بنده در بالا گفتم است .



کتاب نسیم کن نامه

مورد اول موردى است که در گلينه چشمه بار نیست .. پس از کجا بفهمیم در این موارد تابش نور ماھ مکان هدف را نشان میدهد دقیقا در نیمه ی شب چهاردهم ماھ که قرص ماھ کامله نوری به طاقچه اینه ای درون کوه میتابد و به درون اب جلوی چشمه انعکاس داده میشود که مکان این انعکاس مکان بار می باشد که در محفظه ای سنگی با درپوش جاسازی شده فقط ماھ شب چهاردهم مکان رو به ما نشون میده گرنه نمیشه فهمید تنها راه در آوردنش این است که باید به مسیری دیگر هدایت کنیم.



این دو مورد هم دقیقا در زیر شر اب چشمه قرار دارند یکی که بیشتر در مجاورت قلعه ها هست موردى است که سنگ یشمی دقیقا در زیر شر اب تعییه شده به طوری که نصفش داخل زمین و نصفش بیرون زمین است و از بالای جشمه قابل رویت است و در زیر سنگ یشم هم که سرباری محسوب می شود محفظه ای هست که درون مجسمه یا دیگ سکه است و بعدی دیگ پر از سکه که کمی در زیر خاک قرار دارد

کتاب نسیم کنچ نامه

و سنگی رویش هست.

این مورد بیشتر در کتاب قلعه ها
میباشد

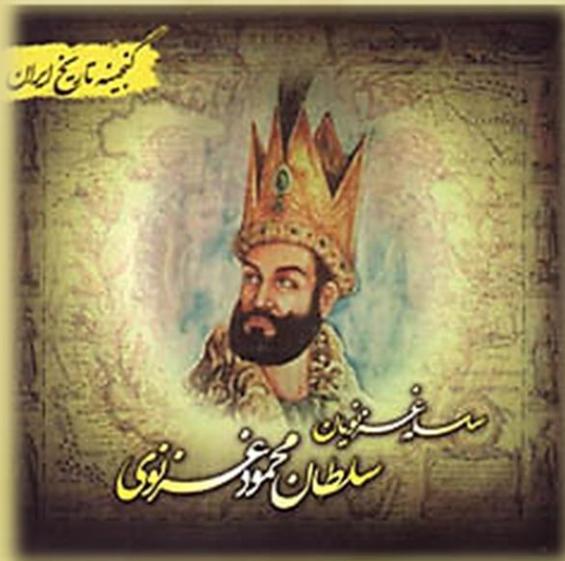
دیگ یا مجسمه

دیگ یا مجسمه
که از پله های
کوهی میباشد
که از پله های
کوهی میباشد



كتاب نسخه نامه

حکومت غزنویان در ایران:

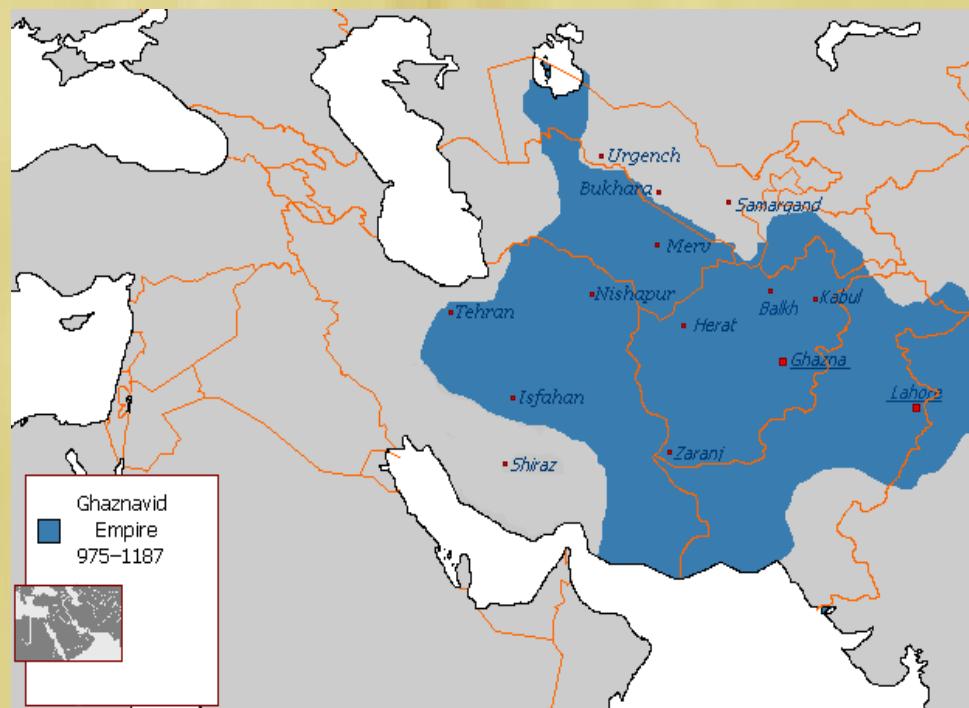


دولت غَزْنَوی یا غزنویان (۹۷۵-۱۱۸۷ م.ق. - ۳۴۴-۵۸۳ ه.ق.) یک حکومت ترک تبار و مسلمان در بخشی از شرق خاورمیانه و جنوب آسیای میانه بود. اما به عنوان مروج و ناشر اسلام مورد توجه و تایید خلافت عباسی بود. شهرت این حکومت در جهان، بیشتر به خاطر فتوحاتی است در هندوستان انجام داده است. از آنجا که غزنویان نخستین پایه‌های شهریاری را در شهر غزنی آغاز نمودند به غزنویان نامدار شدند. بنیانگذار این دودمان سلطان محمود غزنوی بود. پدران او از خانات ترک بودند در خراسان می زیستندنام آورترین شهریاران این دودمان سلطان محمود و پسرش سلطان مسعود بودند.

کتاب نسیخ کن نامه



پس از سلطان مسعود این دودمان رو به ناتوانی گذارد و چندی بستر حوزه فرمانرو
به بخش هایی از هندوستان و افغانستان کنونی محدود شد. حکومت غزنویان هند
از نظر هنردوستی و توجه به شاعران فارسی سرا از اهمیت بالایی برخوردار است.



كتاب نسخه گنج نامه

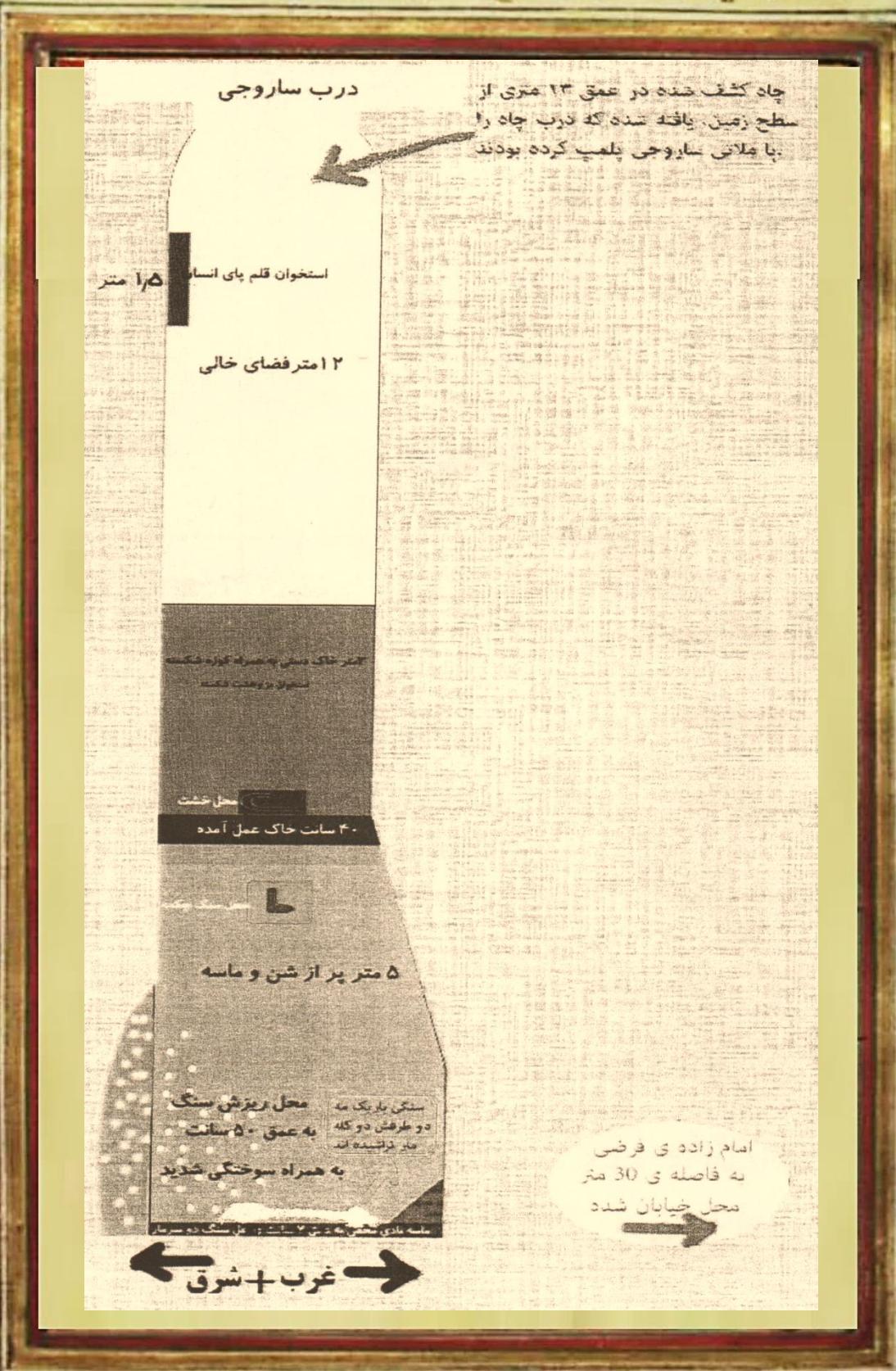
نحوه دفینه گذاری گنج در دوره غزنویان:

قبل از توضیحاتی در مورد نحوه پنهان کردن گنج و دفینه گذاری عرض کنیم که باید در نشانه هایی که مربوط به دوره اسلامی است توجه داشته باشید که نشانها و طلسماط و تله ها در اولویت دوره قبل از اسلام مثل دوره بیزانسی و رومی هستند و بعد باید از اینگونه خطرات دوره اسلامی غافل بود.

باید توجه داشت اکثر نشانه هایی که در کنار نشانه دیگری قرار گرفته اند، اخطار اولیه محسوب گشته و به ما می گوید ادامه کاوش منجر به مرگ خواهد شد این قبیل تله ها بیشتر توسط یهودیان مورد استفاده قرار گرفته است ولی باید از این موضوع غافل شد که این تله ها توسط مسلمانان نیز مورد استفاده قرار گرفته که مشهورترین آنها مربوط به دوره غزنویان می باشد. شایان ذکر است که دزدان و راهزنان قدرتمند نیز از تله ها استفاده زیادی نموده اند.

مثال : در شکل زیر ورودی دفینه ای ، متعلق به دوره غزنویان را می بیند که دارای تله و طلس می باشد.

کتاب نسخه کن نامه



کتاب نسیم کن ج نامه



شیوه دفینه کذاری اول: این نوع دفینه ها اغلب در بالای کوه هاکه بصورت سُنگ چین بود و یک طرفش بصورت پرگاه بود ساخته می شد و دفینه که اغلب شامل جواهرات دوره سلطان محمود غزنوی بود پنهان می کردند.

توجه: وقت کنید اغلب طلسمات و تله های بویژه تله های دفینه های دوره اسلامی مربوط به دوره غزنویان بر می کردد

شما در این مرحله باید توسط یک استاد اهل فن تله را تشخیص و سپس خشی کنید. دغیرای صورت خدای ناکرده

ضرر های جانی و مالی در پی خواهد داشت.

كتاب نسیم کنچ نامه

طریقه دوم: این نوع دفینه گذاری اغلب در په می باشد که روبروی امامزاده ها بوده‌اند کونه دفینه گذاری می شد که ۲

قبرویک سک سیاه روسی تپه در نظر گرفته می شد و دفینه کش شامل خمره سکه بود در زیر سک پنهان می گردید.

کنکه هم: بهترین کزینه برای یافتن چنین دفینه هایی کنترل چشم ها در حنان قدیمی در اولیت و در روی تپه ها
سمت مغرب و مشرق در اولیت هستند.

شیوه سوم: اغلب در محله چکنیز خان سلطان محمود غزنوی تامی دارایی و خزانه خود را در زیر زمین حرم خانه دفن کرده

و این مکان را از طرف عارض خاذ که بصورت تپه است مشهود است. اگر وسط تپه کاویده شود به ازای ۳

زرع به سکه های ریشه شود که خزانه خانه آن جاست. در آن تپه شیر سکی بود که به سمت قله نگاه میکرد.

توجه: این نوع دفینه چون سکه های بوده بهتر است خزانه کویم و به احتمال بالای ۸۰ دصداین نوع خزانه ها

توسط حکومت های افراد دولتی یا نظامی یا حتی دزدان و... تخلیه کردیده باشد. این مورد فقط جهت کسب اطلاع

بیشتر عرض گردید.

شیوه ۴: داغلب قلعه خربه کبری (منظور که احتمال یستین تخریب گردیده است) سمت مشرق قلعه تپه

کتاب نسیم کنجه نامه

می ساختند و سط پسچ و آجر پیدا شده سپس بیک خمراه سلطان محمود سیده می شود.

توجه: مسطور ما قلعه های کبری و قلعه کبیریان همان قلعه های قبل از اسلام بوده و برای دک و شناخت بیشتر این

قلعه ها با نقشه امپراطوری غزنویان مراجعه کنید که در فصل های مذکور شرح حالش گذشت و در مرحله حصاری ملات

کچ و آجر که خمراه را با آن پلک کرده اند خواهید رسید.



گنج بخش کن کتاب نسخه نامه

گنج بخت خانه ها و سلطان محمود غزنوی:



روایت است که چون سلطان محمود غزنوی به غزو مشغول شد، سعی بسیار داد که فتن ولایت سومنات نمود و در نه
چهارصد و شانزده دیازدهم شریذ قعده الحرام ب آن ولایت رسید؛ چنانچه پنجاه هزار نفر از لشکر هندیان مقتول شد و
فتح از برای سلطان میسر نشد. هندوان ب دون سومنات شده، کریم وزاری میسندند و از آنجا بیرون آمد
میگردند تا هکی کشته شند و شمار کشکان از پنجاه هزار، فراتر شد. و چون سلطان آن بست بید، در گفت ماند و دستور
داد آن تجاه را غارت کردند و گنجینه های آن را ربودند. و در آن تجایی زرین و سیمین و پرده هایی کوهر آویزیا فتح
که هر یک را بزرگانی از هند فرستاده بودند.

گنج نشی نامه



بهای آنچه از بخانه می‌بست آورده بیش از ۲۰۰۰ دینار بود که چل کرو بر باشد. پس از آن، سلطان در باب آن بست، با امنای دولت خود شورت نمود و از سبب آنکه این بست در بواهی بدون اتصال به جهتی ایستاده، سوال فرمود. بعضی لکنند که این بست به زنجیرهای بسته شده وزنجیرهای به سحر و چشمگردی، از نظر پنهان است. پس، سلطان فرمود که نیزه از اطراف و جوانب او گردانیدند. چیزی مانع آن نیزه نشد. معلوم شد که آن بست به چیزی بسته نشده است. بعضی دیگر از حاضران به سلطان عرض نمودند که چنان ما آن است که این گنبد را ز گنک آهن ربا ساخته اند و پیکر این بست، از آهن است و چنان تعییه شده که جمیع اطراف از گنک مغناطیس است در قوه واحد می‌باشد و این پیکر در وسط، به این جهت معلق مانده

کتاب نسیخ نامه

حکومت آل بویه در ایران:



آل بویه یا بویان یا بویگان، (۱۰۵۵-۹۳۲ ق / ۴۴۷-۳۲۰ م) از دودمان‌های دیلمی زیدی مذهب ایرانی پس از اسلام است که در بخش مرکزی و غربی و جنوبی ایران و عراق فرمانروایی می‌کردند و از دیلم در لاهیجان گیلان برخاسته بودند.



كتاب نسخ کنج نامه

دفینه گذاری در دوران آل بویه :

طریقه اول دفینه گذاری: نشانه شمشیر در راه های قدیمی آل بویه گذارده می شد، داین حالت دفینه و قیا زیر سک بوده و شما باید سک را بگردانید و تا ۳۴ ارش زیر سک را باوید و دفینه که شامل خمره سک است خواهید بود.



MendeteS

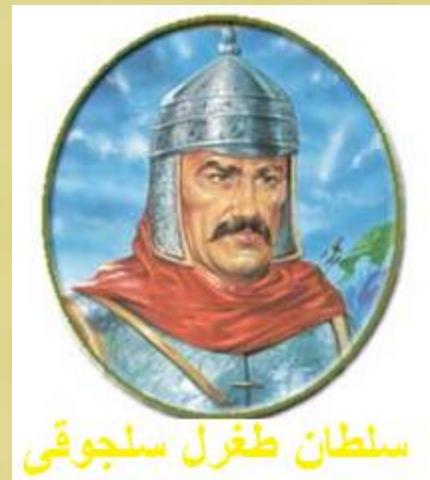
طریقه دوم: اغلب در پله مسجد های قدیمی که مربوط به این دوره است می توانیم دفینه ای یافت کنیم که آن هم برای خرج و تعمیر مسجد مورد استفاده قرار می گرفت. اغلب زیر پله باید ۴۴ ارش کاویده شود.

کنکه: توجه کنید که یاروی یا کناره های پله علامت یا نشانه های خاصی گذاشته می شد یا نک سک فرق می کرد.

کتاب نسیخ کن نامه

حکومت سلجوقیان در ایران:

سلجوقيان (سَلَجْقُون، آل سلجوق)، نام دودمانی ترک تبار بود که در سده های (۵ و ۶ هجری؛ یازدهم و دوازدهم میلادی)، بخش های بزرگی از آسیای غربی و ایران فرمانروایی داشتند.



سلطان طغرل سلجوقی

سلجوقيان در اصل غزه های ترکمان بودند که در دوران سامانی اطراف دریاچه خوارزم (آرال)، سیردریا و آمو دریا می زیستند.

سلجوقيان که به اسلام رو آورده بودند، پس از ریاست سلجوق بن دقاق، نام سلاجقه را به خود گرفتند و به سامانیان در مبارزه با دشمنانشان بسیار یاری کردند. پسر سلجوق به نام میکاییل که بعد از مرگ او ریاست این طایفه را در دست داشت، چندین حکم جهاد برای مبارزه با (به قول مورخان) کافران صادر کرد.

میکاییل سه پسر داشت به نام های یبغو، چغرو و طغرل. این قبیله که یک بار در زمان

سلجوق بن دقاق به دره سیحون کوچیده بودند، بار دگر بعد از مرگ سلجوق به سر کردگی سه پسر زاده اش به نزدیکی پایتخت سامانیان کوچیدند. اما سامانیان از نزدیکی این طایفه به پایتخت احساس خطر کردند؛ بنابراین سلاجقه بار دگر از روی

کتاب نسیخ کنخ نامه

اجبار بار سفر بسته و به بغرا خان افرازیابی پناه بردند. این حاکم از سر احتیاط، طغرل پسر بزرگ را زندانی کرد. ولی طغرل به کمک برادر خود چغri از زندان رهایی پیدا کرد و با طایفه خود به اطراف بخارا کوچیدند.

در سال ۴۱۶ هجری ترکان سلجوقی به ریاست اسرائیل بن سلوجوق برادر میکاییل دست به شورش زدند. اما سلطان محمود او را گرفت و در هند زندانی کرد. از طرف دیگر گروهی از یارانش دست به شورش زدند.

دوره سلاجقه شامل تمام مدّتی است که بشکست سلطان مسعود غزنوی تا کشته شدن طغرل سوم (۵۹۰) قرار دارد. مدّت که بیش از یک قرن و نیم طول کشید، سلاجقه و اتابکان و امرای آنان بر بخش مهمی از جهان حکومت و امارت کردند خصوصاً در دوره درخشان ملک شاه سلجوقی، دولت آل سلجوق به اوج قدرت و ترقی و تعالی فرهنگی و ادبی خود رسید. سلاجقه با سرعتی تمام توانستند قلمرو حکومت و فتوحات و کشورگشایی خود را تا سواحل مدیترانه و سحدات امپراتوری روم شرقی در آسیا صغیر و حدود تصرفات خلفای فاطمی گسترش د و بسال ۴۷۰ هـ ق. حکومتی جهانی و امپراتوری زمان را بوجود آورند، این فتوحات گسترش حکومت و فتح پیروزی های آنان تا پایان پادشاهی ملکشاه سلجوقی (۴۵۵-۴۸۵) ا یافت، بالاخص در زمان پدرش الب ارسلان که قلمرو حکومت وسیع سلجوقی را اداره می کرد و با ایجاد تشکیلات منظم و مرتب بر قدرت این خاندان افزوده گردید و به می توان گفت تنها سلسله ای

کتاب نسیخ کنخ نامه

که بعد از اسلام در مشرق زمین حکومرمایی کرد و ممالک اسلامی را یک فرمان و دولت و حکومت واحد درآورد سلسله سلجوقی است مخصوصاً در زمان پادشاه ملکشاه، قلمرو دولت سلجوقی بمنتهای وسعت و عظمت خود رسید چه از حد چین تا مدیترانه و از شمال تا حد خوارزم و دشت قبچاق و ماوراء یمن به نام او می خواندند و امپراتور روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان و ابخاز باو خراج می دادند. در عصر این پادشاه بسیاری از شهرهای بالاخص شهر مرو و اصفهان، از مهمترین باشکوهترین شهرهای دنیا و یکی از آبادترین آنها بشمار می رفت، و از همین سلسله، آثار مهم تاریخی در این شهرها بجای مانده است. پس از فوت ملکشاه بین فرزندان و اخلاف وی اختلافی ظاهر گشت و کار اداری حکومت این خاندان مختلف گردید و کار عمده آنان به تفرقه و افراق کشانیده شد و بر ضعف حکومت سلاجقه و جانشینان ملکشاه افزوده گردید و هر یک از اخلاف و بازماندگان خاندان سلجوق در نقطه-یی، رایت استقلال و حکومت خود مختاری بر افراشت خصوصاً اسارت و شکست سنجر موجب گردید که مدعیان حکومت سلاجقه، قدرتی بدست آوردند از آن جمله اتسز خوارزمشاه اساس و پایه حکومت خود را در خوارزم و جورجانیه پایتحت دیار استوار کرد. بطور کلی با حکومت اتابکان، در عراق و فارس و بازماندگان سلسله غزنوی و ادامه حکومت خود در لاهور و سند تسلط آل خاقان یا آل افراسیاب (ایلک خان) بر قلمرو دولت سامانی و بالاخره قتل طغرل سوم و طغیان محمد خوارزمشاه و جنگ او

كتاب نسخ کنج نامه

با خلیفه بغداد و عدم موقیت وی، سرانجام حکومت این خاندان و بازماندگان آنان بدست تاتار از میان رفت ولی پایگاه و جایگاه اصلی حکومت این خاندان (آل سلجوق) و با توجه به تمام حوادث و پیش آمدها که مدّت دو قرن بطول انجامید و سکه و خطبه به نام این خاندان و بازماندگان این سلسله رواج داشت. سلجوقیان، بعد از دیلمیان، غزنیان سنی مذهب قدرت را در دست گرفته و همچون دیلمیان، خلیفه را تحت نفوذ و اختیار خود قرار دادند. ترکان سلجوقی جریان اشعری گری را تقویت نمودند. خلیفه (القائم بامرالله) به طغرل سلجوقی لقب سلطان المشرق والمغارب و رکن الدوله و یمین امیر المؤمنین اعطا کرد. طغرل بک در سال ۴۵۰ق. وارد بغداد شد و آخرين بازماندگان آل بویه را برانداخت.

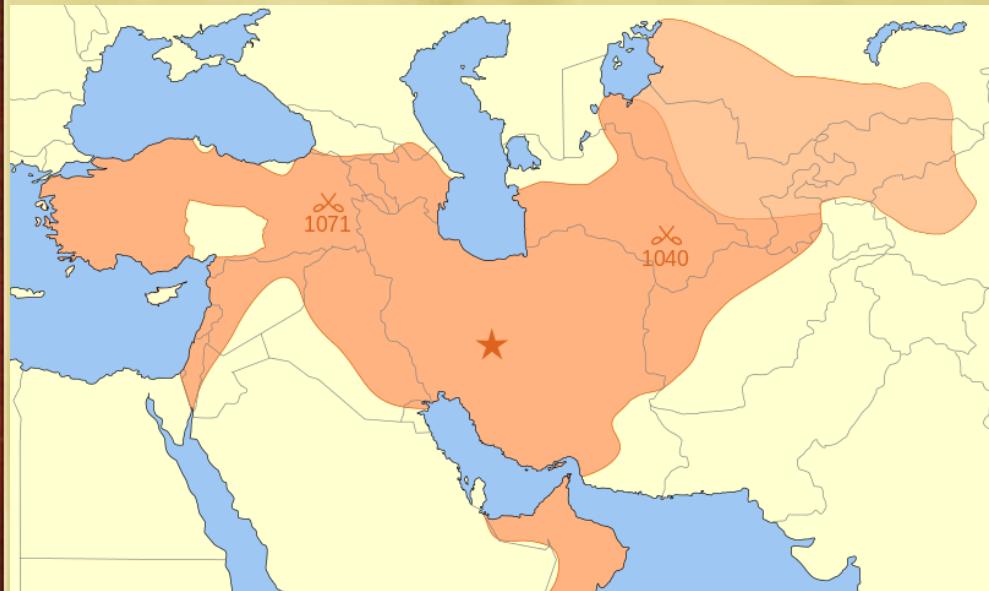


بدین ترتیب به بیش از یک قرن حکومت آل بویه پایان داد. وزیران مشهور سلجوقیان، خواجه نظام الملک طوسی (عمید الملک کندری)، در تثیت قدرت این خاندان نقش

کتاب نسیخ کن نامه

ویژه ای داشت دولت سلجوقی پس از مرگ ملکشاه گرفتار تجزیه شد. نزاع بین بر کیارق و محمود، فرزندان ملکشاه، با پیروزی بر کیارق خاتمه یافت اما مدتی بعد، بین او و برادر دیگرش، محمد، نزاع در گرفت که جنگ های طولانی در برداشت و در نهایت، به تجزیه حکومت سلجوقیان انجامید.

پس از برکیارق، سلطان سنجر در طی ۶۲ سال امارت و سلطنت، توانست عظمت سابق را به سلجوقیان باز گرداند. وی در اواخر عمر به دست غزان اسیر شد و با مرگ وی قدرت سلاجقه رو به افول رفت. شعبه های مختلف سلجوقیان طول حیات این سلسله، موفق شدند حدود صد سال بر ماوراءالنهر و توران، ۱۲۸ سال در خراسان و ۱۶۱ سال در عراق حکومت کنند.



كتاب نسخ کنج نامه

دفینه گذاری در دوره سلجوقیان:

شیوه اول: در غسالخانه امازرا ده هایی که هستند ۴۰ دبی که اغلب در سمت شمال قرار داشت، با فاصله ۹۰۰۰ قدم

قبری واراونه می گذاشتند و دقیقاً سمت پای آن قریک تپه سفید رنگی بصورت رینته دست می کردند که دفن

و دقیقاً در وسط تپه و به عمق ۱۵.۰۰ از زرع بوده و دفینه هم شامل سکه سلجوقیان بود.



طریقه دوم: در کنار امازرا ده ها اغلب درخت شمشاد را در نظر گرفته که اغلب در پشت امازرا ده ها بود و میان ۴

درخت دفینه را دفن می کردند که خمره دفینه آن بوده و مربوط به ملکشاه بود.

کتاب نسیم کنج نامه



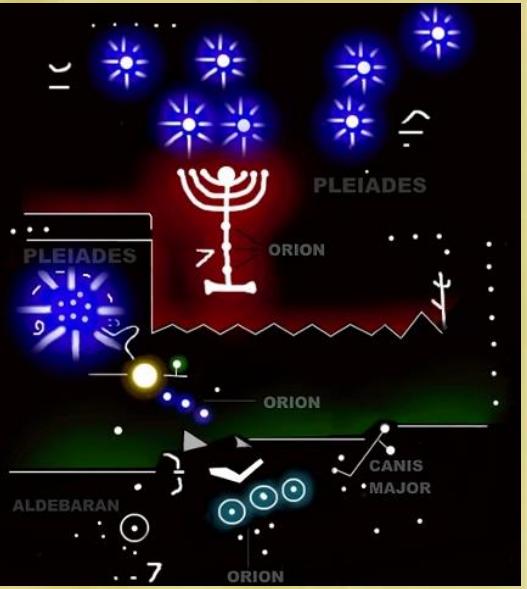
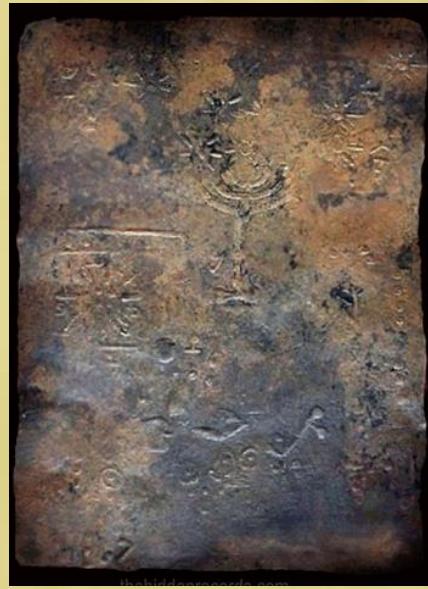
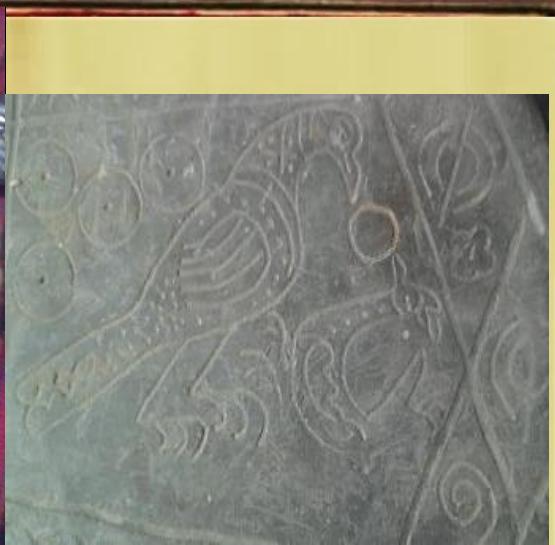
طریق سوم: در پشمۀ های خونی اغلب در داخل پشمۀ مکانی را در نظر گرفته و یک لوح را در آن جا دفن می کردد.

و دیگر یک دیگر زیر آن لوح پنهان می کردد.

نکته هم: وقت کنید این لوح می تواند از جنس سکنی، فلزی یا ز جنس پوست باشد و به منحوه استفاده از آن مال

یا اشاره به تقاطع دیگری از دفینه های محل کنج نیز داشته باشد پس بسیار مهم بوده و باید توسط استاد فن رمزگشایی شود.

کتاب نسیم کنج نامه



شیوه ۴: در بعض کوه ها که به رنگ سفید است و مثل مرمر می باشد، در این صورت ۷ گنج مثل قدار شتری

است راست و عقب آنها یک تخته گنج بزرگ سیاه رنگ وجود دارد، قبله گنج را از زرع بکاوید، دخمه ای

پیاده شود و خزانه آن مربوط به دوره سلجوقیان است.

کتاب نسیم کنجه نامه

شیوه ۵: دفنه های مربوط به دوره ساسانی و سلجوچی، در کنار راه ها چشم آبی خواهد بود و قیقا جایی که آب دارد سرازیر

مشود چند درخت کهنسال (عدم تاچnar) وجود خواهد داشت، رو بروی چشم درب ورودی غار خواهد بود که درب

آن را با سکنچین مسدود کرده اند و دفنه داخل غار است.



شیوه ۶: اغلب دفنه های بهتر است بگوییم خزانه که در حمله اعراب به ایران دفن شدند در دوره سلجوقی و در زمان

طغرل شاه در مکانهای مخصوصی پنهان کردند. یکی از این شیوه های قرار است. بالای بعضی مکانهای غاری

تعییه می کردند و اغلب درخت جنگلی بزرگ دم ورودی غار می گذاشتند تا استوار شود و زرع عقب غار پلde

می خورد و دفنه داخل غار گذارده می شد و سط غار نزیر چاهی می ساختند و روی چاه را یک زرع خاک می ریختند

کتاب نسیم کنجه نامه

و ته چاه نزدیک آتاگانی مخفی درست کرده و دنبیت و روادی غار را با گسلهای بزرگ سکنچین می کردند.



شیوه ۷: اغلب در حمله چکنیزخان سلطان محمود غزنوی تامی دارایی و خزان خود را در زیر زمین حرم خانه دفن کردو
این مکان را از طرف عارت خانه که بصورت تپه است مشهود است. اگر و سط تپه کاویده شود از ای ۳ زرع

کتاب نسیم کنجه نامه

به سکین ریده شود که خزان خانه آنجاست. دآن په شیر سکنی بود که به سمت قبله نگاه میکرد و در دیگر دفنه از سمت قبله نیز می تواند باشد.



گفت: وقت داشته باشید که این شیوه جزو بخوص نخه مربوط به یک منطقه بوده و خزانه می باشد چنانطوری که شیر بعنوان یکی از نشانه ها و علامت های خزان و بارهای سکین عنوان شده است که دارای تله های سکین و حتی طلسما تی نیز خواهد بود. پس شیر هم جزو نشانه های نظامی و هم جزو نشانه های نخه هایی باشد و باید توسط اساتید فن رمزگشایی شود.

گنج نامه

کتاب نسیم

شیوه ۸: در په ۳۴ که جلوی کوه سمت قبله بالا سر آبادی سرتپه سک سفید شانه دارد می گذاشتند راست سک

تپه سفید رنگی کوچکی بود، په از سمت راست به سمت مرکز تپه کاویده شود، به سک کبود رنگی رسیده می شد و بعد از

آن راهی باز می شد که داخل په می شد و خمره سکده های طغرل شاه وجود داشت.

شیوه ۹: خزانه سلطان سهرورد طغرل شاه سلیمانی بین کوزه دفن شده است که از چاهی که آب شیرین دارد و خرا به

کشته است مید چاه سمت مشرق از سک صورت آدم نقشی است که از پشت همان سک به خزانه متصل

می شود و به زیر کوه می رود. دارایی تند ہاو طلحات سکنی نیز می باشد.



نکته: وقت کنید این جزوی کی از نوادرین نسخه ها بود که باز طریق چاه به خزانه متصل می کرد و دفعه همان مطلبی که

در مباحث قبلي و بحث هاي اموزشي بدانها اشاره کرده بوديم. اگر هچين موردی نیز در منطقه شادیده شده يا

کتاب نسیم کنجه نامه

دیده شد باید بعد از برداشتن گنج بیک مسیر توفی ماندی که به آتاق ختم می شود برسید، در مسیر توفی باید خلی

مواظب باشد چون اکثر تله ها را در راه مسیر کار می گذارند بویشه تله های نیزه، مکائینکی و چاه... که بهتر است

کسب اطلاعات بشرطه مباحث فصول قبل مراجعه نمایید.

شیوه ۱۰: بعضی از کوه ها اول آشکده داشتند که بعد از بحثان و سپس در زمان طغول شاه به زاغه و دخمه مبدل شدند.

اعلب در زمان سلطنت مردگان سلطنتی و پادشاهی را در دخمه کاکه زیر عمارت بودند دفن می کردند که اکثر را با آجر

کنند پوشی کرده و امانقی را در صندوقی از چوب توت و دفینه جواهرات را زیر همان صندوق نزدی دفن می کردند.



شیوه ۱۱: در بعضی از برج های مربوط به دوره سلطنتی بویشه دوره طغول شاه بعضی قبرهای وزیری دفن می کردند داخل

قبر دفینه پنهان می کردند.

كتاب نسیم کنجه نامه



شیوه ۱۲: در بعضی از برج های قدیمی مربوط به دوره سلجوقی اغلب خرج پاه و خرج تعمیر برج دفیعه ادکفت برج ۴ پنهان می کردند و از آنجا به راه مخفی زیر زمینی و یک آتاق قلی ختم می شد که اموالی از سکه و غیر سکه وجود داشت.



عقاب دو سر نیز جزو یکی از نشانه های سلجوقیان می باشد که در زمانهای قدیم در میادین شهرها بعنوان نماد قدرت بود.

کتاب نسیم کنجه نامه

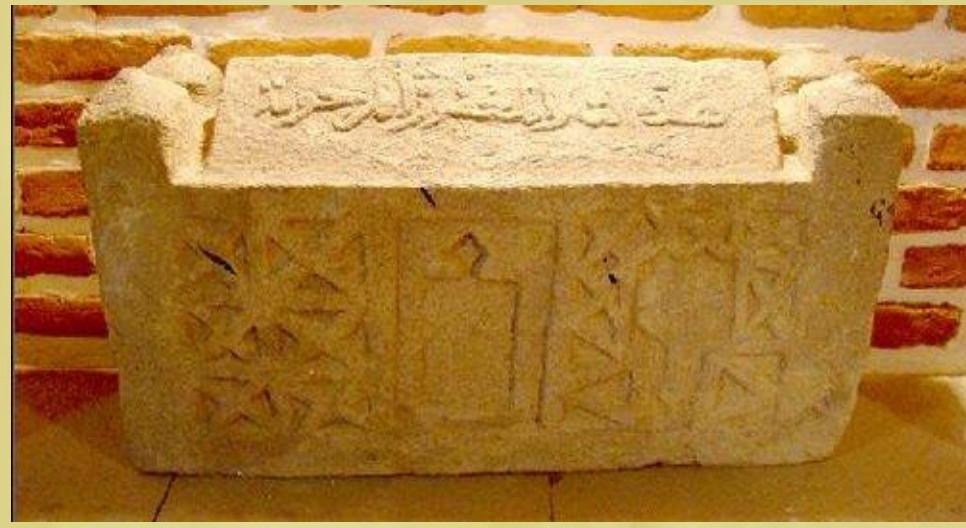
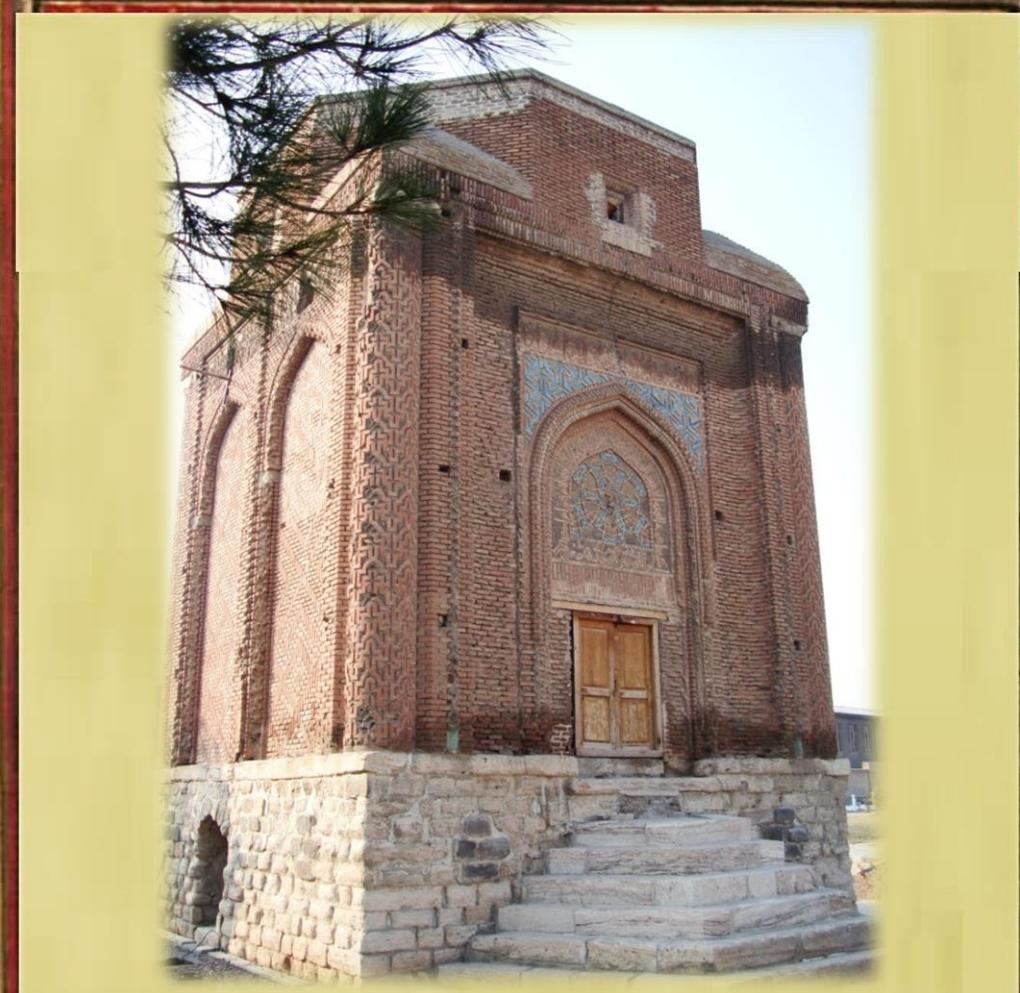
شیوه تدفین مردگان در دوره سلجوقی:



کتیبه منبت کاری شده بخشی از صندوق قبر یکی از بزرگان سلچوقی



کتب نشر کنچ نامہ



کتبِ نفسیہ نامہ

سیر تحول نمادها و نقش های پرنده‌گان در ادوار آل بویه و سلجوقی:

کتاب نسیم کنگ نامه

طبقه خانمه قسم و خانمه کلار زیسته	قابو، علایق شکل و قابو اینلایق ساختار خانمه مکل و قابو اعل و لفاف میان طاهر بزند و قابو پایه / تغیر شکل کاریا / تغیر به نفسی منی	تغیر خانمه قابو خانمه کلار زیسته
طبقه طراحی اجزای پرندگان اطباق شکل های تغیرپذیریا اتفاق طراحی آنم تغیر شکل اجزای آنم شکل طراحی بر مبنای ساختار هنری شکل حلقه ساز	پیش رفت در طراحی اجزای پرندگان اطباق شکل های تغیرپذیریا اتفاق طراحی آنم تغیر شکل اجزای آنم شکل طراحی بر مبنای ساختار هنری شکل حلقه ساز	تغییم پرندگان در حال واقعی / تغییم از نمای دوده دوا ناکید بر بودنی شکل
طبقه پنجه از ابرهش انسان / مکنده در		
طبقه پارچه ابرهش دوده، دوان آن بزند / محل یافت زی	ابرهش دوده، دوان آن بزند / محل یافت زی	تغییم پرندگان در تمامی دوده روز مستحلاست تصویری به با مانند از دوران هنرمنشی با انتخ
طبقه آرچس ابرهش دوان آن بزند / کادر دارای شمر و خط کوفی با مشهون	آرچس ابرهش دوان آن بزند / کادر دارای شمر و خط کوفی با مشهون	تغییم پرندگان در اسناده از تغییب پنده زانی در دوده / تغییب پنده زانی ایجاد تغییب پنده منی به نفسی

کتبِ نفسیہ نامہ

کتاب نسیخ کن نامه

حکومت ایلخانی در ایران:

در روزی مغول آذربایجان و مجلس را با نوع تجملات بیاراستد و **هولاکو خان** از این دیده داشته مبارک و طلاق عاد بر ساخته تخت
و مند کامناری نشست و خواست و شنا دکان فاما لحضرت بودند و کامت ارکان دولت و اعیان حضرت و ملوک و جنگ اطراف لاجمع شده نامه
بر عزیز بنتیم رسانید و دانش



ایلخانان یا ایلخانیان نام سلسله‌ای مغول است که از سال ۶۵۴ تا ۷۵۰ هـ ق. معادل ۱۲۵۶

تا ۱۳۳۵ میلادی در ایران حکومت می‌کردند و فرزندان چنگیز خان مغول بودند.

لشکریان چنگیز خان نخستین بار در سال ۶۱۸ هـ ق. معادل ۱۲۲۱ میلادی به خراسان

حمله نمودند. چنگیز خان در سال ۱۲۲۵ میلادی به مغولستان بازگشت آنجا در گذشت.

سال ۱۲۵۱ م. منگو یا منگل، خان بزرگ یا قاآن، بر آن شد با اعزام برادرانش هولاکو

و قوبیلا (کوپلاخان) به ترتیب به ایران و چین پیروزی‌های مغولان تحکیم و تکمیل

کند. هولاکو با فتح ایران سلسله ایلخانیان ایران و قوبیلا با فتح چین سلسله یوان چین

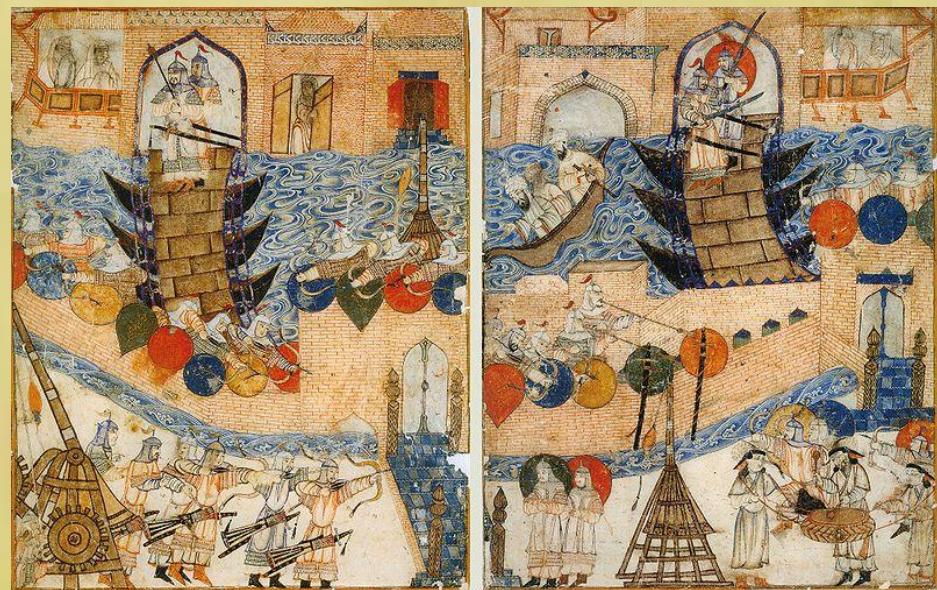
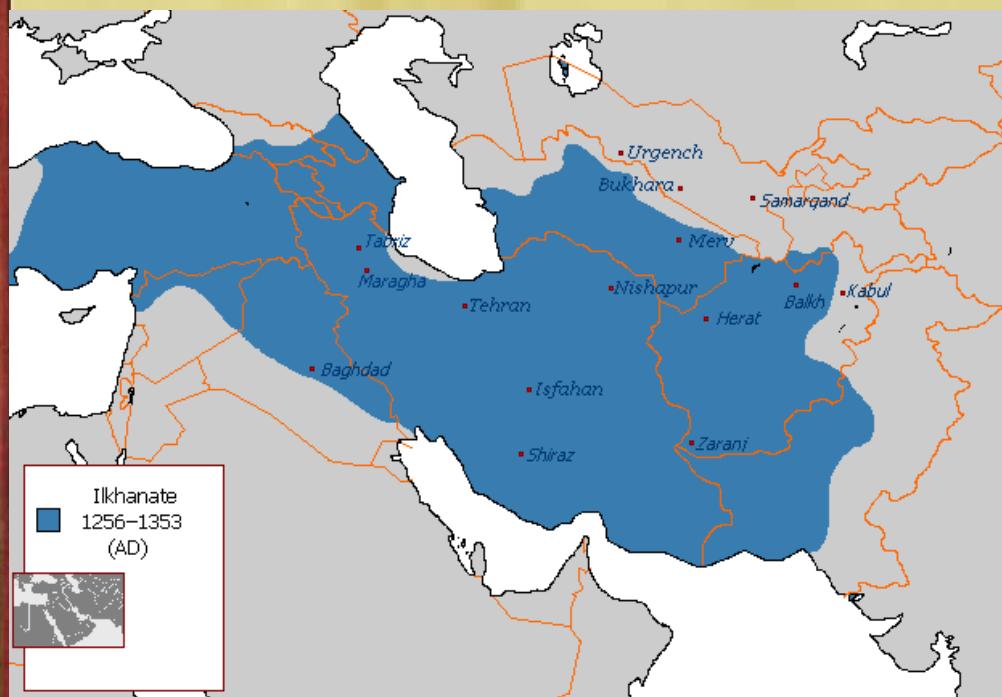
را بنیان نهادند. ایلخانان یعنی خانان محلی و غرض از این عنوان آن بوده است که سمت

اطاعت ایلخانان را نسبت به قاآنان می‌رسانند و این احترام همه وقت از طرف ایلخانان

ایران رعایت می‌شده است. فتح ایران به دست هلاکو خان پیامدهای مهمی چون پایان

کتاب نسیخ کن نامه

کار اسماعیلیان و انقراض خلافت عباسیان در پی داشت. ایلخانان در ابتدای دین بودایی داشتند اما به تدریج به اسلام گرویدند. ایلخانان مسلمان خود را سلطان نامیده و نامهای اسلامی برگزیدند.



کتاب نسیم کن نامه

دفینه گذاری در ایلخانیان:



طریقه اول دفینه گذاری: دفنه های مربوط به دوره ایلخانی، در کنار دره ها چشم آبی خواهد بود و دقیقاً جایی که آب دره

سرازیر شود چند دخت کنسال (عمداتاچار) وجود خواهد داشت، رو بروی چشم دلب و رودی غار خواهد بود که

دب آن را با سکنجین مسدود کرده اند و دفنه داخل غار است.

طریقه دوم: اغلب مکانهایی که از زمانهای قدیم توسط کیانیان و پادشاهان قدیم ایران حکومت می کردند توسط

چکنیز مغول خراب شده بود. اغلب دفنه هایی که مربوط به دوره کیانیان بود در قلعه ها و تپه های دفن شده بود.

طریقه سوم: قبرستانهای قدیمی طرف شرق قبرستان، ۳ قبرپایه قبله روی تپه ایجاد می کردند و دفنه در قبر میانی

كتاب نفیس کنجه نامه

بوده و یک خمره سکه چکنیز خان بود.

نکته مم: از آنجایی که آیا این قبرها دارای سُنگ قبر بوده اند یاد ارای سُنگ خاصی بوده اند اطلاعات خاصی در دسترس نمی‌باشد ولی از آنجاکه معلوم است این قبرها اغلب روی تپه‌های باستانی ایجاد می‌شدو مامی دانیم که در زمانهای قدیم اغلب قبرتanhاد سراشیبی تپه‌های دفن می‌کردند و این ۳ قبر به احتمال قوی دارای چیزی خاصی بوده اند که قبر میانی یا وسطی دارای علامت اضافی یا ویرگی بر جای بوده که دفنه را داخل آن قرار می‌دادند.

طریقه چهارم: در بعضی قبرهای وارونه و دفعایک راه مخفی ورودی از قبر و سطتعیه می‌کردند که به آنی که خمره دوره حلاکو خان مغول دفن شده بود رسیده می‌شد.

طریقه ۵: در سطع غارهایی که چاه کذا رده شده است روی چاه یک زرع خاک می‌ریختند و دفنه در ته چاه می‌بود که این دفنه ها اکثر امر بوط به دوره ایلخانیان و تیموریان و یا حمله اعراب به ایران بودند.

نکته مم: وقت کنید این نوع قبر وارونه اغلب در کنار چشمه‌ها و یک تک درخت کهنسال خواهد بود که فاصله قبر با درخت به اعدادی چون ۳-۵-۷-۱۰ و اغلب مضربي از اعداد فرد است.

طریقه ۶: اغلب بالای چشمہ ها در پشت سُنگ مربع سفید که با خط کوفی نوشته می‌شد باید از سمت قبله زیرا او ۲ زرع کاوهیده شود تا به خمره دوره چکنیزی رسیده شود.

نکته: این سُنگ مربعی سُنگ می‌تواند به سُنگ صندوق بوده یا سُنگ قبرهای اویل دوره اسلام باشد زیرا

کتاب نسیم کنجه نامه

دواویل اسلام سُنگ های مرسم به شغل سکنی مرتفع و بلند مرتعی یا مستطیلی شغل می بود. این احتمال هم می تواند باشد که این سُنگ مرتع به دوره قبل از سلوحتی ویاحتی قبل از ایلخانی بر می کردد.



طریقه ۷: در

ایلخانی ترسیم

نقش های اژدها

برک مو پچک

و طرح های

اسلمی، در معابد مرسم بوده است که نمونه آن در تصویر بالا را کاملا مشاهده می کنند.

کتاب نسیخ کن نامه

حکومت تیموریان در ایران:

تیموریان یا گورکانیان ایران (۷۷۱ - ۹۱۱ هق/ ۱۵۰۶ - ۱۳۷۰ م) دودمانی ترک تبار

بودند. بنیان‌گذار این دودمان امیر تیمور

گورکانی بود که آسیای میانه می‌زیست

سمرقند پایتختش بود. تیمور کشوری

گسترده و دولتی سترگ ایجاد کرد و

سرزمین فرارود (ماوراءالنهر) را به اهمیتی

رساند که تا آن زمان هیچگاه بدان پایه

نرسیده بود.



تیمور لنگ

او مرزهای خود را نخست در سرتاسر آسیای میانه و آنگاه سراسر خراسان و آنگاه به

همه بخش‌های ایران و عثمانی و بخش‌هایی از هندوستان گسترش داد. از آنجایی

که فتوحات تیمور بیشتر جنبه یورش و هجوم داشت تا تسخیر واقعی، اغلب این

مناطق باز به زودی از تصرف تیموریان خارج شد. با این حال ماوراءالنهر مدتی مرکز

دولتی شد که بیشتر ایران و افغانستان را افزون بر ماوراءالنهر دربر می‌گرفت. هنگامی

که کشورهای گسترده تیموری تجزیه شد، دوره هرج و مرج پیش آمد. به محض

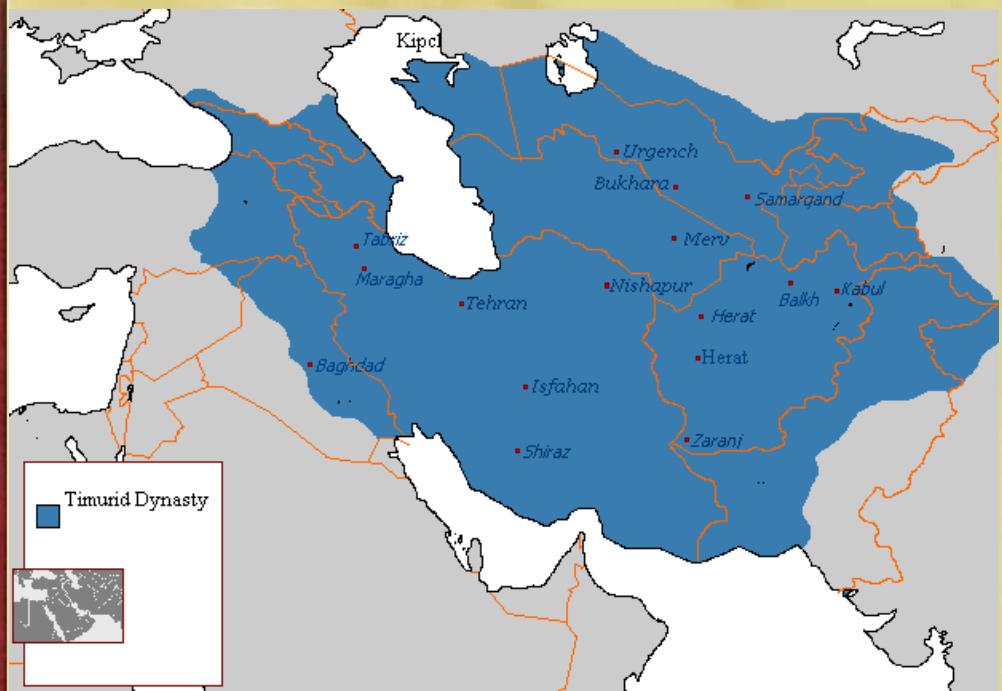
اینکه تیمور مرد، ترکان عثمانی و آل جلایر و ترکمانان در صدد تصرف کشورهای

کتاب نسیخ کنچ نامه

از دست رفته خود برآمدند. به گفته ابن عربشاه تاریخ نگار آن زمان، تیمور در زمان جنگ زخم برداشت و لنگ شد. بنابر روایات دیگر وی در سال ۷۶۴ ه. ق (۱۳۶۱ هـ) شناخته شد. با این وجود زخم هم همیشه می‌لنگید با این همه، فرزندان تیمور موفق شدند که پایش بعد از بهبود زخم هم همیشه می‌لنگید با این همه، فرزندان تیمور موفق شدند که شمال ایران را کم و بیش به مدت یک سده برای خود نگاه دارند. هر چند آنان بیشتر با یکدیگر در کشمکش بودند. سرانجام شاهرخ موفق شد که مناقشات اقوام خود را تا حدی رفع و قدرت و اعتبار کشور را نگهداری کند. ولی پس از مرگ او تصرفاتش به قسمت‌های کوچک‌تر مجزا شد و به همین سبب صفویان و امراء شیانی آنها را به متصرفات خود پیوست کردند. با این حال خاندان تیموری از میان نرفت و نوادگان تیمور پس از چندی پس از فرمانروایی خود را به هندوستان بردن و امپراتوری بزرگ گورکانیان هند را بنیاد گذاردند.



کتب نسیع کنج نامہ



کتاب نسیم کنچ نامه

دفینه گذاری در دوره تیموریان:



شیوه و طریق اول: در دوره تیموریان اغلب در کوه های معروف تپه های ریخته شده دستی می ساختند و دفینا

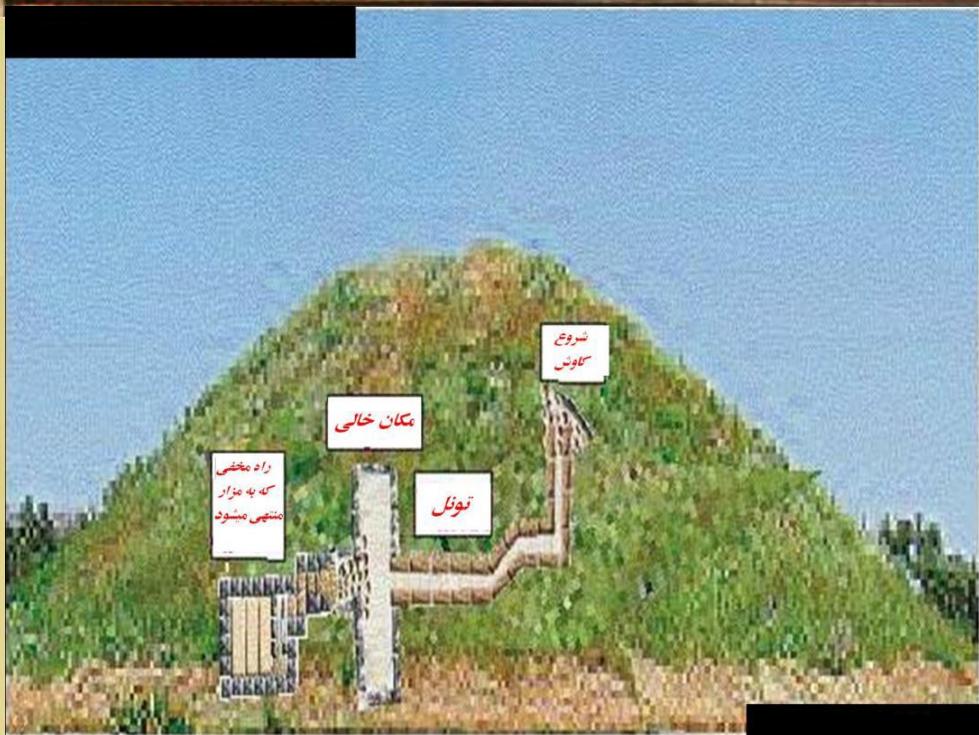
مرکز تپه چاهی درست می کردند و در ته چاه به آنماق یا سفید خانه ای که بعد از حدودا ۵۰ ارش بدست می آمد دفینه

می کذاشتند.

نکته هم: وقت شود داین نوع دفینه ها طلسم و تله نیز بکار می برند، بحث تله ها که یاد به چک اساتید اهل فن

غشی و بحث طلسم هم با اغلب بادعای ده قاف شکسته می شود، نمود تصویر پامین آورده شده است.

کتاب نسیم کنچ نامه



شیوه دوم: دفینه های تیموری اغلب در مکانهایی که به اسم قلعه تیمور معروف و مشور است به روای و طریق

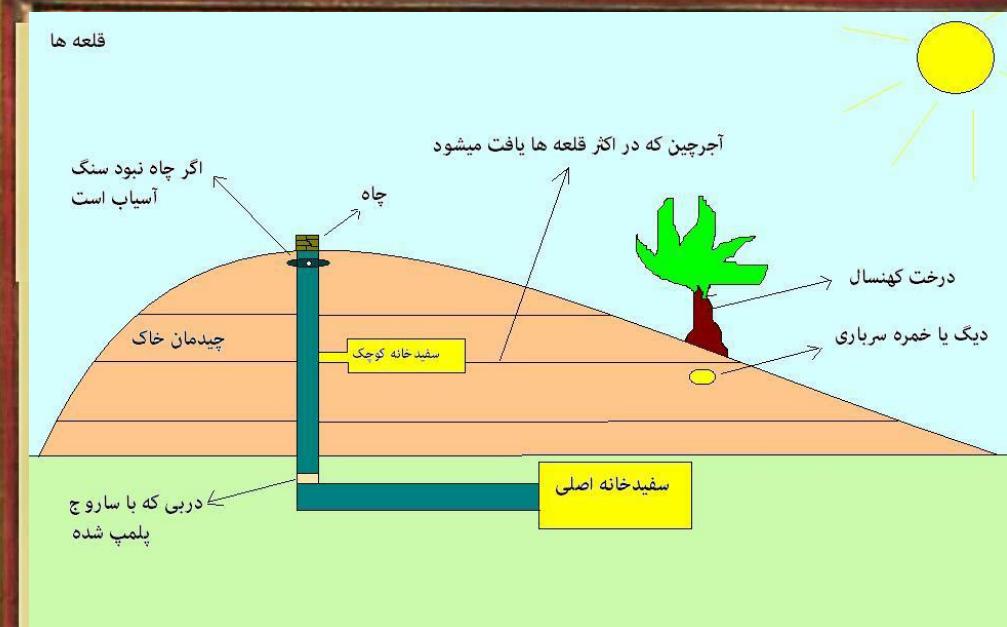
قبلی که ذکر می شد دفینگذاری می کردند، یعنی یک چاه در قلعه می کنند و دفینادره چاه و زیر چاه یک سغید خانه با

یک آتاق تعییه می کردند و اغلب عمق کار نزیرخان ۵ ارش می بود.

طریقه ۳: در وسط غارهایی که چاه گذارده شده است روی چاه یک زرع خاک می ریختند و دفینه درته چاه

می بود که این دفینه ها اکثر امر بوطبه دوره ایلخانیان و تیموریان و یا محله اعواب به ایران بودند.

كتاب نسیم کنچ نامه



نکته مهم: وقت شود دفنه موجود در قلعه های دفنه موجود در چاه ها متفاوت تر بوده و از حافظ کمیت و کیفیت دفنه

موجود در قلعه بیشتر بود و اغلب زر و جواهرات بوده و طلسم نزرمی بستند.

نحوه دفنه کذاری ۴: اغلب دفنه های دوره تیموری دون قبرهایی که تعدادشان بصورت فرد و عدتاً بصورت ۵

تایی بودند دفنه کذاری می کردند و قبری که طرف قبله بود او لویت قرار داشت. این نوع قبرها کشرا بایچ و

گنگ درست می شدند و دفنه اغلب یک گیک یا یک خمره بود.

طریقه ۵: اغلب دفنه های دکنار نزیر یار و دخانه دفن می شد، بین صورت که دو دخن قدمی به ویژه توت را در نظر

کتاب نسیم کنچ نامه

می کر فتنه و در قسمت شرقی دخت ۲ خمره دفن می کردند که مربوط به دوره تیموریان بود.



طریقه ۶: اغلب در زمانهای قدیم در روتاها صفحه می گذاشتند و صفحه را در نظر می کر فتنه کی طرف مغرب و

دیگری طرف شرق و دفنه را زیر صفحه بلند دفن می کردند. عمق دفنه اغلب ۵ ارش بود و شامل خمره بود.

شیوه ۷: نشانه شنیده و تسع این نشانه در گورستان های قدیمی روی سنگ مربعی نگل که رنگ سنگ هم سیاه

ستایل به سرخ می باشد دیده می شود، دفنه داخل قبر بوده و یک
خم ہندی می باشد.



شیوه ۸: دفنه های مربوط به دوره تیموری و سلجوقی، در کنار دره ها

کتاب نسیم کنخ نامه

چشمہ آبی خواهد بود و تیغای جایی که آب دره سرازیر میشود درخت کنسال (غم تاچنار) وجود خواهد داشت، رو بروی چشمہ درب ورودی غار خواهد بود که درب آن را با سکنچین مسدود کرده اند و دفنه داخل غار است.

شیوه ۹: اغلب در شاه چشمہ ^{لایه} فاصله ۵ قدم از چشمہ سکنی ۳ کوشش وجود داشته و قبرهای پلسوی هم سفید کاری بوده دفنه داخل قبرها بوده و خمره سکه تیمور شاه است. وقت کا ویدن ده قاف و قل او حی خوانده شود.

توجه: البته ممکن است اغلب این قبرها در واقع سفید خانه باشند و این مورد اغلب در تعاط شما و مناطق مرطوب کشور ایران عزیز بوده و مناطق گلستان، کرگان و دیده شده است.

شیوه ۱۰: اغلب مکانهایی که سر کردن تخت دارند دورش سکن چین بوده و سرتخت مکان دفن سکه تیموری بوده و دعاهای شیوه ۷ باید قرأت شوند.

نکته: مثُور از تخت می تواند جای تخت

نشین پادشاهی باشد که زمانی در آن مکان قلعه ای ساخته شده بودیامی تواند به مکانی مسطح صاف سکن چین شده احتمال زیاد سکن فرش کرده اند اشاره داشته باشد.



کتاب نسخ کنچ نامه

آیین تدفین و ساختار قبر های تیموری:

همانطور که می دانید بعد از اسلام شیوه خاصی برای تدفین مردگان وجود نداشته و اغلب به یک شیوه مرسوم مردگان را دفن می کردند ولی نوع سنگ قبر و نوع آیات و نگاره گری هایی که روی سنگ قبرها و نوع اشکالی که روی آن ترسیم می شد در اغلب دوره ها با هم متفاوت بوده و وجود دارد بعضی اشکالی بصورت منطقه ای بوده و تقریباً بصورت ناشناخته بوده است.

در اینجا قصد داریم که انواع و اشکال سنگ قبرهای دوره تیموریان برای آشنایی هر چه بیشتر شما عزیزان به صحنه تصویر بکشیم ، هر چند که بعضی آثار با گذشت زمان از بین رفته ولی آثار باقی مانده نیز جزو خزینه ها است که مشاهده خواهید کرد.



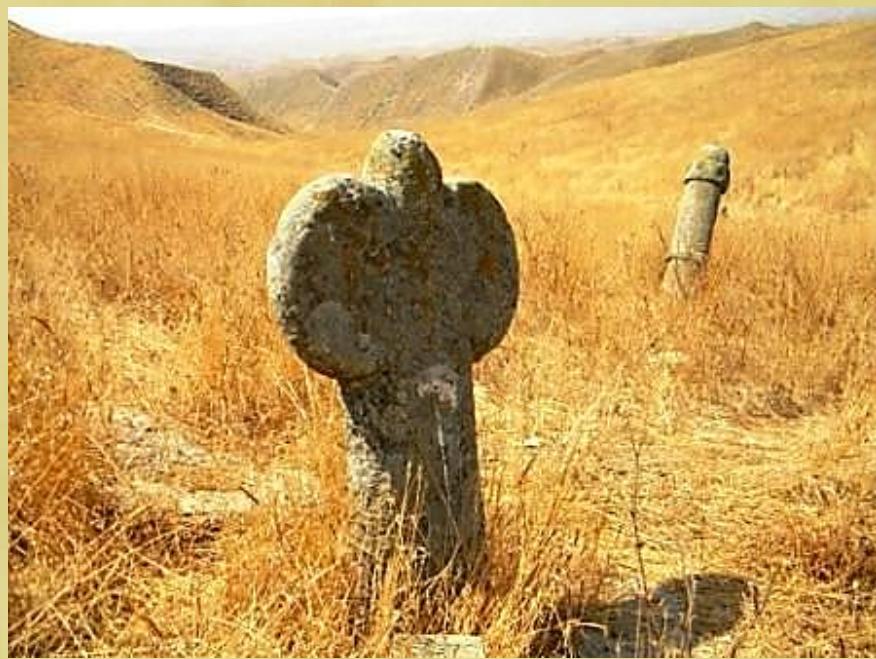
سنگ قبرهای شاهزادگان تیموری

کتب نسیم کنگ نامہ



کتاب نسیم کنچ نامه

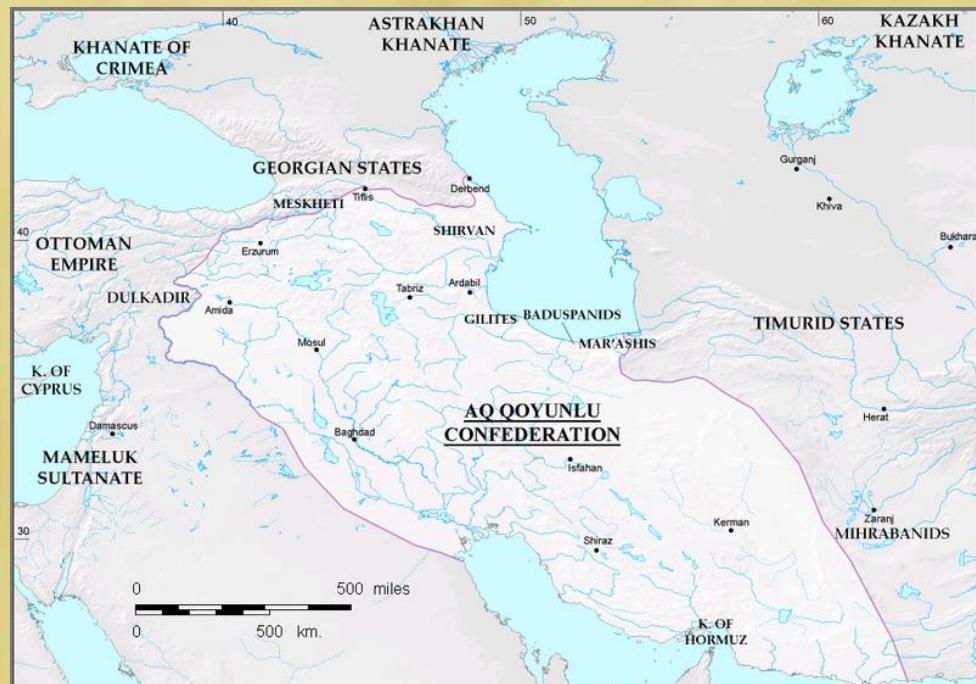
روی این برآمدگی شش سنگ قبر صندوقی شکل از سنگ مرمر سیاه دیده می‌شود
که آرامگاه شاهزادگان تیموری است.



كتاب نسخه نامه

حکومت آق قویون و قراقویون لو ها در ایران:

آق قویونلو سلسله‌ای از ترکمن‌های سنی بود که بر قسمت‌هایی از قفقاز، شرق ترکیه و شمال ایران از ۱۳۷۸ تا ۱۵۰۸ میلادی فرمان می‌راند. معنی لغوی آق قویونلو صاحبان گوسفدان سفید می‌باشد. آق قویونلو تیره‌ای از ایل بایندر بوده باشد. بایندر در فهرست اصلی قبایل بیست و چهار گانه اوغوزها مندرج در تاریخ رشیدالدین آورده شده است. حال آنکه در کتاب ده قورقود نام یکی از حکام اوغوز است [۱]. طهرانی، مورخ مشهور این سلسله، در کتاب دیار بکریه شجره‌نامه طور علی بیک را با ۵۱ نسل به اوغوزخان شخصیت افسانه‌ای ایل اوغوز می‌رساند که البته چندان قابل اعتماد نیست. به هر حال نام ایل بایندر در سده چهاردهم میلادی آسیای صغیر سر زبانها افتاده است. این فرضیه وجود دارد که بایندریها در فتح آسیای صغیر به دست سلجوقيان شرکت داشته‌اند. ایل بایندر پس از سقوط آق قویونلوها در طرابلس، حلب و نیز در جنوب سیواس اسکان گزیدند.



کتاب نسیم کن نامه

شیوه دفینه گذاری در دوره اق قویون و قره قویون لو ها:

اما قوچهای سنگی
نمادی برای برکت
بوده اند و به قولی
درون آنها جواهرات
بسیار پر بها جاسازی
میشده و در سر هر



کوی وبرزن قرارداشتند ولی مردم به تبع اعتقاداتی که داشتند: فکر میکردند کسانی قادر به استفاده از آن هستند که کلید اینها را داشته باشد

نا گفته نماند که در روی سینه اینها جایی برای داخل کردن کلید بوده ولی کلید آنها نزد اولیاء الله بوده و بس و کسی غیر از آنها و یا کسی بدون اجازه آنها اقدام به گشودن و یا انهدام آنها می کرد دچار نوعی بیماری اعلاج می شد و در عرض چند روز میمرد و آبرویش می رفت لذا مردم به فکر شکار آن هم نبودند حتی حمایت هم میکردند تا کسی به آنها تعدی نکند و اگر هم کسی ادعا میکرد که اذن امعصوم دارد مطمئنا دچار گرفتاریهایی میشد که رسوا می شد و جان خود را میاخت.

قوچ نماد قدرت و باروری شمرده می شد که این امر در داستان ها و فولکلور اقوام ترک زبان به وضوح مشهود است به عنوان مثال؛ قوچاق نبی، قوش کور اوغلو یا قوچ ایگید و احتمالا قرار دادن تندیس آن روی مزاری، نشان از قدرت بازو و پهلوان بودن شخص صاحب گور می توانست باشد

کتاب نسخه کن نامه

سلسله صفوی در ایران:



صفویان دودمانی ایرانی و شیعه بودند که در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری خورشیدی (برابر ۹۰۷-۱۱۳۵ قمری و ۱۷۲۲-۱۵۰۱ میلادی) بر ایران فرمانروایی کردند. بنیانگذار دودمان پادشاهی صفوی، شاه اسماعیل یکم است که در سال ۸۰۰ خورشیدی در تبریز تاجگذاری کرد و آخرین پادشاه صفوی، شاه سلطان حسین است که در سال ۱۱۰۱ خورشیدی از افغان‌ها شکست خورد و سلسله صفویان برافتاد.

دوره صفویه از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به شمار می‌آید، چرا که با گذشت ۹۰۰ سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانیان؛ یک فرمانروایی پادشاهی مرکزی ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید. بعد از اسلام، چندین پادشاهی مانند صفاریان، سامانیان، آل بویه و سربداران روی کار آمدند، هیچ کدام نتوانستند تمام ایران را زیر پوشش خود قرار دهند و میان مردم ایران یکپارچگی پدید آورند. این دوره یکی از سه مرحله دوران طلایی اسلام و دوره اوج تمدن اسلامی است.

صفویان، آیین شیعه را دین رسمی ایران قرار دادند و آن را به عنوان عامل همبستگی ملّی ایرانیان برگزیدند. شیوه فرمانروایی صفوی مرکزگرای و مطلقه (در دست شاه)

کتاب نسیم کن نامه

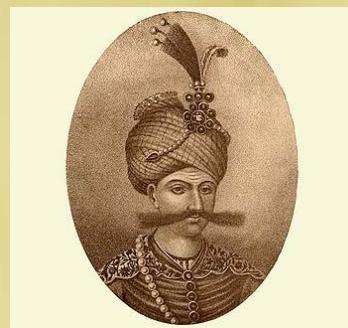
بود. پس از ساختن پادشاهی صفویه، ایران اهمیتی بیشتر پیدا کرده و ثبات و یکپارچگی برخوردار گردیده و در زمینه جهانی نام آور شد. در این دوره روابط ایران و کشورهای اروپایی به دلیل دشمنی امپراتوری عثمانی با صفویان و نیز جریان‌های بازرگانی، (به ویژه داد و ستد ابریشم از ایران) گسترش فراوانی یافت. در دوره صفوی (به ویژه نیمه نخست آن)، جنگ‌های بسیاری میان ایران با امپراتوری عثمانی در غرب و با ازبکها در شرق کشور رخ داد که علت این جنگ‌ها جریان‌های زمینی و دینی بود. ایران در دوره صفوی در زمینه مسائل نظامی، فقه شیعه، و هنر (معماری، خوشنویسی، نقاشی) پیشرفت شایانی نمود. از سرداران جنگی نامدار این دوره می‌توان قرچقایخان، اللهوردی خان، و امامقلی خان را نام برد که هر سه از سرداران شاه عباس یکم بودند.



از فقیهان و دانشمندان نامی در این دوره میرداماد، فیض کاشانی، شیخ بهایی، ملاصدرا، و علامه مجلسی نامور هستند. هنرمندان نامدار این دوره نیز عباسی، علیرضا عباسی،

کتاب نسیم کنچ نامه

میرعماد، و آقامیرک هستند. از شاعران بزرگ و نامدار این دوره می‌توان به وحشی بافقی، صائب تبریزی، محتشم کاشانی و میر رضی آریمانی اشاره کرد. صفویان همواره بزرگترین سد در برابر ترکان عثمانی بودند و اندیشه بازپس‌گیری مرزهای هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان را داشتند. صفویان در جنگ‌های خود با عثمانی‌ها همواره با نام ایران می‌جنگیدند. ترکان عثمانی تا پیش از بیرون رانده شدنشان به دست شاه عباس بزرگ، آذربایجان و قفقاز را به اشغال درآورده و از مردمان این سامان کشتار فراوانی کردند. صفویان فرهنگ، هنر، موسیقی، معماری ایرانی و ادبیات پارسی را گسترش می‌دادند و سرانجام شاه عباس پایتحت خود به اصفهان جابجا کرد.



کتب نسخ کج نامہ



کتاب نسیخ کن نامه

شیوه دفینه گذاری در دوره صفوی:

شیوه اول: اغلب خزانه‌های دوره صفوی که به خزانه شاه عباس معروف و مشور هستند در زمانهای قدیم زیر

اما مزاده ها دفن می‌شدند. دقیقاً زیر اما مزاده زیر زمین تعبیه می‌کردند که به خزانه مصل می‌شد

شیوه دوم: اغلب در اطراف بقعه ها و کنار راه قدیمی (کاروانسرای ها و مارواه) به فاصله ۰۵-۱۵ قدمی یک صفة ای

دست می‌کردند و دفینه که شامل خمره بود در زیر صفة دفن می‌شد. عمق کاراً غلب ۳ ارش بود.



طریقه سوم: اغلب دفینه های صفوی در کنار دخان مشهور که همان دخت چهار بوده و دقیقاً ناردو چهار نزدیک

هم ۱۸ قدم فاصله داده و مکانی که وقتی آب باران می‌بارد آنجا جمع می‌شود و علف در آن قسمت نمی‌رودید سبز

نمی‌شود دقیقاً کو dalle تعبیه می‌کردند که دفینه آنجا پنهان می‌کردند.

کتاب نسیم کنچ نامه



گنگه: وقت داشته باشد مورود ذکر شده در نسبه بالا به ورودی مکان می تواند اشاره داشته باشد، زیرا اولاد جایی علف

سبز نمی شود یعنی روید علت می تواند بگاز طلایاب وجود یک مدفن یا یک ورودی اشاره داشته باشد پس مورد

نهی بود و در صورت داشتن ورودی توسط مکانی مخفی به آن قرآنخون خواهد شد.

طریقه چهار: در زمانهای قدیم در ورودی شهر کله دوازه بود تپه ای رینته می ساختند دفینه دفعه ادار و سط تپه دفن کرده

و اغلب عمق کار ۴ زرع بوده و شامل خمره و سکه بود.

کتاب نسیم کنچ نامه



طریقه ۵: دکن را مازاده ها اغلب در سمت مشرق رو به قبله داشتند حتی راکه بنام دخالت خیل است نظری کر قند

و دفینه را در زیر آن پنهان می کردند، بعد از ۱۴۰۳ ارش لایه ای را با آجر پوشانده و زیر آجر نیز خمده را قرار می دادند.

کتاب نسیم کنچ نامه



نکته ۳۴: مشهور از دخیل بستن یاد دخت دخیل دختی است که مردم برای برآورده شدن حواج و بر طرف

شدن سکلاتشان پارچه‌ای سبز رنگ را دور شاخه‌های آن دخت می‌بینند و معتقد بودند که حاجت روانی شوند.

طریقه ۶: در دوره شاه سلطان حسین که آخرین پادشاه صفوی بوده است بین رواں مرسوم بوده است که

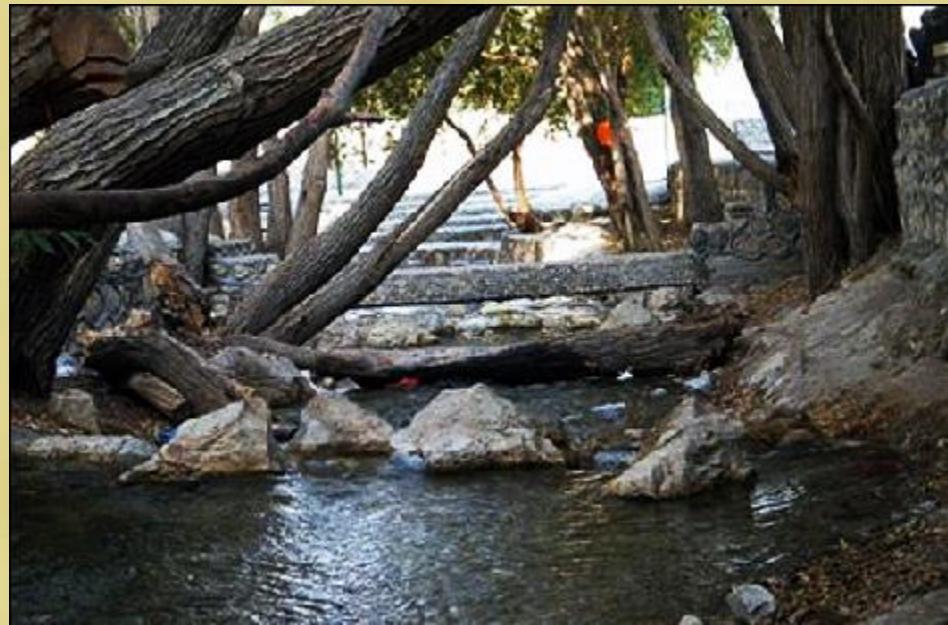
قلعه‌ای که بالای تل بوده و دقیقاً میان قلعه‌گنجی بود که دفینه زیرگنگ قرار می‌دادند اغلب دفینه جزو جواهرات

و سکه‌ای قیمتی و گران‌بها و زیور آلات بود.

طریقه ۷: دون چشم‌های مشهور را در نظر می‌گرفتند و اغلب در چشم‌های زرخانی این مشاهده می‌شود و دفینه

کتاب نسیم کنچ نامه

شامل سکه اشرفي بوده و اغلب ۳ ارش عمق داشت.



طریقه ۸: اغلب چاهی را در نظر کرده که نزدیکی آن چشم آب بوده و سرچشم یک سک سفید را که روی او

نشانه نقشی بود در نظر می کردند، دفنه زیر سک بوده و شامل یک خمره اشرفي بود.

شیوه ۹: نشان (مار) بالا سر روانه در روی سک سفید رنگ بصورت حکاکی یا بر جسته دیده می شود، ۳ زرع زیر

سک بجا و مید به زاغه سکنی یا صخره ای می رسید، دفنه شامل ۲ خم اشرفي است.

کتاب نسیم کنجه نامه



شیوه ۱۰: علامت (جام) در اطراف حوالی امازاده میان ده سکنی رویت می شود، اگر دوزرع زیر سکن

کاویده شود به دفنه آن که شامل یک دیک اشرفتی است می رسد.

شیوه ۱۱: نشان (شتر) در قبرستان قدیمی وجود دارد، در مشرق قبرستان سک شتر و جود خواهد داشت از آن دو

زرع به سمت قبله فاصله کرفته و آنچه را بکاوید، دفنه شامل ۳ خمره سکه اشرفتی است.

کتاب نسیم کنچ نامه



شیوه ۱۲: نشانه شترمر بوط به دوره صفوی بوده و مکان "شترکر" مشهور می باشد، دفنه داخل کوئان شتر بوده و دفنه شامل دیگ سکه دوره صفوی بوده است.



کتاب نسیم کن نامه



شیوه ۱۳: نشانه‌های مربوط به دوره صفویه بوده و در منطقه ختران دیده می‌شود، زیر پای سگ یا دیگر زرع کاویده شود به خم شاه اسماعیل صفوی می‌رسید.

شیوه ۱۴: نقش طاووس همراه با درخت زندگی جایگاه محبی را در هنر ایران به خود اختصاص داده است. این نقش اغلب با معنا همیز مذهبی همراه می‌باشد و در دوره اسلامی فقط بخصوص دوره صفویه در آثار هنری دیده می‌شود.

شیوه ۱۵: از آثار و نشانه خورشید در زمان شاه عباسی هم استفاده می‌شد بر روی پل مکه معنی جداگانه‌ای دارد و یا دفنه‌ای که برای خرج پل بود پشت خورشید و یار و بروی آن قرار می‌گرفت.

کتاب نسیم کنچ نامه



شیوه ۱۶: نشانه مربوط به دوره صفویه بوده و در اطراف دخت قدیمی که عمدتاً چهار است روی سنگ سفید رنگ دیده می شود، چند قدم بطرف قبله و بر برگانک را بکاوید، دفینه آنجا بوده و شامل خمرا اشرفی می باشد.



طریقه ۱۷: نشانه مگنک یا پنجه یکی از علامتهای دوره صفویان بوده و دفینه ۴ ارش زیرگانک می باشد.

کتاب نسیم کنجه نامه



طریق ۱۸: اغلب که برج قدیمی بوده وقت کنید بعضی به تپه خاکی تبدیل شده است، برج دو عدد قبردارد، از طرف قبله قبر آخری که سمت قبله است سک بزرگی است که داخل قبر خم اشرفت خواهد بود.

شیوه ۱۹: اکثر ادفینه یا خرج تمیز پل هاد قسمت پایه پل ها نگهداری می شد. در بعضی از پل هایی که اطراف رودخانه های اچشیده آب وجود داشت؛ بالای پل در قسمت شمال ۳ قبر وارونه نیز وجود داشت، خرج در قبر وسطی پنهان شده است و یک خم دوره اسلامی لا اله الا الله ... صفویه می باشد.



كتاب نسخ کنج نامه

شیوه ۲۰: علامت قیچی در اغلب قبرستان‌های قدیمی



دیده می‌شود در روی گنگ قبرها حکاکی می‌شود، قبردارا

همای خواهد بود. البته این نشان روی گنگ قبرها در دوره صفویه نیز دیده شده و کار متفوّن را نشان می‌داده است.

شیوه ۲۱: اکثر اکار و انسراها در دوره صفوی رونق یافته‌ند و مکان استراحت مسافرانی که قصد عزیمت یا سفرت

به شهری را داشتند بین قصد ساخته می‌شدند. برای آنها چندین خرج در نظر گرفته می‌شد که یکی از آنها در اطراف

کار و انسراها چشم آبی بود که از بالا به پایین می‌ریخت و همان مکان دارای دفینه نسبتاً سکنینی اغلب به تعداد ۷ خمره بود.

طریقه ۲۲: در سمت امامزاده ها و شخصوص در سمت شمال آن کوهی وجود داشت و در آن کوه دخت قدیمی

سرمه دندری که قند مقابل دخت در قد کوه قبر وجود داشت که دفینه داخل قبر میانی بوده و یک

خرمه سکه شاه عباسی بود.

کتاب نسیم کنخ نامه

شیوه ۲۳: در غلب دره ها غارهای وجود داشت جلوی غارتخت و قبر بود، دفینه را که شامل یک خمره سک شاه

اسما علیل صفوی بود در زیر حسد قبر پنهان می کردند.

شیوه ۲۴: در مکانهای با اسم کردنه شرکه در مناطقی شور است، شتری وجود خواهد داشت و دفینه دفیاد اخ

کو هان شرک لذارده شده و شامل یک سک می باشد.

شیوه ۲۵: در دوره شیخ بهایی از قمچی به عنوان آثار دفینه و مسیر راه به کار رفت قمچی اگر روی گنکی حجاری شده

باشد و آن گنک سرراه مال رو باشد نشان از مسیر راه است که نوک قمچی مسیر درست را نشان میدهد ولی اگر

روی گنکی بزرگ در وسط بخل باشد قسمتی که دسته قمچی در روی آن بر جهت سازی شده زیر شرک قمچی

یا الماس جاسازی شده البته در دوره صفوی و قاجاری در روی گنک قبر خیاط ها هم از نکاره قمچی به عنوان ناد

شغل فرد نوت شده استقاده می کردند.



کتاب نسیم کنخ نامه

شیوه ۲۶: نشانه الاغ کیی از آثارهای معمم دولتی آن زمان بوده و حتی در کاروانها هم از آن استفاده می‌شده اگر این آثار به صورت تندیس باشد مرتبط با دفینه‌ی دولتی است که به محل سفید خانه اشاره می‌کند معمولاً پشت آن مهروزیری خورده ولی اگر الاغ جاری باشد مربوط به بارکاروان است و محل قرارگیری بارکاروانی دولتی مقاومت است. باری که مخصوص به کاروان است در اطراف خود الاغ جاسازی شده و معمولاً وقتی کاروانها برای استراحت توقف می‌کردند. بار الاغ که در خورجین قرار داشت را در قسمت پلوسی الاغ می‌کنند پس باید در کنار گنگ جاری شده دنبال برآمدگی یا فرور گشته و یا حتی گنگی مقاومت باشیم دفینه در آنجاست و مترابه هم کم است و از ۳ متر تجاوز نمی‌کند.

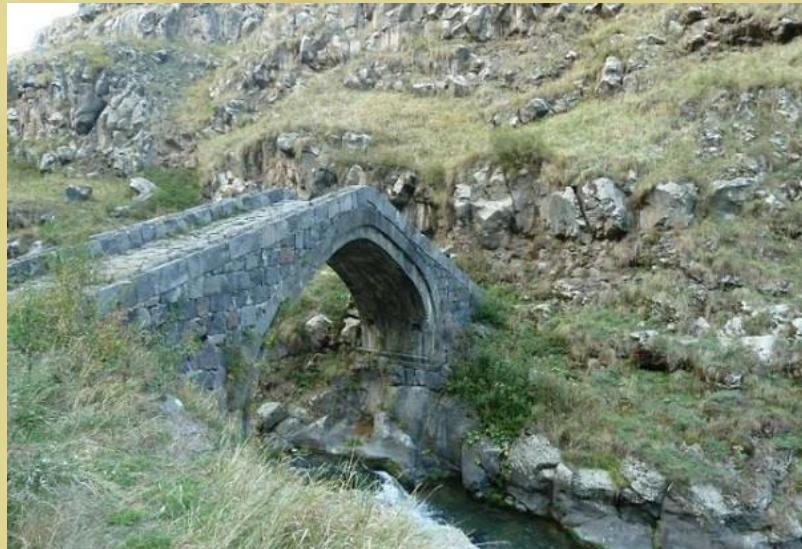


شیوه ۲۷: کتیبه‌ها غلب حکومتی بوده اند و دستور حاکمان یا اولیان آن زمان بوده و در عصر جدید شاهان قاجار و صفوی هرجای صاف و صیقلی که پیدا می‌کردند اقدام به نوشته دعا و شعر می‌کردند. در کل باید عرض کنیم کتیبه‌های

کتاب نسیم کنچ نامه

طویل نادبار نیستند و جزء آثار تاریخی محظوظ می‌شوند.

شیوه ۲۸: اگر شرایفه یا خرج تصمیپل هاد قسمت پایپل هانگداری می‌شد. در بعضی از پل هایی که اطراف رو دخانه های اچمه های آب وجود داشت؛ بالای پل در قسمت شمال ۳ قبر و ارونه نزدیک وجود داشت، خرج در قبر وسطی پنهان شده است و یک حرم دوره اسلامی لا الله الا الله ... می باشد.

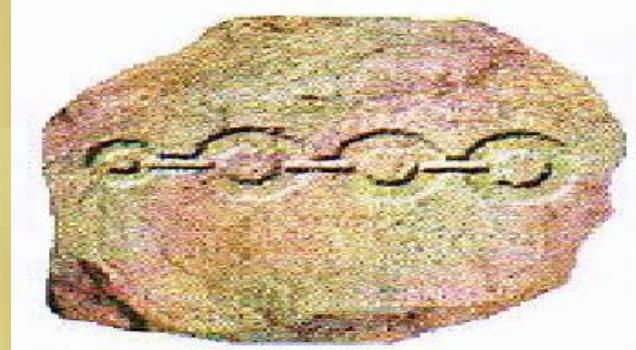


نکته هم: بعضی از پل ها دارای بار می باشد طوری که حاگان د مقداری سکه در زیر یکی از پل های پل قرار می دادند تا اگر پل تخریب شد، با استفاده از همان سکه های پل را بازسازی کنند. جایی که مال د آن جا قرار دارد بسیار متحكم است و کاری بسیار سخت است.

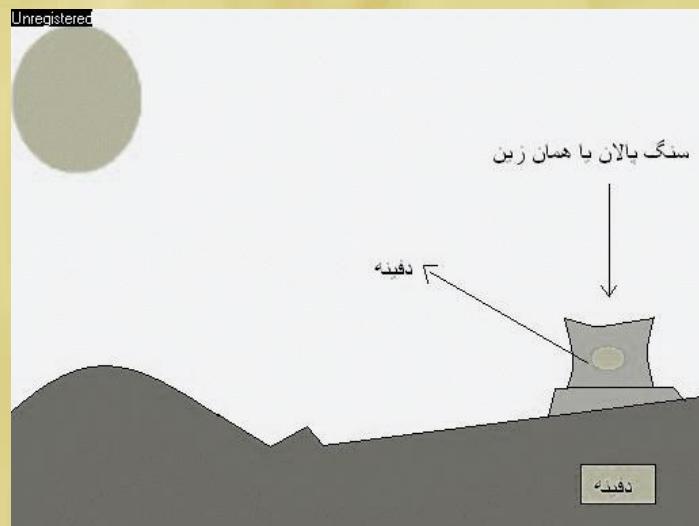
شیوه ۲۹: نشان حلقه در میان راه مارلو و کاروانسرایی قدیمی نزدیکی شود، زیرگذرا اگر ۲ زرع بجاوید

کتاب نسیم کنچ نامه

به دفنه آن می رید.



شیوه ۳۰: نشانه سگ زین در سیر کار و انسراها قدری دیده می شود، دفنه زیر سگ بوده و دفنه زیادی دارد.



شیوه ۳۱: نشانه "واو" نشانه در سر راه آبادی ها و مکان کار و انسراها دیده می شود بصورت سگ مصل بهم بوده و دفنه زیر سگ می باشد.

کتاب نسیم کنچ نامه

شیوه ۳۲: نشانه جام در راه کار و انسراها و مالروهای اصلی قدیمی دیده می شود، طرف مشرق سک را بخواهد

شامل خمره سکه دفنه می باشد.



شیوه ۳۳: تاریخ ستاره داودی به دوره اسلامی که از آن برای دکوراسیون استفاده می کردند می رسد روی
عمارت های اسلامی بویژه قلعه جندی راس سدر در سینا فرماده میت المقدس صلاح الدین در راه خود راه
نظمی خود به سینا تاریخ ۱۱۸۷ تا ۱۱۸۳ م تاسیس کرده این ستاره اسلامی را بر مدخل ورودی قلعه قرار داد.



اگوی عابه: زای الراثیه مهیا بود که تو سط عرب هاو هندی های زیر استفاده می شده است در زمان صفیان
تو سط افراد غیر مسلمانان زیر استفاده می شد و مقدار آن ۵-۹۲ سانتی متر است.

کتاب نسیم کنجه نامه

آین تدفین در دوره صفوی:



در این مجال قصد داریم مدفن و مقبره شاه عباس صفوی را مورد تحقیق سنگ قبرها افراد عادی که در زمان صفویه دفن می شدند را مورد جستجو قرار دهیم.

کاشان، اردبیل و قم سه شهری هستند که همواره از آنها به عنوان محل احتمالی دفن شاه عباس نام برده می شود. اردبیل به دلیل وجود آرامگاه شیخ صفی از نیای سلسله صفویه، گزینه‌ای جدی برای محل دفن او به نظر می‌آید، اما مدارک و شواهدی در این باره موجود نیست.

کاشان و قم نیز دو شهری است که بر سر راه اصفهان و مازندران قرار داشته‌اند احتمال دفن شاه در این دو شهر بسیار زیاد بوده و از این دو هم، احتمال دفن شاه عباس در کاشان بیشتر است.

پس از وفات شاه در مازندران، اسکندر یک منشی مخصوص شاه عباس در کتاب "تاریخ عالم آرای صفوی" این چنین می‌نگارد: چون به دارالمؤمنین کاشان رسیدند، خلائق آن دیار با دیده‌های گریان و دل‌های نالان و کسوت سیاه و حال تباہ به استقبال شتافته، چون به نعش رسیدند سینه‌ها چاک کرده به ناله و افغان درآمده خاک بر سر

كتاب نسخ کج نامه

افشاندن آغاز نهادند.



در شهر کاشان امامزاده‌ای دفن است که صفویان اعتقاد داشتند نسبشان به امامزاده حبیب بن موسی(ع) می‌رسیده است. این امامزاده از معتبرترین و قدیمی‌ترین اماکن زیارتی می‌باشد که به ویژه در زمان شاه عباس اول مورد توجه کامل او بوده است. چون همانطور که اشاره شد دودمان صفویه را از اولاد این امامزاده می‌دانسته‌اند. اسکندر بیک در ادامه می‌نویسد: *الحاصل آن جنازه را در پشت مشهد بیرون کاشان* که مدفن امامزاده عالی قدریست به امامزاده حبیب بن موسی(ع) به امانت گذاشتند که انشاءا... به یکی از اماکن مشرفه و آستانهای متبرکه نقل شود. حافظان خوش الحان تعیین فرمودند که روز و شب تا بام شمعدانی‌ها افروخته دارند و جهت اطعام حفاظ و خدمه مزار کثیر الانتشار و فقرا و مساکین اقسام حلاوه و اطعمه‌الوان و ما يحتاج . در این زمان جسد شاه عباس در کاشان مجاورت آرامگاه امامزاده حبیب بن موسی(ع) در سرداربهای قرار داده‌می‌شد تا جانشین وی برای محل دفن او تصمیم بگیرد و به وصایای شاه عباس رسیدگی کند.

روایت شده‌است شاه عباس وصیت کرده بود که او را در امامزاده حبیب بن موسی(ع) دفن کنند.

اسکندر بیک منشی در این باب در کتاب "ذیل عالم آرای عباسی" بازگو می‌کند: ... چون به کاشان رسیدند نعش ... را در آستانه فایض الانوار امامزاده حبیب بن موسی(ع) گذاشتند، سه روز به لوازم تعزیه و سوگواری پرداخته، بعد از اطعام فقرا و تعیین خدمه

كتاب نسخ کنج نامه

حفظ و غيرها کوچ کردن.

پس از آنکه شاه صفی وصیت جد خود را تأیید کرد، اجازه داد وی همان سردارهای که قرار داشت، در یکی از سه قبری که در کف دخمه کنده شده بوده خاک سپرده شود. از طرفی نیز به دلیل وصیت شاه متوفی بنا بر اینکه قبرش گمنام بماند، از این جهت اسباب و وسایل تجلیل و احترام و تشریفاتی هم که برای درگذشت او فراهم شده بود برچیده شد و حتی سنگ بزرگ و گرانبهایی از دورترین نقطه کشور برای مزار شاه آورد بودند را بدون نوشتن هیچگونه نام و نشانی بر روی آن، بر روی قبر قرار دادند.



از طرفی برای ظاهرسازی و امتناع مردم که یکباره متوقف کردن کلیه مراسم‌های تجلیل و احترام به مقبره شاه برای آنها قابل تحمل نبود، به گفته گوینده تاریخ منظوم صفویه چنین وانمود شد که به امر شاه صفی، شبانه دور از دیدگان مردم نعش شاه عباس به یکی از اماکن مشرفه فرستاده شده است.

کتاب نسیخ کن نامه

آندره گدار مدیر کل پیشین اداره باستان‌شناسی و موزه ایران باستان در نتیجه بررسی‌ها تحقیقاتش از منابع ایرانی و خارجی در این باره در صفحه ۳۱۵ جزو دوم از جلد دوم نشریه فرانسه (آثار ایران) می‌نویسد: قبر شاه عباس اول مهمترین فرمانروای دودمان صفوی در جوار این امامزاده می‌باشد. شاه عباس که خود را از اولاد و اخلاف حبیب بن موسی می‌دانسته وصیت کرده بود او را در کنار مزار جدش دفن کنند.

یک گزارشگر در سال ۱۳۴۶ مقبره را اینگونه وصف می‌کند: سنگ بزرگ و سیاهی بر حاشیه آن آیه الکری منقوش است مزار شاه عباس را پوشانده است. طبق روایات، در طرف دیگر این سنگ تصویری از شاه عباس با شرح زندگانی و تاریخ در گذشت او منقوش بوده که هنگام حمله افغان‌ها از بین رفته است. بعدها دوباره نقش شاه عباس را با وسائل مختلف روی آن سنگ تراشیده‌اند که آثار آن هنوز روی سنگ پیداست.

در زیر سنگ قبر سردابه‌ای وجود دارد که مدفن اصلی جنازه در آنجاست و طبق روایتی یک کلاه خود چوبی که علامت آزاد و آمرزش بود در اثر بی‌توجهی از بین رفته است. تا چند سال پیش حتی خود اهالی کاشان نیز وجود مقبره شاه عباس در شهر خود بی‌اطلاع بودند ولی اخیراً شهرداری کاشان در شناساندن این مقبره کوشیده است سنگ مزار شاه از جنس سماق سیاه رنگ گرانبهایی است که به گفته کارشناسان این سنگ از نزدیک ترین معدن در سرزمین قفقاز آورده شده است.

آخرین نوشهایی که از اسکندر یک در رابطه با مدفن شاه عباس منتشر شده است، مجال هیچگونه شک و تردید را در این موضوع باقی نمی‌گذارد. او در نخستین سال سلطنت شاه صفی هنگام مسافت او به کاشان در کتاب "ذیل عالم آرای عباسی" این چنین بیان می‌کند: به تاریخ روز سه‌شنبه ۲۳ محرم الحرام از دارالسلطنه اصفهان بیرون آمدند و از راه تاج‌آباد و نظر روانه شدند چون به دارالمؤمنین کاشان رسیدند ... به زیارت مدفن شریف حضرت گیتی جنت آشیان مشرف گشته، جهت ترویح روح آن حضرت بختمات کلام حضرت ملک علام و اطعم فقرا و مساکین و خیرات و

كتاب نسخ کنح نامه

تصدقات اقدام فرمودند و از تربیت مقدس روح مطهرش استمداد همت فرموده لواججهان گشا به حصول مقصد افروختند.

بنابر تحقیقاتی که توسط محققان انجام گرفته است می‌توان گفت به جز قبری که در امامزاده حبیب بن موسی(ع) قرار گرفته است هیچ قبر دیگری را تاریخ نگاران منسوب به شاه عباس یاد نکرده‌اند و در هیچ کتاب مأخذ معتبری مشاهده نشده است که تاریخ یا چگونگی انتقال جسد او را از کاشان به جایی دیگر نگاشته باشد. در هر کجا هم که چنین عنوانی به میان آمده است، نه تنها بدون ذکر مأخذ و سند بوده بلکه با شک و تردید آن را بیان نموده‌اند. از جمله این شایعات تذکره آتشکده آذر کتاب دانشمندان آذربایجان است که به شکل مبهومی می‌نویسد: شاه عباس در مازندران وفات کرد و در نجف اشرف مدفون است.

در صورتی که هیچگونه اثری از قبر شاه عباس در نجف اشرف وجود نداشته و ندارد. در حالی که شاه صفی در سال سوم سلطنتش (سال ۱۰۴۱) به نجف سفر کرده است. در شرح این مسافرت اسکندریک منشی در کتاب "ذیل عالم آرای عباسی" نوشته، نام و نشانی از مدفن شاه عباس در میان نیست در حالی که هنگام مسافرت او به کاشان به زیارت مدفن جد خود رفته و مراسم احترام را به جا آورده بوده است.

از این استاد سند معتبر و بیان رسای اسکندر بیک چنین می‌توان برداشت کرد که پس از ۹ ماه از درگذشت شاه عباس و به خاک سپردن او، اکنون دیگر موضوعات امانت گذاشتن و یا انتقال جنازه شاه مطرح نیست و به کلی متفقی گشته بلکه آرامگاه وی را هم در کاشان به عنوان "زیارتگاه مدفن شریف حضرت گیتیستان ..." و همچنین "تربیت مقدس" یاد می‌کند و بدیهی است که این عناوین و عبارات صریح جز مزار و مدفن دائمی اموات اطلاق نمی‌شود.

در اولین ده قرن سیزدهم هجری شمسی، وزارت فرهنگ جمع آوری آثار تاریخی ایران، در امامزاده حبیب بن موسی(ع) محراب کاشی مینایی لوح کاشی برجسته روی

کتاب نسیم کنخ نامه

قبر که از کارهای علی بن محمدبن ابی طاهر بوده است، برداشته که اکنون در موزه ایران باستان جاخوش کرده است. کاشی های پرجسته مینایی و نوشته دار دو طرف قبر هنوز هم پابرجا هستند و این اثر یگانه و منحصر به فرد نیز بازمانده ای از آثار خاندان ابی طاهر است.

در همان ایام، سردا به زیر قبر شاه عباس گشوده شد و در کف سردا به در محوطه ای وسیع که با آجر ساخته شده بوده است، آثار سه قبر دیده می شود و روی قبر میانی که همان قبر شاه عباس است با ۷۳ کاشی لعابدار قدیمی پوشانده شده است که آنها را از آنجا کنده و بیرون آورده اند. در ضمن در این دخمه اشیای کم بها و ناچیزی از قبیل کلاه خود و اسلحه هم پراکنده بوده، به طوری که از آثار و علایم می توان برداشت کرد اشیای دیگری هم در این مکان بوده است که مورد غارت و دستبرد قرار گرفته است.



کتاب نسیم کنچ نامه



البته روی سنگ قبرهای دوره صفوی اغلب قیچی و نگاره های دیگر یافت می شد.

كتاب نمير كنج نامه

دفنه و خزانه هایی که موقع حمله اعراب به ایران دفن گردیده است:



اگوی اول: غارهایی که چشم آب از آنها خارج می شود، شمار فتن جلوتر به داخل غار، غار رفت و سعی تر و کشادتر می شود که آتاق وجود خواهد داشت، در آتاق عقی حوضی ساخته شده است، دفنه داخل حوض است و این دفنه ها عمده تابه دوره ای که اعراب به ایران حمله کرده اند می باشد.

اگوی دوم: غارهایی که در زمان اسکنیان و ساسانیان و حمله اعراب به ایران وجود دارد، اغلب در چنین حالاتی در ب و روای غار روبه مغرب بوده و کنار غار نشانه شغال و فیل کذاشته می شود (تصورت حکاکی یا برجسته)، در ب غار را با تنجه سنگی پل پ کرده اند و دفنه زیادی داخل غار است.

کتاب نسیم کنجه نامه

اگوی سوم: در اغلب قلعه های ساسانی، دزمانی که اعراب به ایران حمله کرده اند، اغلب دفینه ها و طلا ها را در

زیر حوض قلعه پنهان می کردند، عمق کاوش اغلب کمتر از یک زرع بوده و بکچ و سکنچین برخواهد خورد.

اگوی ۴: در وسط غارهایی که چاه کذارده شده است روی چاه یک زرع خاک می ریختند و دفینه در ته چاه

می بود که این دفینه ها اکثر امر بوط به دوره ایلخانیان و تیموریان و یا حمله اعراب به ایران بودند.

اگوی ۵: اغلب دفینه های با هتر است بگوییم خزانه که در حمله اعراب به ایران دفن شدند در دوره سلجوقی دزمان

طغول شاه در مکانهای مخصوصی پنهان کردند. یکی از این شیوه های قرار است. بالای بعضی مکانهای غاری

تعییه می کردند و اغلب درخت جنگلی بزرگ دم ورودی غار می کذاشتند تا استارشود و زرع عصب غار پله

می خورد و دفینه داخل غار کذارده می شد و سط غار نزیر چاهی می ساختند و روی چاه را یک زرع خاک می ریختند

و ته چاه نزیر یک آتاقی مخفی درست کرده و در نهایت ورودی غار را با سکمهای بزرگ سکنچین می کردند.

اگوی ۶: اگر دلنه غارتگر و به همین صورت که در بالا اشاره کردیم بود، با این تفاوت که غار بعد از چند متر

کتاب نسیم کنچ نامه

مثل یک آتاق ک تمام شد، شاید به سقف و دیواره روبرو و کناری به دقت نگاه بیاند ازید تا علامی هچون نعل
اسب یا ماوه ستاره و حتی عقرب و جوغان بیاند که تازه این اول کار است و دفینه آن بسیار سخت بدست
می آید و متعلق به دوران اسلامی است که شکنندگان که حداقل ۲۰۰۰ متر فاصله دارد قرار دارد.

آن سنگ معمولاً ب اندازه یک پراید است که انحراف دره (حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ متر) فراصله دارد. ضمن
قبری تکی د آن محل نزد وجود دارد که معمولاً فردی بلند مرتبه می باشد ولی در داخل قبر چیزی نیست.

الکوی ۷: سری دیگر به صورت چابه د غار خفرمی کردند و از کفت چاه توغل می زندند یک سمت دیگر و با
کذاشتن یک تله فیزیکی آن را پنهان می کردند. توجه داشته باشید که هر چاکه در مسیر راه و خواری به توغل خصوصاً
دست ساز برخوردید ۱۰۰ در ۱۰۰ باید انتظار تله را هم داشته باشید (خصوصاً دفینه های دوره اسلامی و کجنه های متعلق
به ذداول و راهزنان، که نوع و تعداد دومی به مراتب سخت تر و بیشتر می باشد)

الکوی ۸: حوالی کوه های معروف که با اسمی مقدس نامگذاری شده اند، طرف قبله را نگاه کنید غاری پلپ
وجود دارد که در ب و رو دیش را با سنگ کار کرده اند و سط این غار ۳ قبر وجود دارد، دفینه اصلی داخل قبر میانه

کتاب نسیم کن نامه

ایین تدفین و قبور در دوره اسلامی:

یک مورد اساسی که بسیاری از محققین در مورد قبور از آن غافل هستند این است که قبل از اسلام که قبله بیت المقدس بوده قبرها را بخلاف جهت قبله رو به قبله فعلی خاک می شدند چون قبله فعلی بعد از اسلام مشخص شد و قبله کسی به این موضوع اشراف نداشته و پس نتیجه اینکه ممکن است قبور بعد از اسلام قبور مسلمانها اشتباہ گرفته شوند.



حتما شما نیز شاهد سنگ قبرهای قدیمی موجود در قبرستان‌ها بوده اید که برخی از آنها به چند صد سال پیش باز میگردد و شاید توجه شما نیز به نقوش حکاکی شده آنها از جمله مهر و تسییح و شانه جلب شده باشد و از خود سوال کرده باشید معنای این نقوش چیست؟!

در قدیم حکاکی نقش مهر و تسییح نشان دهنده آیین و مذهب شخص متوفی بوده و روی سنگ قبور افرادی که به زیارت مکه معظمه و یا عتبات عالیات نائل شده بودند

کتاب نسیم کنچ نامه

بیشتر مشاهده می شود.

اما نقش شانه نشانه جنسیت متوفی بوده است. بدین ترتیب که اگر شانه منقوش دو طرفه باشد، متوفی زن است و اگر شانه یک طرفه باشد، متوفی مرد است.

از دیگر ویزگی های این سنگ قبرها میتوان به ذکر نام خداوند در بالای سنگ و بیان تاریخ فوت به صورت قمری اشاره کرد.

نمونه ای از سنگ قبرهای منقوش به تسیح و مهر:



نمونه ای از سنگ قبرهای منقوش به شانه:



کتاب نسیم کنچ نامه



قبور ارامنه و مسیحیان دارای علامت صلیب میباشد و با این نماد شناخته میشوند



کتاب نسیم کنجه نامه

بر سر سنگ قبور یهودیها هم بیشتر از علامت بعلاوه یا گلهای چهار پر و مثلث استفاده می شده است.

برخی نقوش بر روی سنگها از شغل طرف حکایت داره مثلا قیچی یا مثلا شمشیر که نشان فردی جنگجوست و

برخی از قبور هم هستند که اموالی که درونشون هستن رو روی سنگ قبر حکاکی میکردند مثلا قبر جنگجویی که حکاکی شمشیر و تیر و نیزه و کلاه خود و ... روی سنگش حک شده که اینها نشان از والا مقام بودن فرد هم داره .



کتاب نسخه کن نامه

حکومت افشاریان در ایران:

آخرین فاتح شرق-ناپلئون ایران

نادر شاه



افشاریان، نام دودمانی ایرانی (۱۱۴۸-۱۱۶۳ قمری و ۱۷۹۶-۱۷۳۶ میلادی) و اعضای یک سلسله گُرد تبار بودند که بر ایران فرمانروایی کردند. بنیادگذار این دودمان نادرشاه افشار بود.

نادرشاه از ایل افشار است، دسته‌ای از گُردهای کورما نج که در اوایل دوره صفوی برای حفاظت از مرزهای ایران در برابر هجوم ازبک‌ها و ترکمن‌ها از غرب ایران و اطراف دریاچه ارومیه (در شمال غرب ایران و شرق ترکیه کنونی)، خراسان کوچاند شدند.

نادرشاه افشار در سال ۱۰۶۶ خورشیدی در ایل افشار در درگز در شمال خراسان دنیا آمد. این ایل به دو شعبه بزرگ تقسیم می‌شد: یکی قاسملو و دیگری ارخلو؛ نادر شاه افشار از شعبه اخیر بود. طایفه ارخلو را شاه اسماعیل از آذربایجان به خراسان کوچاند و در شمال آن سرزمین، در نواحی ابیورد و دره گز و باخرز تا حدود مرو مسکن داد؛ تا در برابر ازبکان و ترکمانان مهاجم سدی باشند. تعداد بسیاری از این ایلها در زمان شاه عباس اول در ایل شاهسون ادغام گشتند

کتاب نسیخ نامه



دفینه گذاری در دوره افشاریه :

دوره افشاریان نادشاه بزرگ "نایپون بزرگ" در ایران هم زمان فرمانروایی محمد شاه کورکانی در هند سلطنت میکرد.

شیوه اول: در مکانهایی به اسم چال سنگ سکنی‌ای بسیاری دورهم جمع می‌کردند و در زیر آن یک سردابی

مخنی تعبیه می‌کردند داخل سرداب دفینه‌های بسیار سکنی شامل جواهرات و سکه‌های قیمتی بوده‌اند می‌گردند

شیوه دوم: عموماً در پله ورودی حمام که جنسش از ساروج است یاد حوض و سطح حمام قرار دارد. بار آن سکه بود

این سکه‌ها جهت بازسازی حمام توسط حاکمان قرارداده شده است

کتاب نسخه کن نامه

حکومت قاجاریه در ایران :

قاجار(قجر)، قاجاریه یا قاجاریان نام دودمانی است که از حدود سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ بر ایران فرمان راندند. بنیانگذار این سلسله آقامحمدخان است که رسماً در سال ۱۱۷۴ در تهران تاجگذاری کرد آخرین پادشاه قاجار احمدشاه است که در سال ۱۳۰۴ بر کنار شد و رضاشاه پهلوی جای او را گرفت. به علت مشکلات روی داده در دوران افشاریه و زندیه سرزمین ایران دارای نامنی‌های



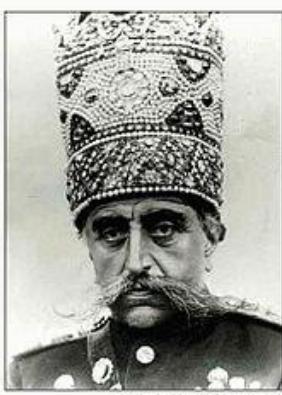
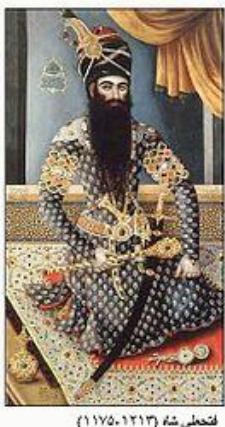
داخلی (مانند نامنی‌های جاده‌ای) بود و ارتباط با خارج از کشور از جنوب و شمال ایران کاهش یافته بود. زمانی که دولت قاجاریه به وجود آمد ایران از نظر اقتصادی و سیاسی در وضعیت بدی به سر می‌برد و اولین انسجام ایران به شکل امروزی مدیون آقا محمدخان قاجار است هرچند که در زمان پادشاهان بعدی قاجاریه بخش‌هایی از ایران جدا شدند ولی خاک اصلی به صورت یک دولت متحد از زمان آقا محمدخان قاجار به بعد شکل گرفت

خاندان قاجار از خاندان‌های بزرگ ایران است. اعضای این خاندان از نوادگان پسری شاهزادگان قاجار هستند. پس از اجباری شدن نام خانوادگی و شناسنامه دوره رضا شاه، هر کدام از شاخه‌های این خانواده نامی انتخاب کردند که اغلب برگرفته از نام یا لقب شاهزاده‌ای بود که نسب خود را به او می‌رسانندند. اکنون بسیاری از نوادگان

کتاب نسیخ کنچ نامه

قاجار در ایران، جمهوری آذربایجان، اروپا و آمریکا زندگی می کنند.

الحمد لله رب العالمين
موسم سلسلة كتب قاجار



آخرین شاه قاجار

محمدعلی شاه (۱۲۸۵-۱۳۰۷)



کتاب نسیم کنچ نامه

دفینه گذاری در دوره قاجاریه :



متاسفانه بعد از دور صفویه اغلب نسخه‌های دفنه و کنجه توسط افرادی یادستاری شده یا مجدد بازنویسی و چارت تحریف بسیار وابی شدند که متاسفانه مابعد از دوره صفویه افرادی بهجون میرداماد بکسر بضمی دراویش و... که برای خود دکان و بازار کنچ و عیقه راه انداخته بودند شروع به جعل و تحریف و نوشتن نسخه‌های جعلی کردند که نمی‌شود بدانا اعتماد و اطمینان کردن نسخه‌های درویشی و جعلی فوق العاده زیاد شد و روانه بازار شدند.

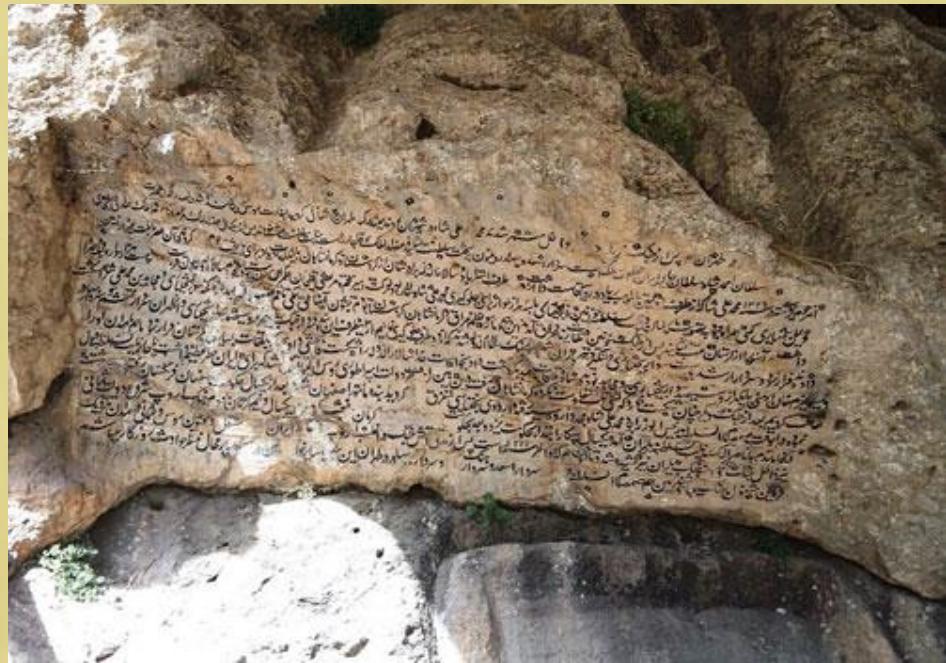
بعد از دوران قاجار که دوران پهلوی به سرکردگی رضا شاه پهلوی شروع می‌کرد و دیگر هیچ آثار دفنه و تاریخی که از روی سندهای تو اینم رمزگشایی کنیم و بخوانیم وجود ندارد و او لین بنک ملی نیز در زمان پهلوی تاسیس کردید.

کتاب نسیم کنخ نامه

مادر این قسمت شروع به علام و سبل های هنری که در دوره قاجاری رونق یافت توضیح و شرح خواهیم داد.

شانزدهم: سگ قچی، دوره صفوی و قاجاری در روی سگ قبرخاط ها هم از نگاره قچی به عنوان ناد
شغل فرد نوت شده استقاده می کردند.

شانزدهم: کتیبه ها اغلب حکومتی بوده اند و دستور حاکمان یا ایام آن زمان بوده در عصر جدید هم شاهان قاجار
و صفوی هرجای صاف و صیقلی که پیدا میکرند اقدام به نوشته دعا و شعر میکرند. دباید عرض کنیم کتیبه های
طولی نادبار نیستند و بجزء آثار تاریخی محوب می شوند.



شانزدهم: فانوس، این نادبه زمان اسلامی بر میکرده که در زمان قاجار از آن به عنوان روشنایی استقاده میکرند

کتب نسیم کنچ نامه

این نادبہ زاغه و اتاق ک اشاره دارد.



جایی که این آثار وجود دارد یا در نزدیکی آن صخره یا شیب تپه باشد که در باتاق در شیب یا دون صخره پل پشده است دفنه مربوط به این دوره اکثر اسکله های مسی است که ارزش خاصی ندارد.



کتاب نسیم کنچ نامه

نشانه کشکول:



این نشان روسی تپه معروف دیده می شود، دفینه زیر گنگ بوده و عمق بار ۷ ارش بوده و دفینه شامل یک دیک زراست.

علامت کتاب:



این علامت د آخر دره بالای چشمہ در طرف غرب آفتاب گنگ سیاه رنگ دیده می شود، ۵۰.۵۰ از رع عمق دفینه بوده و یک کوزه زر امامت وزیر انجاست.

کتاب نسیم کنچ نامه

دفینه مخفی شده در امامزاده ها :

مطلوبی که در این قسمت ذکر می کرد بجهت اطلاعات بیشتر مخاطبین و محققین بوده و ما شما از هرگونه خواری و کندوکار و دمحیط اطراف و خود امامزاده ها و اماکنی که بثت ملی کردیده اند و مکان های مقدس به شدت نمی کنیم عوایق هرگونه استقاده سوء از این مطالبات عده خود شخص خاطی می باشد ما یکچون مسویتی بر مطالبات نداریم امامزاده ها بار موحد در آنجا زیاد بوده و معمولاً اد پند قسمت آن جاسازی می شد: ۱- قسمت سقف ۲- دیواره داخلی که اگر کمی دقت کنید کمی بصورت برجسته است پشت آن یک آجر ۳- دکف که بصورت تور گفتی کوچکی است ۴- زیر کفش کن که در تمامی امامزاده هایکی بوده و مسراز ۸۰ سانتی متر دفینه یافت می شود. ۵- روپروری امامزاده بصورت تل که در بعضی امامزاده های یافت می شود.



کتب نشر کنج نامہ



کتاب نسیم کنچ نامه

شمع چراغ (شمع سوزها):



د بعضی از زیارتگاه‌های داشته سکنی بوده که روی آن چراغ یا شمع روشن می‌کردند که در اصطلاح به آن چراغ سو می‌کنند. زیر آن سکنی که چراغ روشن می‌کردند بار و بار وجود داشت و عمق آن کمتر از دو ارش می‌باشد. بار آن سکه بوده و بیشتر از یک خمراه است.

کتاب نسیخ کن نامه



شمع سوزها مکان مقدسی در دوره اسلامی بود. بعد از ورود اسلام به ایران جگهای داخلی سرگرفت و مناطقی هموز اسلام را نزد پیرقه بودند و همین مسئلہ باعث جنگ بین مسلمانان و افراد بومی شده بود به مرور زمان باز پیرقه اسلام محل دفن سرداران اسلام که اکثر از اقوام پیامبر بودند به امامزاده شمع سوز تبدیل شد و مردم برای تدریس از این مکانها میرفته و بر سرمارشان شمع روشن میکردند و معاویری که نزد راشتند در آن قسمت مدفن میکردند و بر روی شمع سوزها دخیل میبستند و وقتی از تدریس خود جواب میکردند اموال و سکه های بیشتری در آنجا مدفن میکردند. معمولاً محل دفن این تذوقات یک و نیم قدم از شمع سوز به سمت قبله بود و دفنه را در مسراز ۲ متری قرار می دادند

کتاب نسیم کنچ نامه

سنگ آهنگری:



این سنگ شیء سنگ سدان آهنگری می باشد د قدیم روی این سنگ ابزار آلات جنگی، نعل و... . ساخته می شد. از این نادر در دوره های قبل از اسلام جهت مدفن کردن دفینه به ندرت استفاده می شد ولی پس از آغاز ورود اسلام به ایران این نادر را بسیار دود خیلی از شهر های ایران می توان این آثار را مشاهده کرد.

البته همیشه به خاطر داشته باشید که از سنگ تراشه هایی که برای علامت دفینه بکار می روند باید سنگی باشد بر احتی قابل حمل و نگران دادن نباشند. فرض اگر از شاد سند سنگ سدان خواست به این فکر نباشید که باید دفعاً اندازه هی

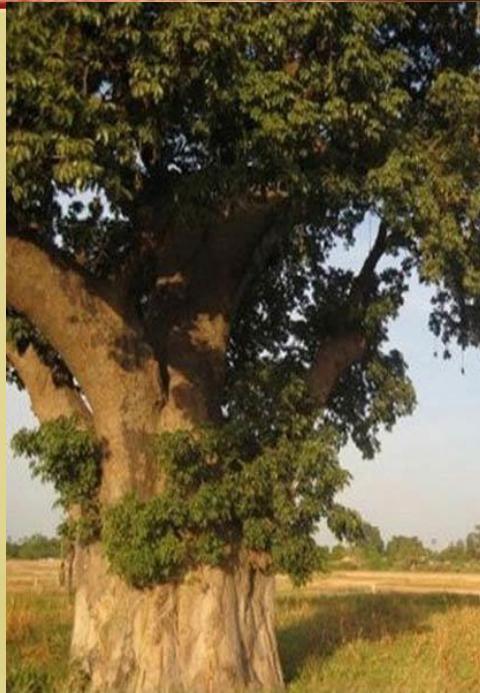
کتاب نسیم کنخ نامه

آهنی که در آنگذری هاست باشد بلکه این سنج در ابعاد بزرگ ساخته می شد. حالاتی پردازیم به طریقه مدفن سازی دفینه در این نماد. دفینه هی موجود در این نماد بعد از اسلام معمولاً سکه است که یا به صورت قراچه های کوچک یا خمره های کوچک و تعداد شان از دو تا تجاوز نمی کند و سکه هایی دون آن متعلق به دوره اسلامی (محمد رسول الله) و چند عدد هم سکه مدالیون (امام علی) است طریقه مدفن کردن این دفینه های این صورت بود که چاله ای حدود ۱۰.۵ متر خفرمی کردند و سکه های را در آن قسمت می گذاشتند و روی آن را با ساروج خیلی ابتدایی به ارتفاع نیم متر پرمی کردند و روی ساروج راهنم با خاک همان منطقه پرمی کردند و در آخر سنج را روی آن قرار می دادند. پس متوجه شدید که دفینه موجود در زیر این سنج در ارتفاع خیلی کم قرار می کرید

امام زاده [] شکل شیرز و سنج نقص سست امعان
جنس شیرز است و سدها پسران ارش بمال او نماید که زر آن
پانصد هزار [] آواری آواری یعنی در از فاک از بیان
و سلطنه سنگ بکو در نک زیر او را لکنند [] زر []
[] نویز و زده هم گرفت ایسته چشم اب است
از در سلطنه سر زیر می شوی و زده در فرسچنار کش آب یعنی از خشان
میور میگند و برو جوش خاما است و روش سنگ چشم راست
سنگ پیش از ابر و از زده اسباب زیارات خیلی در این نوار است

كتاب نسخ کنج نامه

درخت شمع سوز:



در تاریخ معرفت با نام شمع سوز یا سوآشن قدست این نوع دفنه که در کنار شمع سوز گذاشته می‌شود به ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ سال رسید این نوع دفنه ها اکثر رایه صورت نزد از طرف اشخاص بزرگ و یا جمعی از مردم انجام می‌شود که در کنار قبر شخص که سید و یا بزرگ آن زمان بود دفن می‌شود معمولاً این نذری ده هزار سکه بود که معادل ۳۰ کیلوگرم می‌شود این دفنه هایی معمولاً با فاصله از درخت و یا حتی زیر درخت دفن می‌شوند فاصله ای که مورد محاسبه قرار می‌گرفت یک گام و نیم به سمت قبله البته یا قبله قدیم که می‌ست المقدس بود و یا قبله امروزی که مکه بود دفن می‌شد و متراث این دفنه در ۳۰ سانتی تا ۸۰ سانتی متر قرار می‌گرفت. مشخصات وجود دفنه در شمع سوز گذشتگی سیاه در بروی درخت و یا قبر می‌باشد و اولین لایه زمین خاکستر و یا خاک نرم می‌باشد.

کتاب نسیم کن نامه

دفینه های درختان ، امامزاده ها و(دوره اسلامی):

همه درختان کهنسال دفینه ندارند ، باید به نسبت محیط اطراف بررسی کنید. درختانی که بسیار تنومند و عمر طولانی دارند و نیز به عنوان اماکن مذهبی یاد می شوند که اغلب پارچه های نذر و نیاز به آن آویزان است. کاویدن زیر درخت مشکل است ، چون ریشه هایی که سالها در زمین هستند شاید به قطر یک متر هم رسیده اند. هیچ وقت برای درآوردن دفینه درخت را خشک یا قطع نکنید. باید توجه داشته باشید که نوع درخت بسیار پراهمیت است بنده تعدادی از این نوع درختان را نام برد ام:

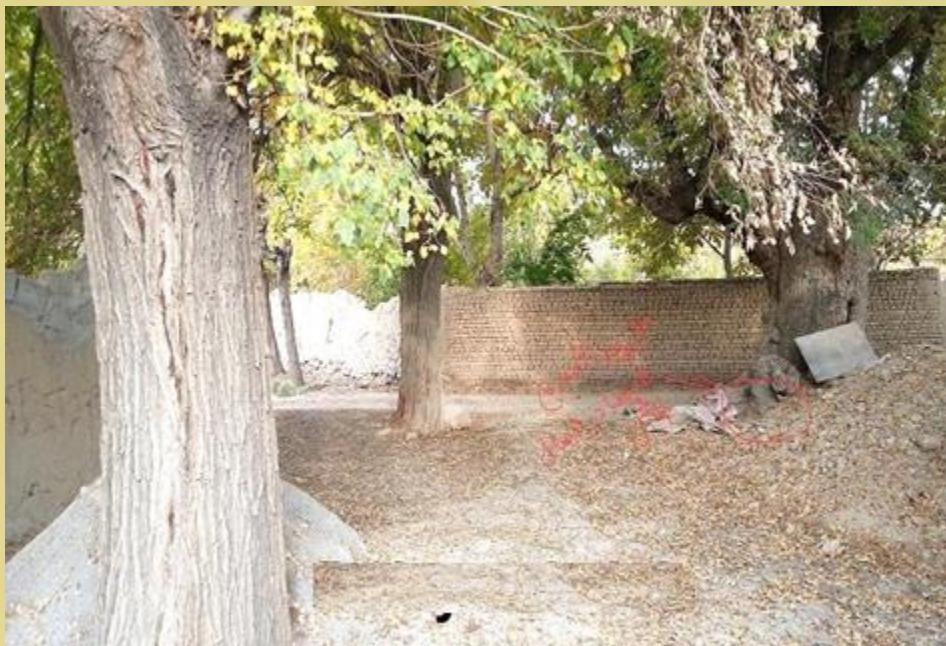
حدود عمر درخت	نام درخت
500	سرمه
6000	گز
5000	داداغلان
2000	آزاد
500	ذارون
700	سنجد
700	چنار

درختهایی با عمر طولانی اکثرا نشانه بار است و بار هر کدام از آنها با دیگری متفاوت است به فرض اموالی که در نزد کی بوته گز یافت میشود اموالی که کنار سرو یافت میشود همیشه متفاوت بوده است.

از دیرباز در میان مردم ایران این احساس یعنی (تقدس درخت و آب) وجود داشته است. درخت همواره نماد رشد و زندگی بوده است. درخت نشانه جنگل بوده و مورد احترام قرار می گرفت. در اعتقادات سومریان درخت زندگی سمبول نوسازی جهان و درخت خرماء نزد بابلی ها و فنیقی ها و درخت مو نزد آشوریان درخت زندگی

كتاب نشر کنچ نامه

محسوب می شده و درخت سرو نیزد ایرانیان باستان درخت زندگی بوده است ، این درخت همیشه سبز و جوان پا بر جا بوده که خود نمادی است از زندگی و بقای حیات.



أنواع درختان مقدس:

درختان مقدس را می توان به دو صورت تقسیم بندی کرد. دسته اول شامل درختان قدمگاه، زیارتگاه، تاوی، شفابخش و بیشه های مقدس مانند بیشه مقدس «دوازده امام» در منطقه گهواره شهرستان دلاهه می شود و دسته دوم درختان مقدس را به سه قسم دارمزار، دارمدار و پیردار تقسیم می کند که دارمزار شامل درختان در کنار امام زاده ها و اماکن مقدس می شود که بیشتر این درختان از نوع چنار، سرو، راغداغان و بلوط درختان دارمدار نیز درختانی هستند که برخی عوام به قرائی برای آنها معجزه کرامت

کتاب نسیم کنچ نامه

قابل بوده و بر آنها دخیل می‌بندند که این نوع درختان تنوع زیادی داشته شامل انواعی از درختان توت، زیتون، زالزالک، آزار انار، سیب، ارس، بنه، شمشاد و ... می‌شود. اما درختان پیردار الزاماً جنبه قدس نداشته و به دلیل دیرسالی، کهنسالی احترام قرار می‌گیرند که سروهای کهنسال ایلام جزو آن دسته هستند.

بوته کنک که در حدود شش هزار سال عمر میکند درخت بوته کنکی از درختان معروفی است که داکثر مکانهایی که قرار بود دفنه دآن جامنخی بشه از این درخت برای علامت کذاری استفاده می شد. و معمولاً هر کجا که این درخت را می کاشند ۱۵۰ قدم از خود درخت به سمت طلوع خور شید قدم میزند و دفنه را در آنجا مدفن میکرند و داکثر مکانهایی که توانسته اند دفنه می آن را بدست بیارند در مسیر از تقریبی ۵ الی ۷ متر بوده است.

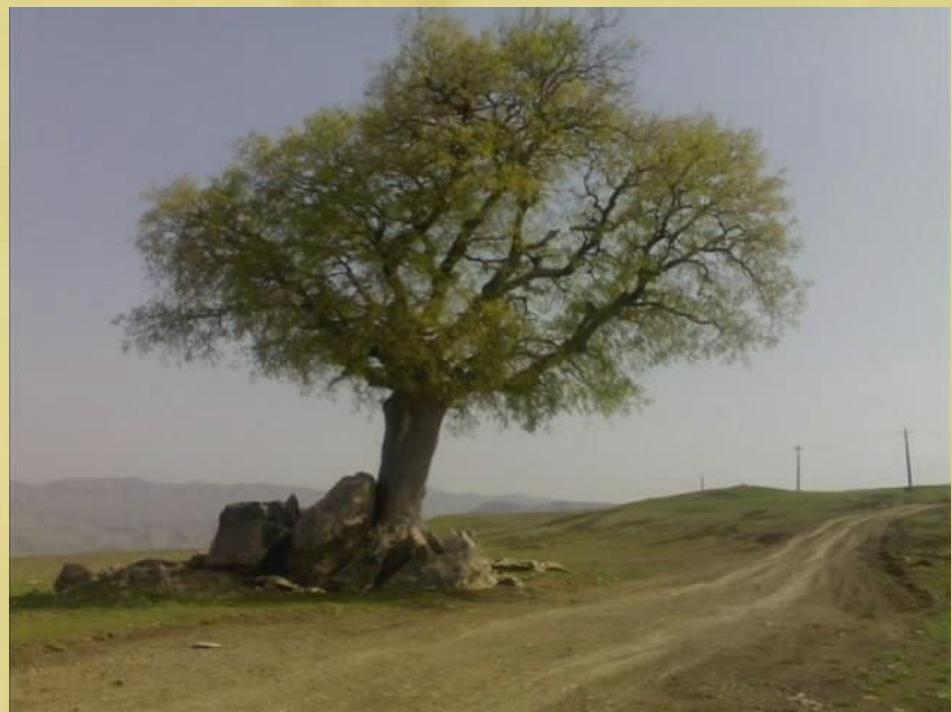


كتاب نفیس کنجه نامه

دخت داغان که در حال حاضر چهار هزار و پانصد سال آن است همانطور که تو عکس مشاهده میکنید دقت

جلوی دخت روبه طلوع خورشید تل کوچکی وجود دارد که دفینه در زیر تل وجود دارد البته مسراز این نوع تل؛

متفاوت است و نمیشه مسراز دقیق و یا تقریبی برای آن معلوم کرد بهم چیزیه نوع آثار بگنی دارد



دخت آزاد که دو هزار سال عمر میکند و در جنگل های شمالی ایران به وفور یافت می شود و در جنگل های شمالی ایران

به وفور یافت می شود. این دخت بیشتر در زمان اسلامی مورد کاربرد قرار گرفت و معمولاً در کنار شمع سوزه ها و

کتاب نسیم کنچ نامه

قبرستان های اسلامی فراوان است اگر دکنار شمع سوز قرار داشته باشد شاید یک قدمنیم از شمع سوز به سمت قبل قدم برد ارید و مترازد فینه داین مورد ها معمولاً از ۵.۵ بیشتر تجاوز سینکنده ولی اگر د قبرستان ها مشاهده کردید معمولاً به صورت سه تایی یافت می شود که هر ۳ تا دور یک تل خانگی متوسط را احاطه کرده اند و متراز کار داین نوع تل ها بالاست و در حدود ۸.۱۰ متر از وسط تل به پایین می شود.



کتاب نسیم کنچ نامه

دخت چار که حدود هفتصد سال عمر میکند و پس از آن هرسال یک بار خود کشی میکند و خود را یوزاند تا زین

بروکه این خود سوزی هم چندین سال طول میکشد مانند درخت چار اما زاده صلح حدود ۹۰۰ سال قدمت دارد.



دخت نارون حدود پانصد سال عمری کند معمولاً برای علامت گذاری دفنه های کوچک و شخصی از این

دخت به عنوان نماد استفاده می شد و امتر جلوی دخت به سمت قبلیت المقدس ولی خلیکم از این

گنج نامه

کتاب نسیم

دخت به عنوان نادبکار میرفت و درخت سجد هم ہمیطور می باشد.

سرودو شاخه (چنگالی):



ممترین خصوصیت دخت سرو دوشاخه بودن آن است. دخت سروی که حداقل سه نفر بادست به

دست دادن بتوانند آن را داغوش بکنند، به طور تقریبی ۲۵۰-۲۰۰ ساله خواهد بود. داشتایا قبل و بعد از جنگ

کتاب نسیم کنجه نامه

آزادی این درخت به عنوان نقطه ثابت در نظر می شده است. اگر گل یک درخت سرو زیر قسمت دوراهی درخت بدنیال کافی بگردید که سالها پیش ایجاد شده است. شکاف مورد نظر امروزه باید در حد و اندازه های یک بثواب باشد. اگر از پشت علامت چشم و دیگر از نقطه زیر دوراهی به طرف مقابل نگاه کنید، معمولاً در فاصله ۷۰ قدمی بدنیال یک امارت بگردید.

زیر دوراهی درخت به معنی حرف **V** می باشد حرف **V** در الفبای عربی معادل عدد ۷۰ می باشد.
در این شرایط یکی از دو نقطه به عنوان محل دفینه شخص می شود. با استفاده از دستگاه های پیشرفته این منطقه را جستجو و محل کنجه را مشخص کنید. درخت سرو که در حال حاضر چهار هزار ساله آن وجود دارد و معمولاً کنار این درخت چشمها ای وجود دارد که دفینه در زیر یک قسمت از چشم به صورت مهرو موم پنهان است

کتاب نسیم کن ج نامه



دخت گلابی و حشی، دخت عرع، دخت بلوط و دخت کاج:

اینها از نوع درختان با عمر طولانی هستند که معمولاً در اراضی و مناطق بازو و بطور نادر در حیات خانه‌های روستایی وجود

دارند. از آنجاکه درخت گلابی و حشی و درخت عرع بصورت وحشی در بیشه زارهایی رویند، احتمال دارد که

کنجنه‌های راهنمای و نیز پول ژرمندان روستایی در زیر چنین درخت‌هایی پنهان شده باشد. تازمانی که خلافش ثابت نشده باشد، اگر دو عدد درخت وجود داشته باشد میان آنها و در صورتی که سه درخت بوده باشد، در زیر درخت

كتاب نفیس کنج نامه

بزرگ و یاد دخت و چاک می باشد اگر در نزدیکی دخت هارودخانه وجود داشته باشد، بین نزدیک ترین دخت و رودخانه، اگر جمیت جاری شدن آب منطبق نباشد، فاصله بین چشم و دخت با قدم اندازه کیمی شده، پس درست مقابل بهمان اندازه پیش بروید طوری که چشم در وسط این فاصله قرار گیرد. نقطه ای را که بین کون بدست آید را بررسی کنید. در مواردی که دخت دوتایی باشد، در قسمت جلویاعقب نقطه سوم را اندازه کیمی کرده و برای پیدا کردن محل گنجینه سه ضلعی درست شود. دخت اصلی و مادر این دو دخت بعضاً ساخته شده، سوزانده یا بریده شده باشد. دختی را که از جوان آن می تواند رویده باشد، بررسی کنید.

اگر دخت بلوط تنها باشد یا باز موجود زیران است یا سه قدم به سمت غروب آفتاب رفت و ان مکان را بجاورد.

زیر آن زاره برادر از مر علaf می خورد
 تاکی چکمه کاره کبو و سر راه سر از بردارد زیر کوکل می شست
 طلم ماره کاره سر فرشتان ختن شنکت
 کور روکله زیر اوراعم از اس بجا و نه بلند کر زاره
میان و پیه واره علaf و پرس
 بالا رتیه کو در وارد و سلط کو در سر اکنه شنک لبود
 نزد کم کو بید اسد و نیران لیخ خز است

کتاب نسیم کنچ نامه

تصویر درخت گلابی وحشی:



تصویر درخت ععره:

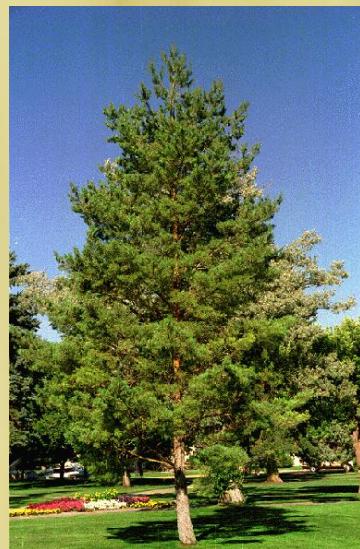


کتاب نسیم کنچ نامه

تصویر درخت بلوط:



تصویر درخت کاج:



کتاب نسیم کنخ نامه

دخت توت:

معمولاً در میان خانه های افت می شود. بین درخت توت و تقاطع محمل موجود در خانه ارتباط مستقیم وجود دارد. برای

مثال فرد مخفی کنده کنخ همیشه می تواند کنخ دفن شده را تحت نظر داشته باشد. برای همی ام پنجه محل اقامت و یا

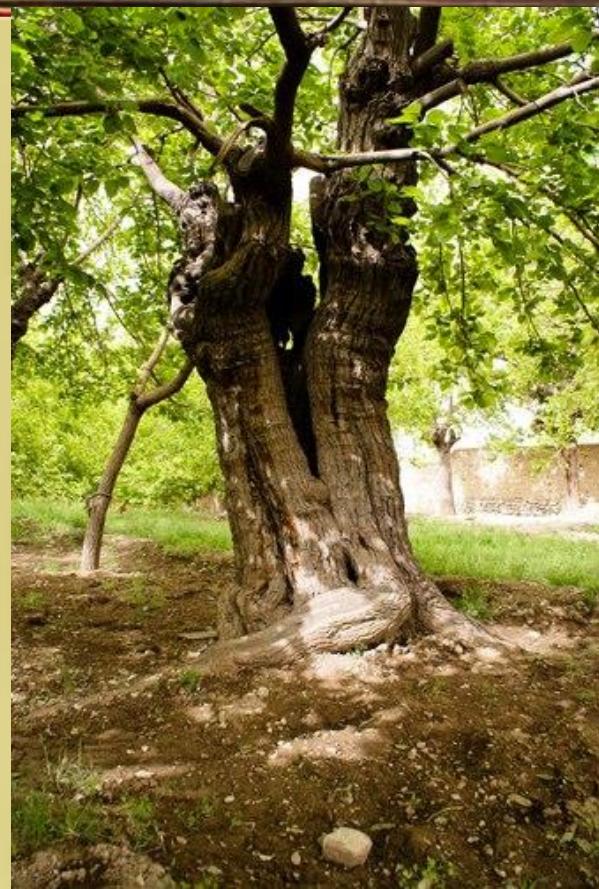
خواب وی مشخص می شود. جایی که پایین تراز دخت بهترین جا برای دفن و مواظبت از امانی می باشد.

این نقطه معمولاً با شروع از دروبه سمت دورودی خانه معمولاً ۱/۳ یا ۷۷ قدم می باشد.

امام زاده معروف است لانک شیوه کوئند انجام است
زیر سنگ وسط راه رفع تکینه یک دریک زر است

امام زاده بربودی امام
 زاده پنج قدم فاصله سنگ اقدامه مرغیده ریک
 گودی را در زیر آن سنگ ایک رفع تکینه یک کوزه
 زر است در قبرستان امام زاده سنگ
 طبیعت در سنگ دسانه کند و اندیزه زر او را
 تکینه یک کوزه زر است

کتاب نسیم کنچ نامه



دخت موزی:

این دخت یکی از درختانی است که خلی دفن اموال از آن استفاده نشده و دفنه های نفسی در زدگی وزیر خود درخت دفن نشد. مخصوصا برای سفید خانه از این درخت به عنوان علامت گذاری و گاهی اوقات هم برای قبرهایی هم و خمره هاکه در زیر خود درخت دفن نشد در مواقعی که نشان قبراست دکنار خود درخت

گنج نشیں کتب نامہ

یا ۱۰ متر اون طرف تر نادگنگ کاسه کذاشت می شد که در جلوی دخت به سمت طلوع خورشید ۷۷ الی ۸۸ متر

جلوی قبریه صورتی که قابل تشخیص نباشد کذاشت می شد



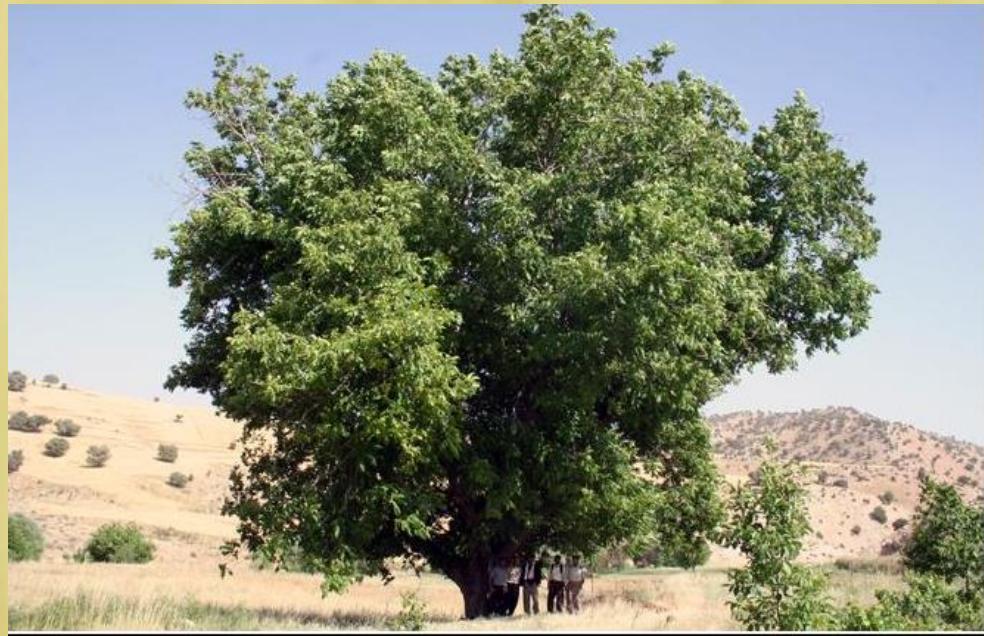
دخت کردو:

معمول ادخت کردو، دخت باغ ها محل های نزدیک مناطق مسکونی است. بجهت وفاصله نقطه ای که با توجه

کتاب نسیم کنچ نامه

نقطه درخت معین شده، قابل تیزی نیست. لکن با توجه حروف ابجد که در فرهنگ ایرانی غصری غیرقابل اجتناب به شمار می آمد، عدد ۳ بdest می آید (ج=۳) آنچه شخص خواهد شد قرار گرفتن دفنه در قدمی درخت بوده، لام است اطراف آن به وقت موردن بررسی قرار گیرد (درخت درخت سایه داری است و امانت در

زیر سایه حافظت می شود)



درخت سرو نیز در ایران به ندرت دیده می شود. این سهبل نزیر معنا هیمی مانند شفقت و محبتانی، رسیدگر دن،

بزرگ شدن و به تنی قد کشیدن یا مفهوم بلند قد نزیری تو اند باشد. درخت سرو هم در اسلام و هم در میسیحیت بر

کتاب نسیم کن نامه

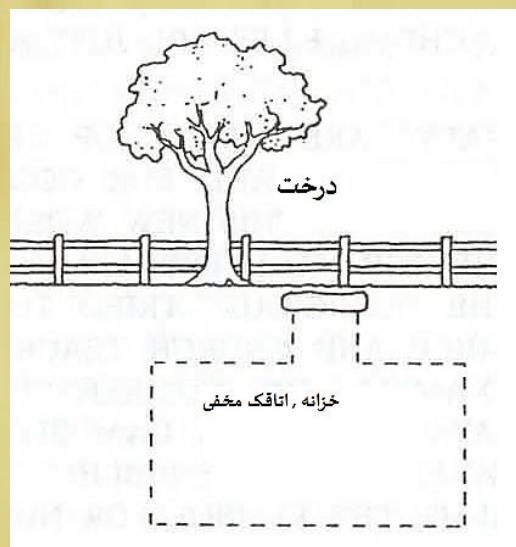
روی سک قبرهای عوام نادر مک یا فانی بودن استفاده می شود. هچنین در اسلام وحدانیت خداوند را نادینه می کند.

شیوه اول: وجود **درخت توت کنسال** در اطراف چشمہ های آب دیده می شود، میان چشمہ و درخت را معلوم

کنید و مابین آن را بگاوید یک خمره سک دوره اسلامی است.

شیوه دوم: **درخت انار** در کنار چشمہ های دیده می شود، ۵ کام سمت مغرب بروید و ۳ زرع آن نقطه را بگاوید.

آجری در صین خاری پیدا شود زیر آن یک کوزه سکه است.



شیوه ۳: در منطقه ای که درخت توت کنسال وجود دارد، سرگردان یک سک مردمی است زیربار و وجود دارد.

شیوه ۴: **درخت چهار کنسال**، مقابل دو شاخه آن را بررسی کنید قبر وارونه ای وجود دارد، در آن قبر بار وجود

كتاب نسیم کنچ نامه

خواهد داشت.



شیوه ۵: در غلب مناطقی که **دخت کردوی** کمنه وجود دارد پشت رو و حاذ سمت شمال ۲ قبری وجود دارد و سمت مشرق دو دخت چهار قدیم وجود دارد، پایین ۲ دخت بار وجود داشته و یک خم سکه است.

شیوه ۶: در غلب مناطقی که با اسم **پیر** مشور است در خان زیارتی داشته و یک **دخت چار بزرگ قدیمی** وجود دارد؛ و سطح دو شاخه دخت را در نظر کرفته و به اندازه مسافت یک تیز آنرا در نظر بگیرید و سکن خواهد

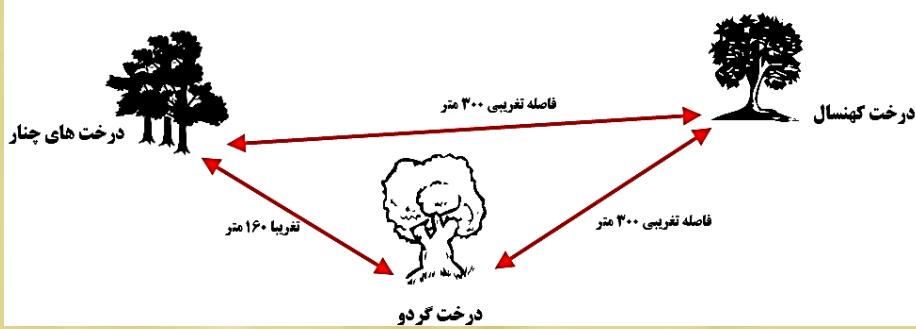
رسید که روی هم افتاده اند، زیر سکن را در زرع بگاوید بار وجود دارد.

كتاب نفیس کنچ نامه

شیوه ۷: درخت داغداغان جلوی امازاده ها اغلب دیده می شود، پایی درخت سکنی است که نشانه دارد زیر

گنگ خمره سکه بوده و عمق کاوش ۲۰ زرع است.

پنهانه گووه با ارتفاع ۴۵متر



شیوه ۸: درخت چنار در نزدیکی اماکن مقدس و امازاده ها دیده می شود، پایی درخت سمت طلوع باردارد.

شیوه ۹: درخت سرو در اماکن مقدس دیده می شود و طرف قبله زیر درخت یک خم باردارد.

شیوه ۱۰: در اطراف درخت های قدیمی، گنگ مرتعی و جاری شده می باشد، زیر گنگ را ۳۰ ارش بگاوید

شیوه ۱۱: چنانچه دو درخت قدیمی در کنار هم بوده باشد و در راستای شرق به غرب و یا شمال شرقی به جنوب غرب

باشد بسیار محظوظ شما می بایست به کنار درختی که به سمت مغرب یا قبله می باشد رفت و پشت به آن به سمت

درخت رو بروی گام بزرگ بردارید و جلوی دست چپ خود را به اندازه ۷ سانت و هدی کشید ۰.۵ متر خاری

کتاب نسیم کنچ نامه

نمایید که اگر دست نخورد بباشد یک دفینه اسلامی شامل یک دیگر سکه طلا و یا یک کوزه کوچک با ۱۳۵ سکه
دزیر یک خشت د آنجا نخواهد یافت که بعنوان سربار محظوظ می شود.



البته اگر کمی از درختان ۷ کز با جسمه فاصله داشته باشد یک قبر معم نزد دزیر آن می باشد و کرنده د آنجا دو محل دیگر
باید بررسی شود. یکی درست و سطح دفاصل دو درخت و نزد ۷ قدم از هر درخت به سمت قبله یا به سمت شماد

کتاب نسیم کن ج نامه

امام رضا (ع) و بتران است. عسانت به سمت بالای سروی پامین پا به اندازه عسانت به سمت پامین
خاری کرده.



در صورت وجود چنین قبری در آنجا، شما باید یک صندوق قل حاوی کتاب و یک خبر مرصع به همراه یک کوزه سکه
کوچک طلا بساید.

شیوه ۱۲: اغلب در روی امامزاده داده قدمی آن سک سفید رنگ که کودی دارد یک دفنه که شامل
خره سکه بود دفن می کردند.

کتاب نسیم کنچ نامه

شیوه ۱۳: در غالب دفینه های اسلامی روبروی زیارتگاه پشمہ و رو بروی پشمہ تپه دستی می ریختند و بالای تپه ۴

سک بخار می کذاشتند و دفینه را در زیر آن پنهان می کردند..

شیوه ۱۴: در غالب تپه هایی که بصورت دستی کار شده اند در آنها خواری گشتهای مکن است به خط کوفی ظاهر

شود که باید عرض کنیم یک نشانه بسیار محض بوده و دفینه در زیر آن سک خواهد بود.

شیوه ۱۵: در روبروی امامزاده ۷۷ قدم فاصله داده به سک کبود نگذی که **خلل شمشیر** روی آن دارد خواهد رسید

دفینه زیر سک بوده و یک زرع عمق بار بوده و یک دیگر است.

شیوه ۱۶: غالب در نزهه های حراب و آستانه بعضی مساجد قدیمی نیز ذکر می شود. بند و همکارانم شمارا از تخریب و

خواری در چنین اماکنی به شدت نمی کنیم زیرا اول بعضی جزو آثار باستانی و آثار ثبت شده علی بوده و در ثانی

بازی با عقاید و اعتمادات مردم عزیزان است.

شیوه ۱۷: در غالب امامزاده اطراف آن **درخت چاری** در نظر می کردند و به فاصله ۱۹ زرع پشمہ ای وجود

داشت بار در اطراف درخت بود.

كتاب نفیس کنز نامه

شیوه ۱۸: د بالای بعضی امازاده ها در ای وجود داشت که در آن دره تعدادی زاغه پلپ می کردند که رو به یکدیگر

بوده و در این حالت دفنه در زاغه طرف مغرب بوده و دقاوی سط زاغه بود.

شیوه ۱۹: میان تک درخت چهار بزرگ قدیمی باید نشانه روبروی او باشد اغلب بصورت علامم حیوانی مثل

شیر شتر و ... بوده و دفنه زیر نشانه دوم می باشد.

شیوه ۲۰: اغلب سایه درختان حائز اهمیت بوده در دختان کنسال بویژه درخت چهار روت شده است

عمده تا ۱۹ روز از عید کذشته و سط طهر سایه چهار هر کجا که بیندهان مکان دفنه خواهد بود.

شیوه ۲۱: درخت داغداغان اغلب در جلوی امازاده ها کاشته می شود، پای درخت گنگی خواهد بود که این

علامت ۱۱۴۸ را خواهد داشت دفنه زیر گنگ می باشد.

طریقه ۲۲: اغلب در روبروی چشمها معرفت ۳ گنگی رامی کذاشتند گنگ و سطی مثل گنگ صندوق بوده

اغلب نوشته خواهد داشت دفنه داخل گنگ بوده و عمدها چند دانه جواهرات و همراه لوحی بود.

شیوه ۲۳: در کنار بقعه های امازاده ها ۳ تپه وجود داشت که ۴ درخت نارون بوده و روی هر تپه یک قبر می باشد و

كتاب نفیس کنج نامه

دفنه داخل قبر باشد و خمره سکد است.

شیوه ۲۴: در زدگی امازرا ده **گنجه** با **گنجه** بصورت **مصل** بهم بوده و دفنه زیر گنجه باشد.

شیوه ۲۵: در امازرا ده **دخت آزاد بزرگی** بود که روبروی دب مشرق ۳ ارش از دخت دور تر باید فاصله کرفته و ۲ زرع قدیم بجاورد.

شیوه ۲۶: اغلب در **چشم قلقل** بالای چشم ها گنجه به شل صندوق بود که نشانه سینی و فوجان بصورت کنده کاری شده بود و دفنه که شامل جواهرات است داخل گنجه قرار داشت.

شیوه ۲۷: در مناطقی که **دخت سلب** وجود دارد سمت قبله دخت ۳ قدم فاصله داده پا به زمین بزنید صدای آتاق ک خواهد آمد و دفنه در آنجاست.

طریق ۲۸: در مقابل **دخت لیس (دخیل)** ۳ قبر وجود دارد قبر وسطی را بجاورد به میز می رید.

شیوه ۲۹: در تک **دخت آزاد** همیشه سمت قبله از اهمیت ویره ای برخوردار است و دفنه نقطه می تواند باشد.

شیوه ۳۰: در دخت قدیمی که در کنار امازرا ده یافت می شود همیشه ۲۰ قدم فاصله داشته و اهمیت دارد و یک

كتاب نفیس کنج نامه

گنگ مربع روی زمین خواهد بود که زیر گنگ است.

شیوه ۳۱: در دخت خار که اغلب قدیمی بوده سمت مغرب از اهمیت پیشتری برخوردار است.

شیوه ۳۲: در بعضی امام زاده های فاصله ۱۸ زر عی آن درخت قدیمی وجود خواهد داشت در این حالت ۳ زرع

طرف شرق گنگ را ۲ زرع کاویده شود به دفینه خواهید رسید.

شیوه ۳۳: اغلب رودخانه هایی که به اسم سفید مشهور هستند ۵ قدم از چشمکه کذشته سمت قبله ۳ گنگ بالای یکدیگر وجود خواهد داشت و دفینه زیر گنگ بوده و خمره گنگ است.

شیوه ۳۴: صدقدمی امامزاده هاست مشرق را در او لویت داشته باشد اغلب گنگ تراش ها در این فاصله قرار خواهد داشت و گنگ خونک هم می تواند باشد که ۳ گنگ مشکل یک تراش را می دهد و یکی طرف مغرب بوده ۳ قدم از سر گنگ فاصله کرده بگذارد و مکان ته نشین می رسید دفینه آن جای است.

شیوه ۳۵: اغلب سر چشمکه ها گنگی بوده به فاصله ۵ قدم به سمت مغرب که مردم با آن چاقو تیز کرده اند و آنرا

گنگ چاق می کویند دفینه زیر گنگ می باشد.

کتاب نسیم کنچ نامه

شیوه ۳۶: دو درخت مازو (درخت بلوط مخصوص جنگل های قفقاز و خزر) در اطراف امازاده هایافت می شود.

پهلوی ۲ درخت سمت مشرق را ۴ ارش بجاوید به خمره سکه می رسد.



شیوه ۳۷: در اطراف بقعه های امازاده ها اغلب تعداد ۴ درخت شمشاد وجود خواهد داشت، و سطح درخت

یک دفنه خواهد داشت.

کتاب نسیم کنچ نامه



شیوه ۳۸: در چشمهای مشور پشت چشم دخت توت قدیمی در نظر می‌گرفتند و پهلوی درخت سگ سیاه

بوده زیر سگ یک آتاق مخفی تعییه می‌گردند و دفینه آن هم نیمه سکین بود.

شیوه ۳۹: تک دخت قدیمی اغلب در کنار چشمهای قدیمی یافت می‌شود، در این حالت باید سمت مغرب

درخت را ۳ ارش بجاوید. دفینه آن شامل یک خمره سکد اسلامی است.

شیوه ۴۰: تک دخت مازو در دفینه های اسلامی نیز از اولویت برخوردار است. سمت قبل دخت را ۲۰

قدم فاصله داده و ۲ ارش بجاوید.

كتاب نفیس کنج نامه

شیوه ۴۱: اطراف امامزاده های فاصله ۷۰ کز طرف شرق په کوچک رینخه شده است. تخته سنگ سیاه رنگی

بانشان روی قبر بوده عمق دفنه ۳ ارش بوده و یک خمره سکد است.

شیوه ۴۲: دخت چهار بزرگ و کوچک دکلار هم جزو نشانه هاست، از دخت بزرگ رو به قبله ۳ زرع فاصله

گرفته و همان نقطه را بگاوید. دفنه شامل خمره سکه است.

طریقه ۴۳: دخت افرا نیز جزو دخانی است که دفنه اسلامی دارد، زیر دخت یک خمره سکه است.



كتاب نسخه کنج نامه

درخت و قبر
پالن



Dafan

علامت در آمده در داخل قبر بدین شکل اگر در روی سبene علامتی باشد به این شکل به این صورت که باید جنازه را برداشت و به زیر آن نفوذ کرد و احتمال ورودی با جنس مزدگانی که زیر همان سبene قبر باشد که علامت وجود جنس در اطراف همین قبر سنگ کاسه است که داخل آن یک علامت مهم می باشد، سنگ یا قبر می رسیم که ورودی اتاق یا قبول است و از آنجا وارد محل دفنه می شویم.



کتاب نسیم کن نامه

جای زانو



جای دو زانو باید رو به قبله و باخاک ۲۵ سانتی متر فاصله داشته باشد و برای پیدا کردن دفنه زانوها را در جای زانو گذاشته و متوجه می‌گیم هر کجا پیشانی به زمین برخورد کرد دفنه آنجاست و یک خمره بزرگ است.

نشانه اسب و سک در قبرستان دیده می‌شود، عدگنگ مثل اسب و سک دارد زیر هر یک را پنچ ارش بخاورد

سکه محمد شاه تیموری یا کورکانی است

نشانه شمشیر در بالای سینه کشی کوه دیده می‌شود، در ۵۰ قدم بالای آن سگ سرخ دوری وجود خواهد داشت، زیر

همان سگ سرخ اگر کاویده شود دفینه یک خم سکه محمود شاه وجود خواهد داشت.

کتاب نسیم کنچ نامه

دفینه های مربوط به وزیران (وزیری):



این نوع دفینه ها مر بوط ب وزرای مختلف در زمانهای مختلف اسلامی می باشد که در انجا از آوردن اسم وزیر شرمنده بود فقط به نوع دفینه کذاری خواهیم پرداخت.

شیوه اول: بعضی مکانها در بعضی کوه ها که تخت است بعنوان آستانه مطرح می شود اغلب در طرف آن دفینه کوچک می گذاشتند و دفینه اصلی یا همان وزیری سمت قبله بود.

كتاب نسخ کنج نامه

شیوه دوم: اغلب در سر دروازه قلعه هاست مشرق و سکم می‌گذشتند به رنگ ابلق که رو به قبله بود و یک

سکم سرخ رنگ که رو به دره قرار می‌گرفت و روی آن سکم نشان می‌گذاشتند و نشان آن ۳۰۰۰ الف می‌باشد.

دفنه زیر سکم بوده و یک خمره یا یک سکه بود. عمق کاوش اغلب ۴ متر بود.

شیوه ۳: داغلبه پل های مشهور چشم و جود داشت، از راه شاهی (مال رو) سمت قبله رو بروی چشم سکنی سرخ

و سفید بخار می‌گذاشتند و همان نشان ۳۰۰۰ الف را روی آن بصورت حکاکی حاک می‌کردند و دفنه را زیر سکم
پنهان می‌کردند.

شیوه ۴: اغلب در قلعه های کبری از درب اصلی قلعه که دروازه نیز بود ۲ سکم در نظر می‌گرفتند بالای قلعه که

رو به درب قلعه است روی سکم نشان و علام قوه جوش بصورت گنده کاری می‌ساختند و دفنه را زیر آن
قرار می‌دادند.

شیوه ۵: در نزد یک رو دخانه های قدیمی تک درخت چهار رابعوان شاخص در نظر می‌گرفتند، سمت مشرق

درخت را به فاصله ۲۰ کام فاصله داده و یک سکم که سُلْخ خوش بود می‌ساختند و در آن نقطه قرار می‌دادند.

كتاب نسخه گنج نامه

دفینه زیر جان سُنگ بوده و یک خمره سکه است.

شیوه ۶: نشانه اغلب دسرچشمہ هارویت می شود و اگر یک زرع زیر سُنگ کاوهیده شود به دفینه نشان که یک کوزه سکه بوده و امانت وزیر می باشد می رسد.

شیوه ۷: اغلب دفینه شتر سُنگ زیر آن بوده و یاده قدم طرف قبل را فاصله گذفته و ۳ ارش آن جبار ابا کاوهید یک گیک امانت وزیر است یا پهلوی شتر را رو به قبله ۳ ارش بجاورد دفینه خوبی دارد.

شیوه ۸: نشانه ۴۰۰۰ میم، این نشان روسی سُنگ سیاه سر راه آبادی ها و ماروهای قدمی دیده می شود، اگر هفت ارش زیر سُنگ کاوهیده شود به دفینه آن که امانت وزیر است خواهد رسید.

روایت گنج اسلامی و قبل اسلام:

از عجایب اسکندریه، منارهای دیگر است که پایین این مناره، سکنی است منبع، ترشیه شده. در بالای این مناره،

مناره دیگر، مشمن گذاشته آند و در بالای این مناره مشمن، مناره دوری گذاشته آند. طول مناره اول، نوادزارع

است و طول مناره مشمن نیز نوادزارع است. در بالای مناره، آینه ای است و موکلان در آن بالا نشسته اند

و به آن آینه نگاه میکنند. خاصیت آن آینه، آن است که اگر لشکری از ولایت روم در کشیها نشسته به طرف

کتاب نسیخ کنح نامه

اسکندریه آیند، موکلان در آینه، آن کشیهار ایده، اهل اسکندریه را خبردار می‌نمایند تا مستعد جنگ و مقابل کردن داین آینه تازمان خلافت ولید بن عبد الملک بن مروان باقی بود و پادشاه روم، حیده نموده، آن آینه با آن منار خراب نمود. تفصیل حیده آن است که شخصی از بزرگان روم را به سرحد اسلام فرستاد و آن شخص به اسلام چنان نمود که من از ملک روم گریخته ام. اهل اسلام او را پیش و لید بر داد و به دست ولید مسلمان شد.

بعضی از دفاین پادشاه روم را که در زمین شام بود بیرون آورده ب و لید داد و به این جهت در پیش و لید مقرب و معتمد کردید. پس از مدتی ب و لید معرفت داشت که چون اسکندر برملوک مصروف شام مستولی شد و خزانی شد از دست اورسید او را در زمین اسکندریه در میان سردابه‌های فون ساخت و در بالای آن سردابها، مناری را که آینه در بالای او نصب نموده، ساخته است.

ولید به طمع مال، حکم به تخریب مناره و آینه نمود. شخص رومی چون آینه را خراب و مناره را نصف نمدم نمود، در شبی از شبها، سور کشی کی که آماده ساخته بود، شده فرار به ولایت روم نمود. و این مناره در زمان قلعه‌ای است عالی مشرف به دیه، میانه این مناره تا دیگر میدان اسب راه است. و در این مناره و حسن، پله‌ای و سیع

کتاب نسیم کنجه نامه

هست که سواربانیزه تواند بالا رفته و بعضی از جاهای این پلها را میگذرد. یک پارچه گلک کردند و به پلهاشی
گلکی کرد مناره است جاداوه و استوار نموده اند. از آنجا باز به طبقه دیگر بالا میروند. و در میان مناره، قبه ای

لطیف ساخته شده برای دیدهبان و مستحفظ.

روایت شده، چون عبد الغزیر بن مروان حاکم ولایت مصر شد، مشائخ آن ولایت را جمع نموده گفت: میخواهیم
که اسکندریه را چنانکه سابق بوده آباد نماییم؛ شما بر قوت و مردمان به من اعانت نمایید و من به دادن مال شما اعانت
نمایم. پس، مردمان مصر از او، هملت طلبیده به قبرستان قدیمی رفته و کله آدمی بیرون آورده، بالای عراوه
گذاشت، پیش عبد الغزیر آوردند و فداخی از فداخهای آن کله را کشیدند. با وجود آنکه پوییده و خراب شده بود، ده
رطل - که دو من و نیم تبریز، تخمیناً باشد - گلکی آن فداخ بود. پس، مردم مصر به عبد الغزیر حاکم خود گفتند که
اگر چنین اشخاص قوی جهای پیدا شوند، شهر اسکندریه را به حالت و عمارت قدیم توان ساخت.

گنج نسخ کنچ نامه

گنج فارس:

دار جان یاد آن گذشت. اصطخری میافزاید خالص آن را - مو میارا - به شیراز بیند و آن جایگاه را بثوند و با آن آب شسته شده خمیر سازند و با خمیر باقیمانده د آن، چیزی سازند و بعوان یا نک مو میا است، سیرون بزند. پس آن خمیر یا یک که در دست مردم میینی از این است و خالص آن، جز دلخیزه های پادشاهان، یافت نشود.

گنج رومیان:

چون دین اسلام قوت گرفت و مسلمانان در محابه مظفر شند و شهرتی گرفت لشکر اسلام هرز خمی که میزند کارکر می آید و پیچ زخم تین و تیرو تبر برایشان اثر نمی کند، رعی و ترسی هرچه تمام تبر اهل روم افتاده و هرچه از زر و سیم بود، جلد را دغفنه ساختند و گنجامه ها بتوشند و به قططنه رفتند که شهری بغايت بزرگ است و نعمت فراوان دارد و از ملک عرب دورتر، در صالح دیا و آن گنجامه ها را در صندوقی محفوظ و جمع کرده و غالب خداوندان اموال و دفاین غایب و متفرق شند یا بر فدیا وقف دیر قططنه که رفتند و این زمان هر که یک سال خدمت آن دیر کند، بعد از یک سال، اجرت او آن باشد که در صندوق بگشایند و گنجامه سیرون آورند و بینند که چند است و

گنج نامه

د کجاست، به آن کس دهنده این معنی شرطی دارد.

در روم مو میانی بشری که آدمی مرده را در گور به میان عمل نهاده اند، بسیار میانند و در شهرها و ولایتها مصراز قبور

قدما همچنین فراوان باشد و این زمان بعضی اسلامیان در مصر و بغداد استند که وصیت میکنند که ما را در میان عمل

دفن کنید تا مو میانی شویم تا راحت مردمان باشد که رنجورند، از آن بهتر است که در خاک پوییده و گندیده شویم و

کرم در تن ما افتد و پویم.

گنج شاه نعمت الله:

گنگی دیگر است در میان ده، در کار راهی که به کردنه شهرستانه موسوم و به توی و سرکان میرود. آن گنگ را

ترآشیده اند و عمقی در آن گنگ قرار داده اند و در آن عمق، چند سطر خط به حروف مقطعه نوشته شده و هر یک از

آن حروف به صورت پیکان است و بسیار قدیمی است و حال در روی زمین دیچیک از طوایف مختلف،

خطی به این اسلوب نمیباشد و داینی قدیم نزیر یچکس بدین سان خط سرانغ نمیدهد مگر در کرمان در بالای گنگی که در

شاه نعمة الله گذاشت شده. و در این عصر و این گنگ همان موسوم «گنج نامه» مقبره است.

گنج نشیں کنج نامہ

گنج قوم عاد و حضرت سلیمان:

دز میں عاد، دو قصر باقی است. و چنان کویند کہ چون معاویہ، عبد الرحمن بن حکم را بروایت یمن والی ساخت، خبر آن دو قصر را به او گفتند و چنان مذکور ساختند که کویا کنجی در میان قصر پنهان است. عبد الرحمن را دیک طمع به جوش آمد، با صد سوار، حازم تماشی آن دو قصر شد. چون، نزدیک دیارید، زینی شورخوار و آثار چاه عمارت قدیمه بسیار و قصری متین از گل دید که در کنار دیا ساخته اند و در گلی از آن قصر، ایاتی چند به عربی مکتوب شده بود.

ز قصر اول بتماشی قصر ثانی رفت [و میں آنها چهار فرخ مسافت بود]. در حوالی آن قصر نیز آثار آبادی دید و آب دیاقدری از آن قصر را گرفته بود. در گلی از آن قصر، ایات مکتوب بود.

گفته اند که عبد الرحمن بن حکم پس از تماشی قصر را به جایی که خزینه و گنج نشان میدادند رفت، غواص برای سیرون آورد و آن خزینه به دیانداخت و کوزه‌ای مسی که دهن اور را باس گرفته بودند، سیرون آورد. گلی عاند که در میان آن کوزه، مال است.

کتاب نسیم کنخ نامه

کوزه های بسیار به این طریق از دیا بیرون آوردند. سرکلی از کوزه ها را باز نمودند. جنی از میان آن کوزه بیرون آمد و گفت: ای پسر آدم، تاکی مارا حبس می‌مایی؟! راوی نقل کند که مارا تعجب از این حال پیدا آمد. هاگاه ملاحظه نمودیم که سیاهی غطیمی از جزیره که قریب به ساحل بود پیدا شد و خود را به آب دریازدند. وابهه بر ماغله کرد و منتظر شدیم تا حقیقت معلوم شود. هاگاه دیدیم که میمون بسیاری، از میان دیا بیرون آمدند و یک میمون بسیار بزرگی که در گردش لوحی از آهن بود، پیش آمده، لوح را به دودست خود گرفته، بهمان نمود. و آن میمونها فرع و جزع بسیار کردند. چون به لوح نگاه نمودیم، دیدیم که به خط سریانی نوشته اند به این مضمون که: این نوشتة ای است از سلیمان بن داود - علیه السلام - برو میمونها یکی که در این جزیره ساکنند و امان داده ام من این میمونها را از هر انس و جنی، و حکم نموده ام که مستحظ شیاطینی باشند که در کوزه های مسنه محبوس نموده ام و به دیاند اخته ام و هر که اذیت کند این میمونها را من از او، بری میباشم.

راوی گوید که عبد الرحمن خواست که این لوح را از آن میمون گرفته، برای معاویه به شام فرستد. چون، میمونها این معنی را یافتد، به کردا، در آمده صد های ہولناک نمودند. بر عبد الرحمن ویاران، ترس غالب شده، لوح را رد نمودند و میمونها به جزیره خود فرستند و عبد الرحمن معاودت نمود.

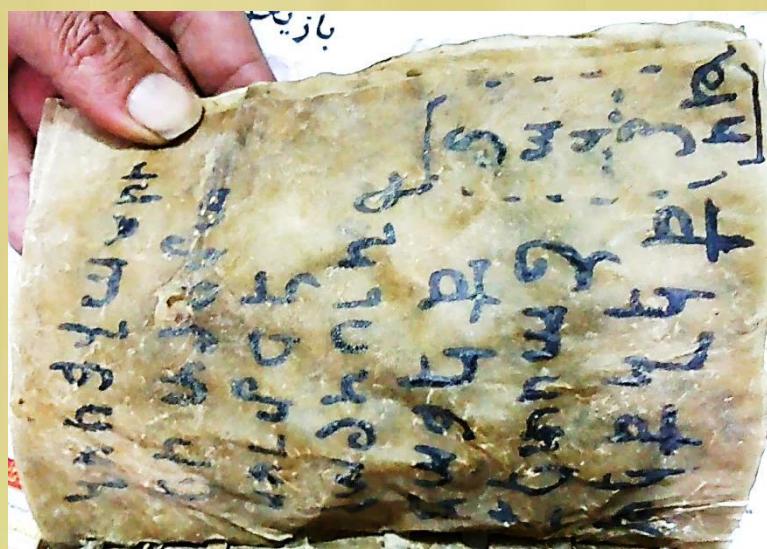
کتاب نسیم کنح نامه

ذکر جایی که دفینه باشد و عالیم مربوطه (از نسخه خطی لندن)

ادش نامرا شاید بجای او روندی و برخی از آن درین خصوصیت کویم در ذکر خواهی
که فیض شاه سرزمینی که در وکیلی میگذشتند باشد آباجان برف بیانید و گذاشته و دوچن
ز منی خوابی میگذشتند و اندران زمین سرمه علیه رسته بوده بدهاکه این دفینه است و دوچن
شیخ بخدمت سپندی ایشان خوابی خان به ان کوه که از آبدانی دور باشد بدانند که بجا
و خصوص است و دوچن زمین شوره ناک میگذشتند و در آن نهر کم دست کاو خاک خوش باشد
بدانند که ایجا و فیض است و دوچن انبوی کرکی سپند بی آنکه مرداری باشد
بدانند که ایجا و فیض است و دوچن تدریز و یاران پیچاییه فروزه آنند و دشنهای
کند البتہ فیض شاه باشد و دوچن از جمله شاهی درختی که میباشد و بجانی توهم خود
بدانند که در آنی دفینه است و سرکه زر را بی ایکه در ظرف میین کند یا خرمه یا در آنچه
محبان در زمین سپان گند جون بدها زیانی بربر آن رو و رز را این بدیند از که برآورده
نهر و باشند بلکه برسن فزو رفتة باشند از نهر ایکه نزک را نت سر و ز فرو تر میرد و
تمام برسد و اندوز قوت نز حکایت بسیار است و این علم حکایت آورده به
که روزی چاهی پسر شاه اوزیش و این عادل را با تراشید گفت ای خدا کمال عالم
و خضرتو در این شاهیه بین ده تا من دل ترا از هر قدر فانع کرد انم تو نشیش و این با تجھت
که این یهدیک دیوان شده است لیکن از هم لمع جواب نداش جام موی برداشت و به
ادش و بو ز هجر را بخواهد و این حال را با وی یکفت بو ز هجر سه بو ز و تا جام را
اور و ندو در همان موضع گفت موي پسرم ابره ارجون مس موی سربو ره هجر را جوشت
برداش که خدا یکه ایکه
بو ز هجر پادشاه را گفت که نوبت دیگر در محل دیگر پسر خود را بد که موي یهدی
جنان که دند جام سچ نمکفت بس بو ز هجر بخواهد و تا آن موضع که جام پایی بران داشت
که نه حبندان مال و کنیا فستند که نهایت آنرا بخواهی دو جمل کسی نه ایست و از دی

کتاب نسیم کنج نامه

و اژدری بر سر آن کنج که آز اسند اس لاز گوند و آز ادویه دود
بجن عظیم بوز رجیب فرمود که آن اژدر را کشته آن کنج را معرفت شدند و
بوز رجیب را اون شر و آن کفت کرد ای خداوندان و فر جام غمی کفت که آن
کنج از میکفت و صورت آن کنج و آن اژدر و جام امیست و اسد اس



كتاب نسخ کنج نامه

الکن اپ دس نیم عجیب الصور المقصوّة المفقود وصفت و
 باکنده لصور تما بساد کرد و آن از هر مو اخذ شد ازان بست کرند جانکن سار
 صورت بشید زکر و از سند کر می یعنی آن به مید بگیرت بسب کر که را رسیده گفت
 این صورت هم حبس میده که تو و اسب تو سار اسید بنا کن من و چون من محظیات
 شوید اما بعد اینکه صورت ساخت و است ولیکن در لاما تاثیر کرد اپکندر را آزاده
 که ارس طایلی سیاه میند و میان ایشان صافی و در بیرون و تا صورت دیر بگاشد
 و در صورت اونکا و کرد و چویی اروی به مید میام و رستاد و را کن پوسن اعراه
 ب زاده و اباب رستاد که بپس من از زی مراد است که جان نز خطر است مر از نظره
 اباب آشیه مردانه در میان صد بله آخوند مرک و فنا بس بیونه و تا صورت اپکندر
 کشیده نم در حشم او حولی و دید میام رستاد که حر حاشیه خود را باز و بخی تاول بردا
 جواب و اد که حول من از رسیده ای نظر کرد و نظر در کتابه داد و از من مو عطا اکر زمانی
 دست از انباء در جواب رستاد که از نای باخول به از سپکوی باجل است و کوئنه
 که همکننده صورتی و زاجری را بستاد بجا ز و بیونه و تا صورت سپکر را صلی مدعیه و آن
 سکنند و زجری بر بند و در حبسه و هند و جون باز کرد و به نه ملک یعنی زجر را گفت که هم زبر
 زوی گفت سچ نیام نم صورت سپکر را ص بخود ملک یعنی صورت و پر ابر باش رخاد
 و در این تأمل میکرد زاجر گفت ای همک کار شنیده بله کم و گفت سچ نیام فتی این ایکا
 میکوی گفت ایچا که صورت او را پر مالین نمادی کار را بنا کرد و جان بود که ایکفت
 و نک صورت الاین را صد اسد علیم شی گفت که ایا بکر مار ای ایچ کیش
 بلک روم رستاد برسی بون ما هر در قفردی رسیدم پیرتری بخشم بلک کس رستاده
 مار ای عقر بر و بیان ایچ ایها / بعد از ده ماه مار ای جاذت دخل و اند و در عایی
 ایما گفت که این بعد کلد و بک شما گفتید کفیم اسد ایکر گفت ایکله هن فاید کن کفیم فایی

کتاب نسیم کنج نامه

از زندگانی را داشت که هر جا که شما از یکی در راه بگویید سخن خانه شکافه شود که گفته می‌شود
 چون تکفت از زور کرد سمت این یکی بگفته سخن او این من شکاف کار شد که گفته در واقع
 همان شکافه اما خانه دشمنان را بسیار فرا رسید که رسول شما احمد است که گفته بمنی
 صندوقی سرمه آهی در این درجه باشد پس از این کلیش دو پارچه و یاری بخواه بران صورت این
 پرسید که این صورت چیست گفته صورت ادم صنیع عیاد اسلام و بعد از این از مرد پیغمبر
 صورت کیا باشیا را پسر اون را اورد تا حریری خود بران صورت حضرت پیغمبر مصطفی علیه
 السلام و آزادیم ماجن صورت آنحضرت را بدید گفته چیزی که گفته این صورت پیغمبر است که
 اگر این پیغمبر را تدارد اینان پیغمبر عیاد اسلام بنگاشته و من اینان در این دوره ام ولیکن زنگنه خوانی
 و خاره با جریان عالم باز کرد اینکه فرق طبله مسد ایشت و برگرد آن حصار حسین و در اینجا ایشت
 کرد و اندیکی دیگر است برگوش خود نماید و آن بدل است که آذان نیکوید و صورت حضرت
 پیغمبر مصطفی عیاد آزادیم و گفته که مرگ این صورت عصی حد اشود و داد اینکه عالم تباوه
 کرد و داکر عصی و گیرید اشود جبار و داکن عالم فنا شود و در سراسر امران صورت دیگر کرد و اند
 سواره و هم ابودست و بر اثری رزده و بادی در آن چیزی که نیکد کشان صورت علی این لی طابت



کتاب نسیح نامه

و اهل فلسفه آن خانم را کاهه و ازد تا علیلی و این رنفه و سام بیهوده کوید یک
 فلی انجاز سید آهنی بران صورت زده از زر تا بش رفاقت برگردید و یه
 سر زار آهی مرده و از زیر کل پردن اور زند پرس آن خانم را خایی کرد و آن غصه ایها
 که کپس ها ان رنفه و اهل فلسفه کویند که عالم مسورد رکفت حاتیت است که
 بلکه از این که صورت داشتنکه علم خواست کرد و احمد عسلم العواب دینهم الاب
 فضل شیوه صورت المیزه دعافی و یکمای دینهم در صورتی های غصه که در طلبها کار زد
 تا به این که پرور و کار نشکار ز امام کرد که جنین حسنه ناکن و تو از از نقدت غالی
 نه از نقدت محلوق جنانکه کتابت نه از تهم مبنی بلکه از کتابت دانی و اعلم عده احمد
صلی بد انگلکه اخراج صورتی کرد و اند و بعینی در پرسنیدند و سبب آن بود که جون سنت
 علیه السلام باسان رفت و براست کردی بود از اند و فراتی دی تمثیل پشت
 بر صورت او رسی پیغما از زده بپن و بر علی شنا د و سر زد و برا عجده کردی عجی ز دنیا
 رفعت کرد ش کر و این دی بران سنت قشند و بران قرار کر ش کاره علی غصه یم و رجه
 از هر چهار غصه پداش و **حکایت** کوئن که بر زکار رسرو نی ارشید مردی باید دستوری
 خواست که پا صدم من عود و دارم و میخواهم که در کسبه سوزانم هر دن خوشت دل شده
 بر دی شاکش امام مجبن او رسی لی شانه خاطر بود رکفت ناکره کفت هر چهار
 اسال با صدم من عود مسرو دیل دیکر جهاد من دیسال دیکر صدم تا پنجه
 روز کار برای دید و از کوئن که بیه اتش خانم و ده هر دن ارشید بر این عقیق بقی آمد و این
 را کرفت ش تحقیق بحال دی که بجوسی بود اتش پرست و برا علاوه کرد و دی اعدام باقیها
صورت برگشته اور صد و تر کپستان صورتی کرد و اند برگویی ایستاده دست بر دینهای
 جوں خط شود کو دکان انجاز نهاد و آب طلبند آن صورت دست از دهن بردا ر د
 آبی عظیم خیزد از دهن و یه و مجاپ از آب کرد و دیکپس که بیشاعات او امده و دست از دن

کتاب نسیم کنچ نامه

بود از شتر تله کت را بوبی دمند و پس از دی پوزنگ روی تا فطا زیگر آخوند کار کردند
صوت نمایه در مده دستان صورتی
 کرده اند و دوست در هو اکره دوازد
 دهنه وی آب بخواره هی آید یک
 تیر پر تابی با لایق آید و بعده اذان بر زن
 بست بیزند و در حصن سجح مش دار
 در صحن اهل آن کشته هم یار او را خسته
 دوازند و آن صورت بیت صورت

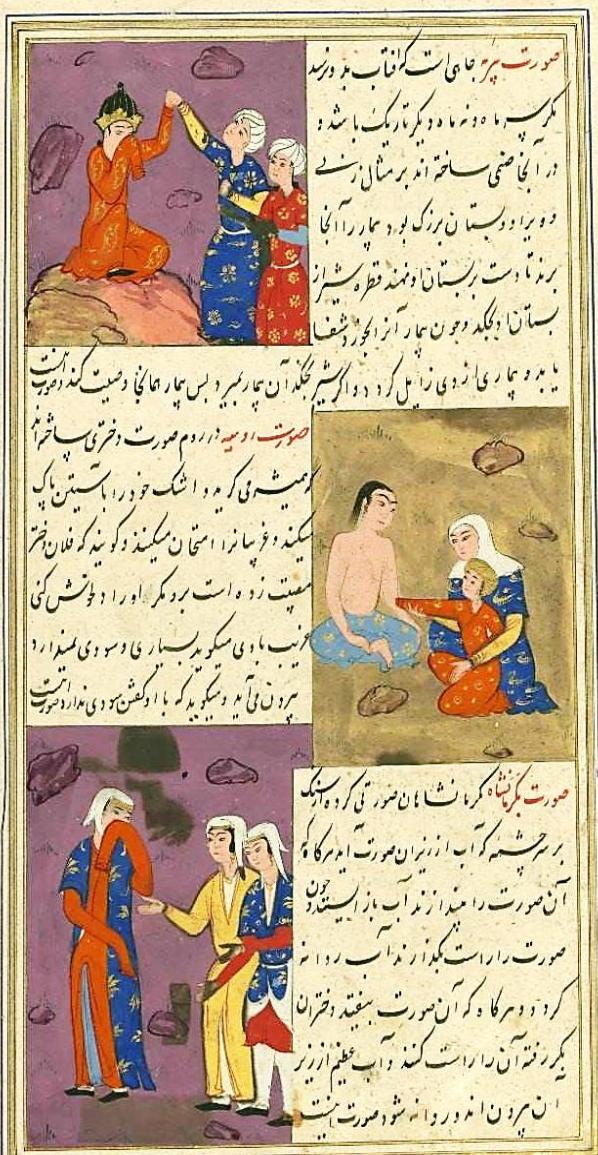


آند پیه مر کهن المهدی که دهان پس منع شد
 دیم پسین رسم کوی شاده بر تک قدر کی
 ایستاده و دوست جب بود اشته و بینی
 دو چشم دی نوشتند که ازین پیشتر مرد و که
 راه نیست و آن صورت بیت بیت



هوت نمایه همند دستان خانم ایت پینکن
 از آن صورتی کرده اند که گفت بر روی
 خود نداشته و دوست دیگر آن را خوشت
 هر که خواهد کرد وی اور دیند چیزی
 در آن داشت او که در هو است هند
 آتا دوست از دی چیزی پسندی خوب بردار و دوچی
 پری خشته اند و بعد را برداشده هم بیت

کتاب نسیم کنچ نامه



کتاب نسیم کن نامه

صورت هم در سایه مهر می ساخته اند و بزر
آن صورت زنی شسته باشند اشارت
برآورده میکنند اگر مرغی بر سر دی شنیده باشند
وی بسوزد و بر زیر افتد مردم که از آنی که زند
از زبرد از ندانی پیش را بارافت بزبر غلط
تفسب کردند که آتش بمالیزد و مرغ از هموزد

صورت ده صورت هشت هم



در مذکور استان شهرت که از ازا
لکب خواند در اینجا میگوییست هر چنان صورت
بعلی افرازند بالهاتک شاد و که از ازا
کرد و هر کماه که از اهم و دھرم شود دچمهایت
در زیر آن عدو و آن بظاهر آب احشیه در باز
عمرد و در کسر قوه و سوراخیت در آن سوراخ

ریزد و اسال و یک از این عدو میرو و شرکلار آن **صورت هام** در مذکور است در آن کوه صورت
آب کهایت بود صورت هشت **ه** کو غذنیت از شنک سر کماه که کسی شنده شود بجا

رو د و هن بر هن آن کو غذن شدند از هن کو غذن
آب روند از هن تا کم سر ایشان شود صورت هشت



کتب نسخ کج نامه

صورت بمندستان کوییت بران صورت دو شتر کرد و اند آنها من مرد را بروان شد و دو شتر را بجانات از آن آب برده و آبادان نباشد تا محبت افشاء و ده من مکشیر را بشکشد آب دی باز ایستاد و ده من دیر از زر کردند آب نماید و آن شهر ویران میاند و آن صورت دیست



صورت فرون بقر و آن خانه کرد و اند پس نیکن و تکن از فرزند و زر و آن صورت چینان چینان کرد و اند از جمله هار صورت تکاشته دست در دست کرد گیر نهاد و ملکی کر سخن می کویند ناسخوم داشیان جان نمود کویا اند و پس علت اگر از این دایم میرت



این محتدار کشیده از صوره فارغه این آنست که مانیه کمحبت کسیجا نه
و تعالی آدمی را افزیده که بحیات چین صورتی داشت و اند کردند و اکرین جلد را داشت
نقش کرد و اند از صنع آنند که ربو و داگر درون گفت اند داده بران بران بران
بنز دو پنجه گفتند نقش کرد و ایم واله شده علی الرا وی لا یعلم الغیب الا ایم

کتبِ نفسیہ نامہ

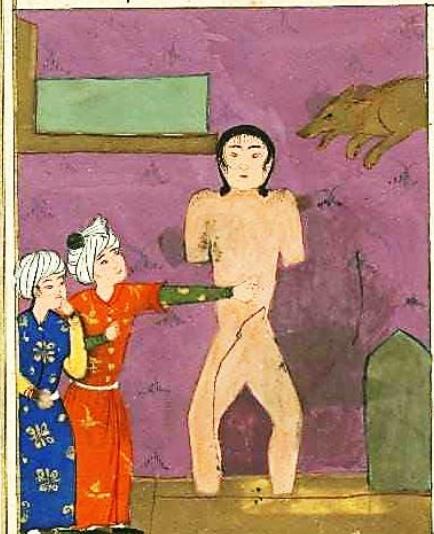
فصل شیء ذکر القبور و عجایب امام زاده ازین با کنیم مبور اینسا و ملوک را
در آفاق تاریخ اندشت کنند و به اندشت عاقبت ایشان مود و خانگی کوئند افزایش
الام الحمد و المثلے از عیسی بن پاپ عذر سیدنہ که بترین معنویان که ام است گفت
این اعفای اطمینانی معتبر الامور است شفعت بترین دعایی است که در گوران نگرند
و ما اول کوری که یاد کنیم امیت که مکرور میشود در قدر حضرت آدم ^{علیه السلام} که بر حضرت آدم صفت
در روایت سر اندیمه است غی در بردی و بردی و بایان وی در حضیرت شیخ چایی و راه
دارد و ماهیان که دوی طراف میکند جمیشرش است و آن یعنی که خشکی است کنین
برسید که در جای بند و منع است و اکتوبر اینی در کوره ایفت و حال پسند شود
و بقعد ریا فزور و حضرت آدم علیه السلام دوی بترش کرده است و دوستی برداش
و دستی رزیخاف و ایشان روز اشارت به این مکانی که زبان و لشون خود را نگردیده
و در خرا که هاست که حضرت آدم علیه السلام روزی شسته بود و از فرزندان وی طلاق
پای بر سلوی آدم نماد و چون زدن بان بران برآمد کی کفت یا آدم این طفل باشند
میکند و توکلی و میکنی کفت من بچ نمی بایم کفت که من از مک و کت که کرم مک نمیکند
و در سر آن کردم ی ترسیم که اکتوبر نگویم و بمال من شود و بد انگرد در بایان پسر اندیمه
امیت پسیاوه برس قدر حضرت آدم درخت بزرگ بارا و عذاب را نموده از ایشان
برکت امشد باران صدر آر اقر و نالا میکند ترسیم که او متواتر بپس بر برگرداد
خواهد رفت و آن آب چی میکرد و دو صفتی داشت ایشان نیزیم از آن آب میخورد و کرد
برکت دی صندوق تهاده اند و حضرت اکبره اند و مصطفیان ششته از مسلمانان دکافز
و جسد و دنمارے و مدد و کردا آن بکر دوز را که مر نموده که کروان کرد و برند شود
و در صومعه نشیند ولدت دنیا بر دی و ام کرد و تا عیار و داین کوئی بر لب در بایان
ارشمان کو و قافت و ایشان طفلات و ایشان عالم و احمد نیاشیه علم

کتاب نسیخ کنج نامه

در صفت خرست داده علیه السلام کور حضرت داد علیه السلام بیت المقدس است نزدیک
 کور حضرت ابراهیم علیه السلام و از معرفه داده علیه السلام بوی شنک چی آید و سبب
 آن بود که داده علیه السلام علیکی داشت غشم و عنی سمر وی با خبر پرسید ملک الموت آمد
 بصورت مردی و بازن داده ششته عنین یکفت داد پسیمان علیه اندام گفت شوهر
 من غنوار است دو رشتن کاره داده رسید ملک الموت کوشش نداشت وی رفت و می
 گفت اینجا پا کاره داری ملک الموت گفت تکه ترا بدای مکه بازن تو بخون کرد ملک
 گفت برادرت را نیز گفت آمد که تو زن او را بخواپتے و من ملک الموت داده گفت تنها
 کرد و کنم از کنای که در مرک ازان ملاست یام ملک عازان دی برداشت اور اد کور
 هفت دنده اهل مملکت ذاری کردند سیمان علیه السلام کرسا زمزمه که با همکار دند
 تا آفتاب را باز و از ندو شک افشا نداند و ران محاجان ابراز شنک شد و هموز از صحرا
 بوی شنکی آید و اعد علم و دقیق حضرت ابراهیم علیه السلام اما کور حضرت ابراهیم علیه السلام
 به بیت المقدس است وقت نوت نکت الموت پیش دی بصورت مردی چیف ابراهیم
 و را محاجان داشت وی طعام میخورد و یقنت از ندان وی پیغای از پری و پیشی ابراهیم
 علیه السلام گفت عمر توجه است کتفت عمر توجه است کفت غلان و ده سال عدوی نیاده
 از عمر ابراهیم بود علیه السلام ابراهیم گفت آئی جان من بستان ملک الموت را بخواست باقی
 مر ابرد از راه تجربین پر نکرد که خار و ذلیل شدم آن پر گفت آن ملک الموت ابراهیم
 گفت صد گفت که من از خدا ای توانی خواسته بدم که در ازنا کافی ده گفت ترا نیز
 نامک الموت را بعای از من درخواست کنی بس جان دی بستد ده العاد علی شنی
 و دقیق حضرت موسی علیه السلام اما کور موسی علیه السلام را پس نهاد که دیگارت کسی نیز نهاد
 کاره نهادی که موسی می خواست بخت حضرت حق پیجا نهای فرمود که موسی می خواست
 بسیزند اکنون ای رتر از پال عده دم اما آن ملکت بس ملک الموت آمد و گفت جان

کتاب نسیم کنج نامه

از کجا بستانی کفت ازو هن کفت بو ریت ارجت آن خواهد ام کفت از کوش کفت
 کلام حق تعالیے به ان شکوهه ام کفت سرثاب خواه کفت نکف بوی وان تراشونم
 کفت شاید همک الموت وان برداش حضرت سوی نبا و جان وی برکشید و حضرت
 موسی میرے راصد و شفت سال ستم و داده علم و زکر مرقد پنهان در معابر و نهاده
 بر زک و تخفی خانه بر پسر پوشه کیس نهاد که آن کیت خد نزدیکی است که در آن نجف
 خفته است مردم آن ولایت بر زیرت رو نه بعی کویند که پیغمبری بوده که با دیو حکم که
 و هاک شده داده علم **مرطی**، بلاد هند کو ریت غیرم و آن مردی بجهان نیک فخر بر پایه ای
 و مرد و دست وی از بن افتد و بر تن هی سپیار است دست بر شکم وی زن
 بانک طبل کند و دو سپه برد و دیگ قبضه شمشیر و دلپولی و نماده و دیگ کیه از دور قدمی
 و از دلخواه مصلد آورده و کس علت از از نهاده بجهان آفرینید که عالم ها پس نه از که
 آن کیت **بغرضیم** ملک مرثی
 در همک خود کوی دیگ بر ایل تخفی
 خفته بود که دو دن و آن او را بر
 ده شتر نهاده بلکنی و زن شاد
 فلیخ نهاد نوشت و زن شاد که
 ای کا فر بر تیس ل رضا ای کو محین
 آوی خلق کن و باز هاک کند
 مهره داده داده و بر جانه ایست شید
 و داده ل تخفی و ای په و مانند
 در خیته و مرد است اما نیکسته فی
 دست بر سرخ و نهاده و مرکرات بی دین غافر داده سب اوزیل کرد و مرقا کرد و با پیه اشو و پهمه



کتاب نسیم کنچ نامه

آن کو را بجا برند و با از کجا بر طرف شود، همچنان مینداز که آن گفت متبره شاد است
 کوری فیضند در حضرموت و غازه از سرک ترشیده در راهی دو مرد روزن بر کیشی
 عادی خفت و بر راد لو عظیم نماید و بر ان لو شسته شد اعترافی آیا المغز و بالغم زمز
 بانش او بن عاد ماجب القمر امشید بر اوشیره عادل آورده اند که جون اوشیره از عادل
 ما بر جلیعه مکلفت نشست همیشه علاوه اعاذر کری و فضما و شکعتها ییه عالم را از شد
 پرسیده دانای گفت که اوشیره ایان عادل ایوه ساخته است بداین کس ایز
 ویران نموده از دن و دی چب اند تا به پند که هر چی سلکیست دید مردی پرپی را پرسیده
 این بویان را کس ایجه گفت اوشیره ایان دمن که در زیر یارانم که در گبات ویرا به سے
 برد و شود و روکبو ییه بر شد در ازدی وی خوششک و وزانی بخاری و در ایان غاز سریر زدن
 صناد و برسه ایان پیر اوشیره ایان عادل را خوبان یزده دنایی مکلن بجوان بر زبردی نمای
 داند ام ویرا بیشک و عفره بومیای خوشل مزو ده تباها نشود و جون ما هون و برا بدید
 بکریت موی بنا کوش ویرا سعیده ید و عصمه زین برشت نی ادسته در ایشتر که ینا بکس غند



و اکنثری وید بران بزسته که ایکار که هر کی ترا شد چون کاد رفتن آمد ترا به بود که بر زن شد

کتاب نسیم کن نامه

/ ۳ /

زیر این نهاد نهاد سرمهی این ملکی اخیز آید نافعی با دی ای بشد که درین نسبت خیانتی گند
ما نومن سروون آمد و تغص کرد و خادمی ناکشتری بر کرفته بود از روی بسته
بران نوشته بود هر کرا مالی نه کامرا نی نه هر کرا زن نه کد خدا یسته هر کرا
فرزند نهاد دهانی نه هر کرا این سرمه نه ایج غم نه داده علم والسلم عده
از ذکر که جن و میان **جن** بدانکه محنتی ای عالم کھنیز و را پیلم شد بکم آنکه جام کنی
نمای بدبخت او افتد و سبب آن بود که سخنی در صحابه نهاده از زیده
محیط جانوی پرور آمد بصورت کاد بجزی سیاه و لعلی درون داشت از زدن
پرور نهاده در روشنی آن جوا میکرد و آن شخص گفت که من علاجی پیازم که ین
لعن ازین غایب را بستم نه بشد و نکرهاره کل بهم رسایده و عقب سنه کی نهان شد
جون آن چنانور از دیوار پرور آن بغا عده خود لعل ابرزمین نهاده بجهات مشوی شد این شخص



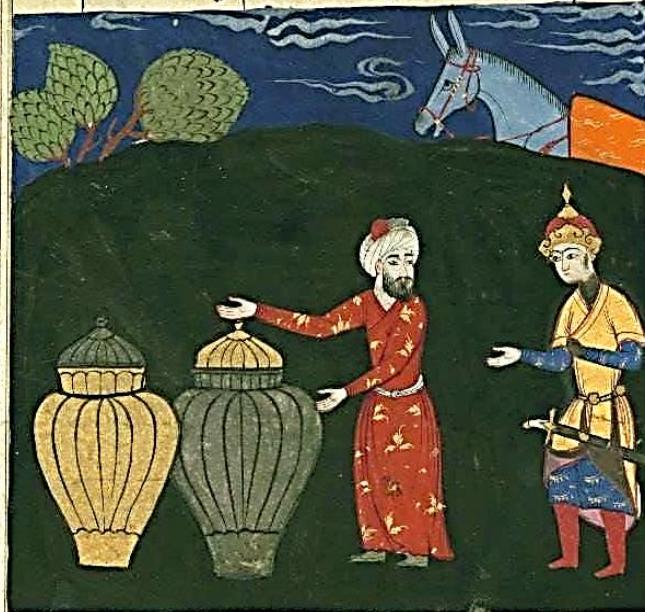
از عقب سنه کی پرور آمد که آن کل را بر مالای آن لعل نهاده عالم تاریک شد آن جانو

کتاب نسیخ نامه

با صدرا ب تمام در آب رفت آن تھض آن لعل را برداشتند پس کجنه آن داد و بون این
 هفت استیدم عالم را در آن دید و ملوک وبار کارهای ایشان بالکنگارهای بازار
 در مردم کجا میرفشد و از بگاهی آمد تر و فرستاد و کنجنه در کی است و در شر و در
 یکسان بود و چون مطلع شد بر اسباب ملوک و منقاده و طرق ایشان ناکا
 هر جا خریمه بود برد و شست تا فرزین عالم او را به حاصل شد بعینی کومند کر
 این جام از اسما ان آمد بعینی کومند که کجنه و سکیانست بعینی کومند کجنه و بوسی
 است و افراسایاب فرعون است کجنه را از اسما ب را در آب بدان گرد کس
 نه آن که کجنه کیا مرد غای و کنجنه و کنجاه کرد و است بست اسکندر اثنا و هکایت
 همود در ویشی مد نوان اسکندر آمد و مر روز بخی و دنیار مسد و کفت می شد
 مر احیت کجنه مدی برآمد در ویشی هر ده اسکندر و را طلب کرد کجنه مرد بخا
 وی در آمد سه شاکفت این مر را از دنیا بد و شت کجنه الاغی کفت همکن
 کفتند مر روز زیدن الان سوار شدی و بچهار فتی و باز آمدی اسکندر آن فر
 در استید و بران برشت و عنان او را ران کرد و تا برفت مقدار سر زدن
 راه از آبدانی دور افتاد و باسای کویی سید و جای شکفت وید در آنها
 باستاد و نکاه کرد سنگی دید بران صورت مردی کرد و بوجی دو تا درست
 هائند لایی در درست و یک رز تنه که اسکندر کفت که لام ملت مال است
 وزنک ملت کرزاست ایچایی را کشید و چون بکنده نمود ری سید اش زلولی
 بید آمد و خانه ای پر زر و جواهر را بجا خاند و ید مغلی سر ایچایی
 کفت کج عظیم در اینست بجز مواد تا قتل از آن در برداشته شد
 خاند و ید خانه و خاک در آن خیست اسکندر در آن خانه
 می کرد وید و همارا میدید و زیر عاقلاً کامل بمرد او بود

کتاب نسیم کن نامه

اَسْكَنْدَرْ رَكَنْ رَطَانِي لَفْنَهْ كَرَهْ وَ كَحْلَهْ وَ يَدِ بَرَطَقِ هَنَادِهْ وَ مَيْسِنِ زَمَرَهْ دَهْ.
اَنْزَبَرْ دَاهْشَتْ وَ زَرَكَفْتْ اَيْ مَكَ كَمَكْ مَكْ اَيْنِ درَشَمْ مَنْ كَنْ كَوْ اَكَرْ آشَيْهْ دَهْ
بَهْ مَيْسِهْ اَسْكَنْدَرْ تَكَفْتْ مَنْ اَيْنِ كَنْهْ زَرَابَهْ دَاهْمَ اَيْنِ تَكَلَهْ مَهْ اَعَامَهْ اَهْ



بَلِ سَكَنْدَرِ سَيِّيِّيِّي اِذَانِ سَيِّيِّيِّي دَهْ خَمْسَهْ شَهْدَهْ دَهْ جَهْشَمْ دَهْ نُورَهِي بَهْ اَدَهْ كَهْ سَرْجَهْيَا
كَهْ دَهْ عَامْ بَهْ بَهْ دَهْ يَدِهْ وَ بَهْ رَجْسَهْ كَهْ دَهْ كَهْ فَرَمَنْ زَرَدَهْ سَيِّيِّي بَهْ دَهْ رَثَيْهْ دَهْ
عَالَمْ رَأَكَفْتْ وَ اَزْقَافْ تَاقَافْ
وَ خَانَهْ دَاهْشَدَهْ نَاهْ اَنْ خَانَهْ زَهْمَنْ دَهْ جَوَاهِهْ بَهْ يَدِهْ كَهْ كَهْ نَاهْ بَهْ بَهْ دَهْ مَشَتْ اَعَقْ
اَكَرْ وَ تَاجَهْ بَهْ دَهْ رَخَابْ دَهْ اَفْهَمَهْ شَهْ اَمَدْ دَهْ سَانْ شَهْهَهْ سَرْكَرَهْ دَهْ اَنْ سَكَرَهْ دَهْ
اَقْرَدَهِي بَهْ دَهْ كَفْتْ كَهْ اَزْكَمَهِي كَفْتْ اَزْرَهِي كَفْتْ بَهْ كَهْ كَهْ اَهْ دَهْ كَفْتْ بَهْ بَهْ
وَ دَهْ دَهْ اَمْ كَهْ دَهْ دَهْ مَشَتْ بَهْ بَهْ اَمْ اَيْنِ مَرَدَهْ دَهْ كَفْتْ جَهْدَنْ سَالَتْ كَهْ مَنْ بَهْ بَهْ

کتاب نسیم کنجه نامه

دیده ام که در ری خانه ایت نام آن زمین دور آن گنجینه میست خواهی ایست
 نسیم تو بمرد سیمی آن درویش جون این را شنید باز نگردید و خانه خود را
 که قشته او نیایست از سی من زر آرازه خون کرد و تا هنوز نیست
 کویند هر راج هندی از بهر گلکی که دی ساخت از زرده مبلی نیم از و بکرت جون
 کردم را پیش آور دند رو آن شده بس بجایی رسیده باستاد و سر چاک فرد
 بردو و بسو رانی در شد آن سوراخ را که قشته بچنید ایش و ماری بران
 خسته آن باشد را کشته و ده خم در آن گنجینه داد و دنه مسنه ای کفت کردم نز
 بلهیم ساخته و مهش زر میل نز کند و کردم نیش در سوراخ ما و بخند ای حکایت
 را ببرانی ای کنجه که سبب لاسباب سرکش را ببینی بچنید
 اما کنجه دارد را کسری داشت و در ان عهد که حشمه و پروری مک روم رسیده
 گلک روم کنجه را در کشتمان غاده خواست که بکریز و بقدرت برور دل کار با
 شد و ای شتمان را بجانب گلک حشمه دارد و ای نصیب او شد و این بچنجه
 آور دنام کردند **حکایت** بگو دا هوا زکو هیست و در ای ایش است سرال
 یک سپار سایندا بجا برک رودی دنار کی صورت و بزرگی دلکروزه صورت
 و توست ماری و سبب ایست که مکی بو او را داده دش بو جون قوت
 رحلت رسیده هر را بخاند و گفت سرکار شما نش کرد و هر ایک حقه است و دن
 ماری ای ای هیست را بدهید تا تو انگریش و آن حقه بخنچی پر تکی زرسان ای
 را ای هانیش مش ایم آن حقه را از و بسته جون سرخه را بگشود ماری سردن امدو
 سوراخی نشت وی ای سوراخ را بگند بچنید بیست او آمد که خدا و اندیشی
 خون زدنیار حلث کرد آن را رسال دنیاری ای ای مال آورده در ای ایشند
 ذکر نیز که سر هزار رسال باند و پیش اند که این را از کی پر و دن می آید بجا سر و د

کتاب نسیم کن نامه

و این از بحای است **حکایت** در عهد او اسما ب در و لاست من کوست
در ان کو د و میں سی با فیض برگرد آن حفظی نوشته که من مادثی بودم
که این ستو نهاد ساقم سیده سال عمر من بو و سار کجا بسی فرگرد و ام وزیر
این دو میل و مرد از ان سچ نصی و بهره بخواهند از من بگرفته
ای عزیز بخششاد میاش که پادشاه من است افسما ب فرمود تا آن میدهار بخونه
بار صد پل از اجای برگرفت بعد میزد که صورت تجشم دران بو و مرد میاری
ده من ذره سخ و اعدا علم این حقدار گفتم از احوال بخوبی این که عاقبت جم بود
و بغیر از پرورد و کار دل و رخواه کرنده ی که آنها فاعمت بغير از ذات پاک وی
از آن انتساب ب شرف آلا ذمے و عاصمه

موکل غایب و از قلت بلکه ای انجشذ و الام ای پرسینه
بلکه را فرمودم که ادم را بحد که بجهه کردند کرای شده که مکر ایشان که
مسجد و گزد و ملعون شد آدم این شرف نیس که هلاکه را سجده او در فروند
قول تعالی و لعنت از سانی ای ادم **مشی** بنی دم را خیز کردم بعامت رت
و عقیل و تیز و بسیع پاره سازنها **حکایت** آورده اند که در ابتدا خلوت
ششی مخلوق شده و هر غاز را و دکم هم طرف طران مسکنندی و هند
رسیده که شاهزادگان رفیعه کفشه که آذنی آدم کفت او بنی جکونه رسیده
که نشید که در این پرورد و مقتضی که در کشت و بجز دشیر بحق نواده بیوت
که آدمی روز پیش روزی ایشی را دید که مید و بد گفت این کمر آدم است
که بسیار خاک است از رو پیش که آدمی گفت ای شیر ادی هر ایکبر دوکام
هر سید که وزن درشت من بده و سرمه اند جد اندک خواه و جون کسر و محاج
شوم هر گز شسته کو شست هر آخوند و پس روزی کاوی را دید گفت تو آدمی گفت

کتب نشیں کج نامہ

